دی و بهمن ۲۵۳۵ ـ شماره بیست و هفتم ـ ۵۰ ریال

سینما ۵



سینما ۵

دی و بهمن سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی

نشریه جشنواره جهانی فیلم تهران

زیر نظر : بهرام ری‌پور

دبیر شورای نویسندگان : جمال امید

مدیر امور فنی : درخشنده زعیمی

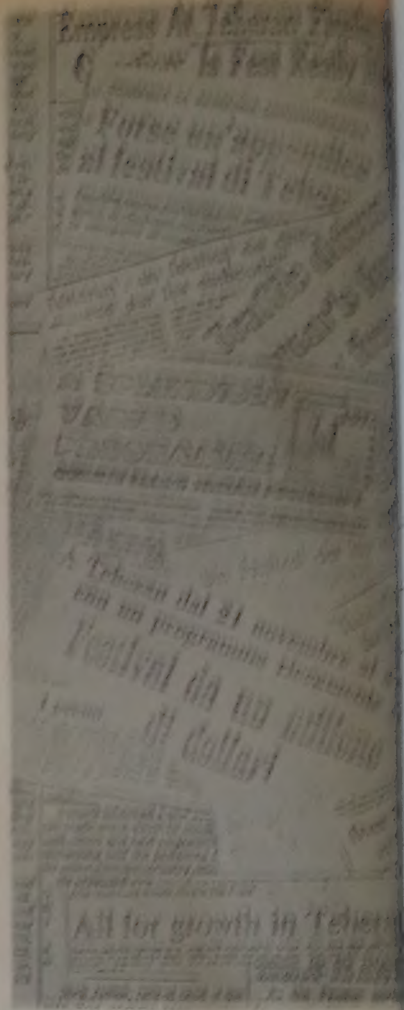
طراحی صفحات زیر نظر : مرتضی ممیز

آدرس : خیابان تخت جمشید ـ شماره ۳۰ ـ جشنواره جهانی فیلم تهران ـ تلفن ۶۶۸۸۵۸ ـ چاپخانه وزارت فرهنگ و هنر ـ تلفن ...



«ماگدا ماهار کوویکی» ستاره فیلم «دال» وجایزه بزرگ پنجمین جشنواره جهانی فیلم تهران برای بهترین فیلم سال

در این شماره می‌خوانید :



مطبوعات جهان و پنجمین جشنواره جهانی فیلم تهران

ایالات متحده آمریکا

(ورایتی VARIETY)
جشنواره تهران نمایشگاه فیلمهای آمریکائی

برگزارکنندگان جشنواره جهانی تهران- وزارت فرهنگ و هنر، سازمان جشنواره و از جمله خود هژیر داریوش دبیر کل جشنواره-این رویداد را وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط فرهنگی و هنری بین شرق و غرب می‌دانند. اما بنظر برونده‌گاه استقبال شدید مردم از برنامه‌های اصلی و فرعی این جشنواره، جنبه مهمتری از این رویداد سالانه را تشکیل می‌دهد. و در واقع صف های طویل تماشاگران بیرون سینماهای نمایش‌دهنده فیلم های جشنواره ارتباط کمی با نزدیکتر کردن شرق و غرب دارد، چرا که هجوم تماشاگران فیلم های آمریکائی نشان می‌دهد که سینمای آمریکا از نظر ساخت فکر و پرداخت فیلم‌ها هنوز هم یکی از مهمترین وسایل سرگرمی است.

شهر تهران با چهار میلیون جمعیت از نظر آمریکائی‌ها بازار بسیار خوبی است و طی چند روز جشنواره علاقه مردم به فیلم‌های آمریکائی بیشتر تائید می‌شود. و امسال هم آمریکا بخاطر همکاری دامنه‌دارش - به استثنای دومورد - در تحکیم تسلط سینمای آمریکا بر اذهان تماشاگران بین‌المللی شایسته تحسین است.

دوتا از نه‌جایزه

ایالات متحده فقط دوتا از نه‌جایزه جشنواره را ربود - جایزه بزرگ مجسمه زرین بز بالدار به‌فیلم «بدل» محصول کمپانی کلمبیا و دیپلم افتخار برای فیلم «به‌لوس آنجلس خوش آمدی» محصول رابرت آلتمن پروداکشنز به‌کارگردانی یکی از فیلمسازان تازه‌کارش. بهر حال مردم صف‌های بلندی بیرون سینماهای نمایش‌دهنده فیلم های آمریکائی داخل مسابقه یا خارج از آن از جمله «دیوانه‌ای از قفس پرید»، «راننده تاکسی»، «تمام مردان رئیس جمهور»، «باری لیندون»، «ایستگاه بعدی گرینیچ ویلیج» و «حماسه‌بیلی جو» باضافه رتروسپکتیو چهارده روز فیلم‌های داگلس فربنکس (پدر)، هری لنگدون و باستر کیتون و یك برنامه دو فیلم در روز با عنوان «ایالات متحده: نقشی از خود» که بمناسبت جشن های دویستمین سالگرد استقلال آمریکا ترتیب‌داده شده بود، تشکیل می‌دادند. برنامه «ایالات متحده: نقشی از خود» کلاسیك‌هائی چون «چگونه‌غرب تسخیر شد»، «از اینجا تا ابدیت»، «بانی و کلاید»، «در باراندار»، «آخرین نمایش فیلم»، «مگر اسبها را نمی‌کشند؟»، «تشریح یك قتل»، «بند و بندبرش»، «آواز زیر باران» و «سفر فضائی ۲۰۰۱» را دربرداشت.

غیبت «فدریکو فلینی»

ایرانی‌ها علاقه فراوانی به سینما دارند و امسال این علاقه نسبت به‌فیلم‌های آمریکائی صورت یك شیفتگی شدید را داشت و شاید چشمگیرترین جنبه جشنواره امسال را تشکیل می‌داد. ایتالیا در مکان دوم می‌توانست وضع بهتری داشته‌باشد، اگر که فلینی همراه فیلم جدیدش «کازانووا» به تهران می‌آمد و آن را به‌اصطلاح بر تارك برنامه مرور برهمه آثار این استاد بزرگ سینما که چهار‌دهروز ادامه داشت، قرار می‌داد، ایران خودش یك برنامه مرور بر تاریخ فیلمسازی در این کشور را داشت که از نخستین کوشش‌های فیلمسازی در این کشور شروع می‌شد، اما تاکید آن بیشتر بر تحولات سینمائی اخیر این کشور بود که با برگزاری دوره‌های جشنواره تهران همزمان بوده است.

هیئت نمایندگی ایالات متحده از نظر تعداد و اهمیت همپای فیلم‌های آمریکائی شرکت‌داده شده در جشنواره بود و از جمله باید از این‌ها نام‌برد: لورن باکل، تونی موسانته، دایان کانن، سالی کلرمن، ایوت‌میمیو، مارجو گوردنر، براندا واکارو، تله‌لاموتنگمری، بیوه‌های باستر کیتون وهری لنگدون، دیوید‌ماتالون از کمپانی کلمبیا، جوبلفورت از فوکس قرن بیستم. المو ویلیامز ازاپیکس، آرتور دیویس، کارگردانان فیلم: اتوپرمینجر، پل مازورسکی، آرتور هیلر، ریچارد لستر، مارك رابسون، هربرت کلاین، و ماکسی میلر تازه کار، رویهم رفته ۶۰ تن از ۲۷۰ تن میهمان جشنواره (از تقریباً ۶۰ کشور) از ایالات متحده بودند.

ترافیك غیرممکن

شهر تهران با ترافیك غیر قابل تصور آن همچنان مانع شرکت میهمانان در برنامه های نمایش فیلم می‌گردد. دو هتلی که به میهمانان اختصاص داده شد، بخصوص هتل هیلتون خیلی از مرکز شهر دور هستند و رسیدن بسالن های نمایش ازاین هتل‌ها مستلزم تحمل یك سفر دوتا چهار ساعته با اتوبوس از میان ترافیك بی‌نظم وقاعده تهران است. و تاثیر پل‌های هوائی جدیدی که در چهارراه‌های شلوغ ساخته شده، در تخفیف فشار ترافیك تقریباً نامحسوس است. اما بهر حال برنامه حرکت اتوبوس‌ها منظم است و تا آخرین برنامه نمایش که به‌نیمه‌شب می‌کشد، ادامه دارد.

یك عامل منفی دیگر علی‌رغم روحیه میهمان‌نوازی بی‌غل‌وغش برگزارکنندگان جشنواره، وضعیت ستارگان سینمائی طی دوره دو هفته‌ای جشنواره است. لورن باکال، سالی کلرمن، برنداواکارو و آکنور فرانسوی لینوونتورا جشنواره را بهردلیل ناراضی ترك کردند. شاید احساس آنها منعکس کننده نارضایتی بیشتر میهمانان باشد که با توجه به‌مشکل ارتباطات و رفت وآمد تقریباً از همه جدا هستند. تصور می کنم

امسال درمورد تهیه وسیله نقلیه برای میهمانان بیش از اندازه صرفه‌جوئی‌شد . حقیقت‌اینست‌که جشنواره تـهران سال بـه سال سعی مـی کند ازخرج‌ها بکاهد و تاثیر این‌روش به‌تدریج‌خیلی زیاد شده است و مثلا ستاره سینمائی که باهزینه فراوان از دورترین‌نقطه کره‌زمین‌به‌تهران‌آورده شده ، درخود تهران با سختگیری های پولی‌غیر ضروری روبرو میشود .

بسوی اصفهان . . .

آیا عکس‌العمل سینماگران خارجی نسبت بـه جشنواره در اصفهان متفاوت خواهد بود ؟ با توجه به نظر اکثریت باید گفت که جواب این سئوال مثبت است. در اصفهان این شهر کهنسال و زیبا، دیگر مسئله ترافیك و آمدوشد وجود نخواهـد داشت. و اگر این انتقال سال دیگر صورت بگیرد می‌توان امیدوار بود که فرصت‌های بیشتری بـرای مراوده و بحث و گفتگو بین میهمانان کشورهای مختلف ومیهمانان‌وفیلمسازان داخلی وجود داشته باشد.میتوان فیلم‌های‌بیشتری دیدوجشنواره حقیقتاًبه‌صورت یك‌جشن‌درخواهد آمد و آن‌هـم بدون فداکاری هائی که تهران می‌طلبد .

ضرورت انتقال . . .

انتقال جشنواره آنطور که هژیرداریوش به‌مجله ورایتی گفته است ، ضروری است، گو اینکه این امر مشکلات سازمانی و مالی جدیدی به‌وجود خواهد آورد . به‌عقیده‌اوبودجه‌جشنواره تا ۲۵ درصد بالا خواهد رفت ، بیشتر بخاطـر هزینه سفر هوائی میهمانان از تهران به‌اصفهان ولزوم فراهم کردن تسهیلات هتلی‌هم درتهران‌ـ برای کسانیکه درساعات‌غیرعادی‌روزوشب‌ازچهار گوشه جهان به تهران می‌رسند و هم‌دراصفهان.

وزارت فرهنگ و هنر که سرپرستی‌سازمان جشنواره را به عهده دارد ، انتقال به‌اصفهان‌را چندان ضروری نمی‌داند . و مطبوعات تهران تقریبـاً بدون استثنا با این انتقال مخالف هستند و دلایل آنها بیشتر اینست که تهران به عنوان قلب‌کشور تنها شهری است که زیربنای اجتماعی و فرهنگی لازم پذیرش یك جشنواره جهانی فیلم را دارد .

رأی نهائی دراین‌موردهنوزصادرنگردیده، و این رأی می‌تواندتضمین کنندموفقیت‌یانابودی یکی از جشنواره های فیلم بزرگ جهان باشدـ مگر آنکه مصالحه‌ای از طریق تقسیم برنامه‌های تهران واصفهان‌ـ مثلابرنامه‌های‌مسابقه‌وجشنواره جشنواره‌ها در اصفهان و سایر برنامه‌های جنبی در تهران – ایجادگردد.

از گوشه و کنار جشنواره تهران

* علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران به عنوان نشانه تائید از فعالیت های جدیدایران در زمینه تهیه‌محصولات سینمائی‌مشترك‌به‌تماشای فیلم «صحرای تاتارها» محصول مشترك ایران، فرانسه ، آلمان، ایتالیا و به‌کارگردانی «والریو زورلینی» نشستند و هنرمندانی‌راکه در ساختن این فیلم دست داشته‌اند، مورد تفقد قراردادند.

* «**ریچارد لستر**» که برای نمایش فیلـم «ریتس» به تهـران آمده بود می گفت که دارد مقدمات ساختن‌یك کمدی‌درباره‌موضوع‌خودکشی را فراهم می‌کند اما در پیداکردن سرمایه‌گذار با مشکل روبرو شده است.

* «**لینوونتورا**» دیر آمد و زود رفت – حتی پیش از تاریخ نمایش فیلم«جسدهای‌عالی» (که در گمرك‌گم شد) از فرانچسکو روزی وبا شرکت این آکتور فـرانسوی . ونتورا اخیراً سفـری داشت به هـالیوود همراه ژراراوری کارگردان فیلم برای تهیه مقدمات فیلم «قطره» (The Drop) که محصول‌مشترك‌فرانسه‌باتیتانوس خواهد بود .

* «**تونی موسانته**» بیش از تمام‌میهمانان جشنواره با تهرانی‌ها جور شده بود.درحالی‌که بسیاری از ستارگان با نارضایتی از وضع‌ترافیك و مشکلات دیـگر تهران را تـرك می کردند «موسانته» با خوشروئی در برنامه‌های جشنواره شرکت می‌کرد و خوب هم مورد استقبال قرار گرفت‌ـ که این‌البته نتیجه نمایش‌سریال‌تلویزیونی «توما» درایران بود . موسانته طی اقامتش در تهران در مورد امکان ایفای نقش در دوتاازفیلم های المو ویلیامز «کاروان‌ها» و «مردی با تسبیح سیاه» مذاکراتی انجام داد.

* **مختارالعفیفی** معاون مؤسسه سینمائی مصر به همکاری های دولت مصر در تهیه فیلم «جاسوسی کـه دوستم داشت» بروکولی اشاره کرد از جمله اینکه مقامات گمرك گروه‌زیادی را برای‌انجام تشریفات گمرکی یك‌گروه‌هشتاد نفری با چندین‌تن لوازم و تجهیزات به‌لوکسور فرستاد تاگروه مزبوربتواندازیك‌پروازاختصاصی و بدون توقف از لوکسور به لندن استفاده کنند.

* فیلم مستند بلند هربرت‌کلاین با عنوان «هنر مدرن» که ابتدا توسط‌کمیتهٔ انتخاب برای نمایش در برنامه سینما چشم‌وگوش دارد انتخاب شد، بعداً با توجه وزیر فرهنگ و هنرودبیرکل جشنواره هژیر داریوش به‌عنوان یك برنامه‌ویژه در تالار رودکی به‌نمایش گذارده شد. گویاوزارت فرهنگ و هنر خیال‌داردفیلم‌مستند۱۰٤دقیقه‌ای کلاین را برای نمایش عمومی و نمایش‌دربرنامه های آموزشی بدست بیاورد . دو فیلم بعدی کلاین کـه در حال حـاضر مقدمات تهیه آن‌ها در ایالات متحده فراهم می‌گردد، موضوعات‌داستانی خواهند داشت .

* دوآکتریس‌دیگرقدم‌درجاده کارگردانی می‌گذارند : یـك ، **دایان‌کانن** که فیلم چهـل دقیقه‌ای‌اش به نام «شماره یك» بااستقبال‌فراوان







بالا : پرویز فتوره‌چی – رئیس بازارفیلم تهران
وسط : «اینگرید تولین» (ستاره فیلم‌های «...
وبازیگر نقش اول فیلم «آنیس میرودکه ...
دربخش مسابقه نمایش داده شد) . یکی از ...
جشنواره پنجم تهران .
پائین : «تونی موسانته» (بازیگـر معروف ...
حادثه ، دسته‌گریسام ومجموعه تلویزیونی «...
میهمان جشنواره پنجم تهران .

...کران روبرو گردید . این فیلم ابتدا روی
... ویدیو گرفتهشدوبعدبهنوارفیلم۱۶میلیمتری
...گردانده شد این فیلم بایك بودجه پانزده‌هزار
...اری عطیه مؤسسه فیلم آمریکا ساخته شد.دوم،
...کرید تولین بازیگر نقش زن اول فیلم«آلیس
...ود که بمیرد» به‌کارگردانی جولیانو مونتالدو
...مناسبت نمایش این فیلم در جشنواره تهران
...ان شهر آمده است‌ودارد فیلمنامه دومین فیلمش
...با احتیاط تهیه می کند . می گوید: «نخستین
...نامه‌ام توسط یك تهیه کنندهسرقت‌شدوبصورت
...یلم بسیار بدی درآمد» .

* «نیکیتا میخالکوف» که جایزه بهترین
کارگردان جشنواره تهران را ربود به تازگی
...برداری فیلمی تازه باعنوان «پیانوی کوکی»
(The Mechanical Piano) براساس یکی
...داستان‌های کوتاه اولیه چخوف را به‌اتمام
...سانده که بزودی به‌نمایش درخواهدآمد.

* «ادموند اکیسون» از کمپانی «کوالیتی
فیلمز» استرالیا می گوید که جایزه اسکاری که به
محصول مشترك روسی - ژاپنی آکیرو کوروساوا
...بنام «درسو اوزالا» داده شد به موفقیت تجارتی
این فیلم ، در استرالیا بسیار کمك کرده است .
نمایش عمومی این فیلم در سیدنی ۱۱ هفته، در
ملبورن ۸هفته و در بریسبین ۶هفته ادامه‌داشته.
کوروساوا به گفته این پخش کننده استرالیائی
فیلمنامه جدیدی براساس «لیرشاه» نوشته که
هزینه تولید آن ۳٫۵ تا ٤ میلیون دلار پیش‌بینی
...ده است و هنوز نمی‌تواند سرمایه گذاری برای
تولید این فیلم پیدا کند. از طرف دیگر کمپانی
...هو قرار است نسخه‌جدیدو کامل هفت‌ساموراتی
(۲۰۳ دقیقه) را با نوار صدای جدید پخش کند
... این کارمی‌تواند زمینه‌مناسبی برای پخش دوباره
...م آثار این فیلمساز برجسته فراهم سازد.

...رخشش بازار فیلم پنجمین جشنواره ...جهانی فیلم تهران

امسال برای اولین‌بارطی‌تاریخ‌پنجساله‌اش،
...شنواره جهانی فیلم تهران ، بازارفیلمی‌برگزار
...ردکه حقیقتاً درخور یك شناخت بین‌المللی
...ست .

بازار فیلم‌تهران‌جدااز برنامه‌های جشنواره
...ا زیـرنظر سازمان جشنواره ، توسط پرویـز
...توره‌چی اداره می‌شد و تمام عواملی‌راکه به آن
...رنگ یك بازار مکاره سینمائی بین شرق و غرب
...را بدهد دارا بود. بازار فیلم‌شایدجمع‌وجورترین
...قسمت تمام جشنواره بود. تمام خریداران‌وصادر
...کنندگان فیلم‌در هتل هیلتون اطاق داشتندوفاصله
...بین هتل‌و بازار را می‌شد براحتی پیاده طی کرد.
...فتوره‌چی جهار سالن نمایش داشت که از ده‌صبح
...تا اواخر شب فیلم نمایش می‌دادند و بدین‌ترتیب
...روزانه ۱۸ تا ۲۰ فیلم بروی پرده می‌آمد. تالار
عمده مذاکرات بسیار راحت مبله شده بودوبازار
فیلم از نخستین روز شروع تا اواخر جشنواره،
محیط پرفعالیت و پرجنب‌وجوشی داشت. ابتدا
برنامه بازار روزقرار بودهم‌زمان‌باخودجشنواره
از ۳۰ آبان تا ۱٤ آذر ادامه داشته باشد، اما
فتوره‌چی بعداً روز ۱۰ آذر را به عنوان آخرین
روز بازار اعلام داشت تا هم تمام بازرگانان‌راطی
یك دوره ده روزه در فعالیت کامل نگهدارد و
هم به‌آنها فرصتی برای‌مسافرت‌دوروزه‌به‌اصفهان
و شیراز و تخت جمشید بدهد. فتوره‌چی‌برنامه‌
ریزی‌اش بسیار خوب بود .اوتوانست خریداران
فراوانی را از نقاط مختلف به تهران بکشاند-از
کشورهای مشرق‌زمین (هند، پاکستان، مالزی ،
چین، فرمز، هنگ‌کنگ، افغانستان ، بنگلادش،
ژاپن، تایلند، استرالیا، اندونزی ،فیلیپین) ، از
آفریقا و خاورمیانه(مصر، سوریه، امارات‌متحده
عربی ، لبنان ، عراق ، اردن ، کنیا، نیجریه ،
لیبریا ، آفریقای جنوبی و زنگبار) و یك گروه
از خریداران با قدرت از کشور های امریکای
لاتین از جمله ونـزوئلا ، برزیل ، جمهوری
دومینیکن ، اکـوآدور ، پانامـا ، آرژانتین ،
اوروگوئه ، مکزیك و ترینیداد .

در مقابل اینها «فتوره‌چی» از سازمان‌های
بزرگ فروش فیلم انگلستان و اروپا دعوت کرد
که فیلم‌هایشان را به‌گروه مختلطی ازخریداران
که به‌ندرت می‌توان همه‌شان را در یك‌جشنواره
پیداکرد ، عرضه کنند.

موفقیت بازار فیلم تهران مورد تائیدهمه
بود. و مثلا بازاریاب‌کهنه‌کاری مانند «آرتور
دیویس» که در همه‌بازارهای فیلم جهان حضور
دارد به نماینده مجله «ورایتی» گفت: که دامنه
وسیع تماس‌ها و معاملاتی‌که انجام می‌شده‌است‌او
را سخت‌شگفت‌زده کرد . می گوید : **«ازنظر من
این سفر برای نفوذ به‌قلب بازارهائی مانند هند
و پاکستان و یاکشورهای خاورمیانه بسیار با
ارزش بود. معاملات خیلی جدی و مهم انجام‌شد،
خیلی بیشتراز آنچه‌که انتظار داشته»** . در حال
حاضر «دیویس» در سازمان «آرتور دیویدورلد
اورگانیزیشن» بیشتر درزمینه‌فیلم‌های‌مستندبلند
فعالیت دارد. می گوید تماس‌هائی که‌بانمایندگان
کشور هند گرفت از نظر اتمام‌کار فیلم مستندی
به‌نام «نامتمدن» که دردست‌تهیه دارد و تعیین
موضوع فیلم بعدی‌اش بسیار مفید بوده‌است.

«مایکل راین» نماینده «آی، تی، سی» به
اهمیت خود کشور ایران به‌عنوان یك‌بازارخوب
اشاره کرد ، می گفت : **«زمانی صحبت‌هایمان در
سطح ده تا چهارده هزار دلار برای هرفیلم‌بود.
اما حالا صحبت از چهل هزار و پنجاه هزاردلار
برای هر فیلم است»** . «فرانك‌پول» از « کمپانی
رانك» و «مایکل برومهد» از «امی» چهره‌های
جدید و امکانات‌جدیدفروش‌فیلم در بازارتهران
را قابل توجه می‌دانستند.

**«ماکس رومن» از یونان می گفت که‌بازار
تهران به او این امکان را داد که برای‌نخستین‌بار
به‌بازار های کشورهای آمریکای لاتین‌راه پیدا
کند. می گوید: «من در سه جشنواره‌سن‌سباستیان
شرکت داشتم اما نتوانستم به‌بازارهای آمریکای
لاتین دست پیداکنم . اما در بازار تهران‌توانستم
با چندتا از بزرگترین آدم‌های آن قسمت‌ازدنیا
معامله انجام دهم.»**

«هری نوواك» از «باکس آفیس اینتر-
ناشنال» از «لوس‌آنجلس» که شاید فعالترین
آمریکائی حاضر در بازار تهران بود، می گفت
که برای نخستین بار طی دوره طولانی فعالیت
حرفه‌ای‌اش توانست به‌کشورهای کویت ، اردن،
بحرین، ایران و ترکیه فیلم بفروشد و روی‌هم
رفته ۲۵ قرارداد به‌امضاء رسانده است. « جان
اسکـاربورو» از سازمان « کلینگر » توانست
قراردادهائی برای‌بخش‌فیلم«حیوان» (Brute)
در کلمبیا، آمریکای‌مرکزی، جمهوری‌دومینیکن
به‌امضاء برساند. همچنین‌می گفت که‌چندقرارداد
برای پخش فیلم «پروانه» در چند کشوراز‌جمله
آرژانتین منعقدکرده است .

«فتوره‌چی» بهتر از هر کس‌می‌داندکه‌بازار
او هم‌طبقه Mifed نیست ، اما ضمناً به‌اهمیت و
هدف بازارش در ایجاد رابطه بین شرق‌وغرب
وجمع کردن نمایندگانی از دوسوی جهان‌زیریك
سقف و دریك شرایط روحی مناسب واقف‌است.

با توجه بـه موفقیت امسال بازار فیلـم
«فتوره‌چی» معتقد است‌که زمان آن رسیده که
جشنواره تنها قسمتی از هزینه سفر خریداران‌را
تقبل کند و حمایت مالی‌اش را مثلا به‌فراهم کردن
تسهیلات اقامت محدود سازد . او این اقدام را
نخستین گام در جهت خودکفائی بازار می‌داندبا
این هدف نهائی که‌سرانجام‌شرکت کنندگان‌حضور
در بازار را تماماً به هزینه‌خود یك‌سرمایه‌گذاری
با ارزش بدانند .واین‌نظرراتنهاموفقیت‌مشخص
بازار فیلم ۷۶ تهران توجیه می کند.

در بازار فیلم تهران

* «وینس‌چواز» مدیر کـل «موویز» ،
هنگ‌کنگ اطلاع داده است‌که نانسی کـووان
(هنرپیشه فیلـم «دنیای سوزی‌وانگ») کار
بازیگری‌را کنار گذاشته است که استودیوشخصی
خودش را اداره‌کند. ضمناً او برآورد کرده‌است
که تولید فیلم در آسیا باید سالانه حدود ۱۷۰۰
فیلم باشد .

* کمپانی **«دیوار بزرگ»** فیلم مستندبازی
های ملی چین را برای فروش به بازار تهران
آورده بود .

* «راماندساگار» تهیه‌کننده، کارگردان
و فیلمنامه‌نویس هندی دوتا از فیلم‌های اخیرش
«چاراس» و «آواز» را برای عرضه خریداران
آورده بود. هر دو این فیلم ها در هندوستان‌با
استقبال زیاد روبرو شده بودند.

* «بیل هاریر» صادر کننده آمریکائی که مرکز کارش در پاریس است توانست درهای پنج شش بازار جدید را بروی فیلم ۹۶ دقیقه‌ای‌اش با عنوان «این است آمریکا» بگشاید. این فیلم را «رومانو وانــدربس» از نیویورك نوشته و کارگردانی و تهیه کرده است ...

* «**جان اسکاربورو**» از سازمان «مایکل کلینگر» گفت که دو فیلم «مجلس رقص پروانه بزرگ» (Big Butterfly Ball) و «حیوان» (Brute) فروش بسیار خوبی‌داشته‌اند.

* «**نصرت‌اله وحدت**» بازیگر، تهیه کننده و کارگــردان ایرانی سرگرم جور کردن معامله برای فیلم جدیدش «یك اصفهانی در سرزمین هیتلر» با شرکت«باربارابوالنتی»و«ژاله‌کریمی» بود . این فیلم تا یك‌ماه دیگر در تهران بروی پرده خواهد آمد و پروژه بعدی وحدت یــك محصول مشترك ایران و آلمان بهنام«سشخصیت مهم» است که در آن هنرپیشگان سرشناسی‌چون کریستیان کوفمن و باربارابوالنتی شرکت‌خواهند داشت ...

* **موززتی . پیترسون** نخستین خریداری بودکه از لیبریا آمده‌بود. او مدیر پخش مؤسسه تفریحات لیبریا است .

* **حسن متقم** مدیر پخش فیلم آفریقای جنوبی بهرترتیب بود چند فیلم از آمریکا و ژاپن بدست آورد .

* آکتریس سابق پاکستانی **کوثو کاب‌خان** به‌عنوان تهیه‌کننده و پخش کننده فیلم «سازش» که توسط همسرش افضل‌خان نوشته‌و کارگردانی شده فعالیت زیادی دربازار فیلم داشت.«سازش» که یك محصول مشترك با سری‌لانکا است‌نخستین پروژه آنها برای کمپانی ك . آ . تئاتر است .

* **محمد زرین‌دست** فیلم «بکش ، آلکس، بکش» راکه خودنوشته‌و کارگردانی وتهیه‌کرده و در آن نقش هم داشته است برای‌نمایش به‌بازار فیلم آورده بود. در پایان بازار زرین‌دست‌به‌لندن پرواز کردکه یك قرارداد پخش باکمپانی رانك امضاء کند.

* «آی . تی . سی» و «ئی . ام . آی» و «رانك» فیلم‌های‌زیادی دربازارداشتند و «**مایکل راین**» از آی . تی . سی. اظهارداشت کسال‌دیگر لرعلیو گرید در جشنواره شرکت خواهد کرد.

* **هنری چهاربخشی** از شیکاگو کدپانزده سال پیش ایران را ترك کرد بانخستین‌فیلم‌بلندش به‌نام «آخرین ماجرا» که در نیویورك، شیکاگو و ایندیانا فیلمبرداری شد به تهران آمده‌بود.

* **فرد گاسپاریان** از «کــانسلر فیلمــز» لوس‌آنجلس و شریکش «**جوی‌جونز**» ازشرکت دادن فیلم «بردگان سکس» در بازار فیلم تهران خودداری کردند. معتقدبودندکه«برای‌تماشاگران شرقی خیلی تند است» .

* «**سامی براکا**» فیلم «ارثیه» کمپانی

تیتانوس را برای فورم فیلم‌لیمیتدتل‌آویوخرید.

* «**ر . مختار**» نماینده‌رسمی‌سینمائی‌دولت پاکستان گفت ، که طی ۲۸ سال گذشته تولیدفیلم درکشور او جهش های چشمگیری داشته‌است . در سال ۱۹٤۸ فقط سه فیلم ساخته شده‌از ۱۹۵۲ تا ۶۰ بیست و پنج فیلم و بعد در دهه ۱۹۶۰ , تا ۷۰ تولید به شصت یاهفتادفیلم رسیده. ازآن‌زمان تاکنون در پاکستان بیش از صد فیلم ساخته شده است .

ایالات متحده آمریکا :

(ورایتی VARIETY)

* آیا جشنواره جهانی فیلم تهران نقل مکان خواهد کرد؟

* تهرانی‌ها مایلند که جشنواره درتهران بماند

برنامه تــوزیع جوایز پنجمین جشنواره جهانی فیلم تهران در حضور علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران در تالار رودکی برگزار گردید و بدین‌ترتیب همه نگرانی‌هاو تردیدهادر خصوص نظر ایشان نسبت بهسرنوشت این رویداد فرهنگی جهانــی پایان یافت . شهبانوی ایران **جایزه بزرگ‌مجسمه‌زرین بز بالدار به‌بهترین‌فیلم** راکه فیلم «بدل» مارتین ریت‌بابازیگری«وودی آلن» و «زروموستل» برنده‌آن شده به«آندره‌آ مارکوویکی» ایفاکننده نقش زن اول فیلم که همراه بامدیرتوزیع«ماوراء بحار» کمپانی کلمبیا، «دیــویــد متالون» به تهران آمده بود ، اعطاء فرمودند.

عدم حضورعلیاحضرت فرح‌پهلوی‌شهبانوی ایران در برنامه افتتاحیه‌جشنوارەشایعاتی‌درمورد سرنوشت جشنواره براه انداخته، گو اینکه رسماً اعلام گردیده‌بود، ایشان تنهابه‌علت عارضه‌کسالت در برنامه افتتاحیه شرکت نداشتند .

برنامه اختتام پنجمین جشنواره جهانی‌فیلم تهران در درخشندگی و گرمی چیزی ازسال‌های پیش کم نداشت.دراین مراسم‌نمایندگان‌دیپلماتیك بسیاری از کشورها درکنار چهره‌های سرشناس عالم سینما دیده شدند. شهبانوی ایران مثل‌همیشه مدتی با برندگان جــوایز و میهمانان جشنواره گفتگو کردند.

اعضای هیئت‌داوران بریاست‌آقای«عبدالمجید مجیدی» عبارت بودند از : کارگردانان: مارك رابسون (امریکا) ، ولادیمیر نائومف (اتحــاد جماهیر شوروی)، برت هانسترا (هلند)، آندره دلوو (بلژیك) و آندره کوواکس (مجارستان) بهمراه اکتریس‌ها امانوئل ریوا (فرانسه) وشابانا ازمی (هند) و هم‌چنین‌آقایان‌ماریوچکی‌گوری (رئیس اتحادیه تهیه کنندگان ایتالیائی) وآرتور

هیل (آکتور کانادائی) .

*

«آلبرتو لاتوادا» ضمن اینکه ...
فیلمش «وای، سرافینا» جایزه‌ای ...
داوران در خصوص اعطای جایزه بهتر...
مرد به آلن کنی اعتراض داشت . می‌گ...
بسیار ناخوش‌آیند است که تنها جایزه...
فیلم ایتالیائی گرفته به یك آکتور ...
نقشش را به زبان فرانسه ایفاکرد و بعد...
به‌ایتالیائی دوبله شد ، داده شده است.

*

در پایان پنجمین‌جشنواره جهانی ...
هنوز معلوم نبودکه سال دیگر این جش...
اصفهان خواهد رفت و یاهمچنان در ...
خواهد ماند .

«هژیر داریوش» دبیر کل جشنواره ...
این نقل مکان را تائیدکرده است اماگو...
درسطوح مختلف اداری در وزارت فرهنگ...
متفاوت است . از نظر میهمانان خارجی...
به‌اصفهان به‌معنای‌راحت‌شدن‌ازترافیك‌جن...
تهران است ، اما تهرانی‌های علاقمند به...
مایلند جشنواره تهران که بزرگترین ...
فرهنگی بین‌المللی این شهر است، همچ...
تهران باقی بماند.

«هنگ...

فرانسه :

(لوموند LE MONDE)

تهران میخواهد «کان» آسیا باشد

پنجمین جشنواره جهانی فیلم تهران از ...
گــذشته خاتمه یافت . از سال آینده قرار ...
جشنواره به‌اصفهان برود زیرا که پایتخت ...
تراکم و ازدحام‌زیاد، برای‌برگزاری‌ ...
فرهنگی و در عین حال اقتصادی بیش از ...
نامساعد است .

هیئت داوران که «امانوئل‌ریوا»و«آ...
دلوو » کارگردان بلژیکی در میان آنها ...
جایزه بزرگ جشنواره را کەیك بز بالدار ...
الهام گرفته شده از هنر هخامنشی است ...
آمریکائی «**بدل**» بکارگردانی «مارتین ریت...
شرکت «وودی آلن» اهدا کرد . «بدل» ...
از تفتیش عقاید دوران «مك‌کارتیسم» را ...
سال‌های ۱۹۵۰ بازگو می‌کند.

جایــزه مخصوص هیئت داوران به فیلم ...
هلندی-اندونزیائی «**ماکس‌هاویلار**» بکارگر...
«فونس رادماکرز» تعلق گرفت و «نیکیتا ...
میخالکوف» کارگردان جــوان روسی ...
کارگردانــی «بــرده عشق» جایــزه بهتر...
کارگردانی را دریافت داشت . سینمای فرانسه ...
با فیلم «بازی مرد تنها» اثر «ژان‌فرانسوا آ...
درجشنواره حضورداشت تنها بخاطر جایزه «آ...











علیاحضرت شهبانوی ایران جوایز هنرمندان را اهدا می‌فرمایند.

از بالا پائین: نیکیتا میخالکوف (کارگردان فیلم «برده عشق») آندره‌آ مارکوویکی (ستاره فیلم «بدل») ... آن‌لینی (بازیگر فیلم ایرنه، ایرنه) ماروین ... (بازیگر فیلم ماکس هاویلار) خسرو هریتاش (کارگردان فیلم ملکوت).

گسی» به عنوان بهترین بازیگر مرد در فیلم ایتالیائی «ایرنه، ایرنه» اثر «پیتر دلمونته» در لیست برندگان قرار گرفت. اگر فقط بیست و سه فیلم بلند در قسمت مسابقه قرار داشتند، سیصد فیلم دیگر، قدیمی و جدید - بلند و کوتاه - عملا نشان‌دهنده تمام جنبه‌های سینمای جهان بودند که طی دو هفته برای حدود چهارصدهزار تماشاگر بنمایش درآمدند و این بدون تردید یکی از جالبترین جنبه‌های جشنواره‌ای است که میخواهد «کان» آسیا باشد. فیلم‌های خارجی مثل «بازگشت پسر گمشده» اثر «یوسف شاهین» کارگردان مصری و «سحرای تاتارها» اثر «والریو زورلینی» کارگردان ایتالیائی (فیلمبرداری شده در ایران از رمان بوزاتی) مورد توجه قرار گرفتند ولی جمعیتی انبوه، که بیشتر آنها زیر سی سال داشتند، برای دیدن فیلم‌های ایرانی هجوم آوردند. حدود هشتاد فیلم ایرانی نمایش داده شد که دو تای آنها در مسابقه بودند. یکی از این فیلمها بنام «ملکوت» بکارگردانی خسرو هریتاش دیپلم افتخار با امتیاز مخصوص از هیئت داوران دریافت داشت.

سینمای ایران که ریشه آن بسال ۱۹۰۰ برمیگردد سالیانه صدوبیست فیلم تجارتی تهیه می‌کند که این رقم دو برابر محصول سالیانه سینمای مصر است. ولی تماشاگران جشنواره تهران به دیدن این فیلمها با داستان همیشگی تجاوز و انتقام علاقه‌ای نداشتند. هجوم آنها برای تماشای سینمای جوان ملی بود که تا کنون از سوی تماشاگر شب جمعه‌ای (شب تعطیل اسلامی) موفقیتی بدست نیاورده است.

میتوان زندگی یک صیاد دریای خزر را از طریق رنجهای پسر دوازده‌ساله‌اش نشان‌داد؟ در «یک اتاق ساده» فیلم هشتادوهشت دقیقه‌ای، سهراب شهید ثالث این کار را با ایجاز در کلام و علاقه، که تماشاگر را مجذوب و هیجان‌زده می‌کند، انجام داده است. همچنین ماجرای دو بچه ولگرد، حومه جنوب تهران، بیش از هر مطالعه روشنفکرانه‌ای درباره این منطقه به‌بیننده آگاهی میدهد. نشانه‌های قدرت و استحکام سینمای جوان ایران متعدد هستند.

انگلستان:

(تایمز THE TIMES)

در تهران همه‌چیز درحال بسط و گسترش است

مینیاتور نقاشی ظریف ایرانی در جریان پیشرفت شتاب‌آمیز این کشور جایش را به‌طرح‌های بزرگتری داده است. در تهران همه‌چیز بزرگتر از جاهای دیگر بنظر می‌آید. از ترافیک مرکز شهر که در برابر آن وضع بانکوک بهشت رانندگان محسوب میشود - گرفته تا طرح یک مرکز فرهنگی جدید در شمال تهران که روی کاغذ بزرگترین مجتمع هنری جهان است.

جشنواره جهانی فیلم تهران هم که امسال پنجمین دوره‌اش را پشتسر گذاشت در حال گسترش است. این رویداد که ابتدا در یک مقیاس کوچک و برای معرفی صنعت سینمای قابل توجه ایران و استعدادهائی که این کشور برای گرداندن این سینما در اختیار دارد - در راس همه داریوش مهرجوئی - آغاز گردید، اکنون به ابعاد بسیار گسترده‌ای رسیده است. طی دو هفته گذشته بیش از سیصد فیلم در برنامه‌های مختلف جشنواره و حدود دویست فیلم در بخش بازار آن به نمایش درآمد. در بازار تهران جنس برای خرید فراوان است اما مشکل اصلی پیدا کردن وقت و مسئله رفت‌وآمد است. سالن‌های نمایش با بیش از ششصد صندلی همیشه پر است و بلیط به بهای ۱۰۰ ریال در اختیار همه قرار دارد.

روز یکشنبه ۱٤ آذر برنامه اعطای جوایز در حضور علیاحضرت فرح پهلوی، شهبانوی ایران در تالار رودکی برگزار گردید و اعضای هیئت داوران بخاطر اعطای **جایزه بزرگ مجسمه زرین بز بالدار به بهترین فیلم** به فیلم «بدل» مارتین ریت مورد تشویق فراوان حضار قرار گرفتند.

«بدل» مورد نظر «وودی آلن» در نقش یک صندوقدار رستوران است که از اسمش برای فروش آثار نویسندگانی که در دوره مک کارتی نامشان در فهرست سیاه بود، استفاده می‌کند و به‌تدریج مشهور، ثروتمند، حریص و سردرگم می‌شود. «وودی آلن» تحت کارگردانی «مارتین ریت» منضبط‌تر از زمانی است که تحت کارگردانی خودش بازی می‌کند و این شاید برای کسانی که علاقمند به دیدن شیرینکاری های او هستند، کمی مأیوس کننده باشد. «ریت» و نیز «والتر برنشتاین» فیلمنامه‌نویس «بدل» از جمله کسانی بودند که نامشان در فهرست سیاه بود و دید او از آن روزها با اغماض قابل توجهی برخوردار است. «مارتین ریت» در این فیلم آرام و ظریف بازی‌های خوبی از «وودی آلن»، «زرو موستل» (که نام او هم در فهرست سیاه بود) و یک ستاره تازه کار به‌نام «آندره‌آ مارکوویکی» که نقش وجدان روشنفکرانه «بدل» را دارد، می‌گیرد. به احتمال زیاد در آینده از خانم «مارکوویکی» که در تهران اظهار داشت (پیش از آنکه با وودی آلن روبرو شود هیچوقت نمی‌توانست شوخی بکند)، بیشتر خواهیم دید و شنید. شکی نیست که او حالا این هنر ویژه را آموخته است.

آمریکا در جشنواره تهران حضور چشمگیری داشت و سه فیلم «راننده تاکسی»، «دیوانه‌ای از قفس پرید» و «تمام مردان رئیس جمهور» را داشت که احتمالا جز و بهترین فیلم‌های سال خواهند بود، در برنامه‌هائی غیر از برنامه مسابقه شرکت داده شده بودند. حتی فیلم‌های انگلیسی جدا از نظر









از بالا بپائین :
- «آلبرتو لاتوادا» درگفتگوی جمعی جشنواره پنجم تهران
- نمائی‌ازفیلم «وای، سرافینا» ساخته «آلبرتولاتوادا»
- صحنه‌ای‌ازفیلم «ریتس» آخرین‌کار «ریچارد لستر»
- «با مرگ‌کشتن» خارج ازمسابقه جشنواره پنجم ودر لیست آثار پرفروش ۱۹۷۶

می‌رسید که به لطف کمپانی های آمریکائی به‌فستیوال راه یافته‌اند. فیلم «ریتس» که در برنامه مسابقه شرکت داشت براساس یك نمایشنامه کمدی که‌قبلا در برادوی بروی صحنه رفته بود، ساخته شده است. من نمایشنامه‌را دیدم و زیاد تحت‌تأثیر قرار نگرفتم و اعضای هیئت داوران هم دلیلی ندیدند که در توزیع جوایز از این فیلم یادی بکنند. و این شاید نشانه آن باشد که «ریچارد لستر» نتوانسته است به یك کمدی تئاتری چیزی بیافزاید. یا شاید ارائه این فیلم در تهران اقدام حساب‌شده‌ای‌نبوده‌است. «بامرگ کشتن» براساس فیلمنامه نیـل سایمون و باگروهی از ستارگان سرشناس، فیلم انگلیسی دیگری بودکه خارج از مسابقه در تهران به نمایش درآمد. خوشبختانه نمایش فیلم «آس‌های پرنده» که در آخـرین لحظات و به علت‌گم شدن فیلم «جسدهای عالی» در گمرك، به‌نمایش گذارده شد- توانست نشان دهد که انگلستان هنوز یك صنعت سینمای مستقل دارد. اکتبر آینده انگلستان‌یك‌برنامه هنری‌ویژه در تهران خواهد داشت و شاید این اقدام‌برگزار کنندگان جشنواره تأثیر نامساعدی راکه سینمای انگلستان طی دو هفته‌گذشته برجای گذارد، از بین ببرد.

به دنبال آمریکا، ایتالیاباسه فیلم درقسمت مسابقه و پنج فیلم دیگر در جشنواره جشنواره‌ها پـرقدرت‌ترین کشور شرکت‌کننده در پنجمین جشنواره جهانی فیلم‌تهران‌بود. آلن کنی آکتور باسابقه جایزه بهترین بازیگر مرد را برای بازی در فیلم «ایرنه، ایرنه» پیتردل‌مونته ربود. من شخصاً فیلم «وای، سرافینا»ی آلبرتو لاتوآدارا دوست داشتم. داستان‌این فیلم‌درباره مرد جوانی است‌که بجای رسیدگی به‌امور کارخانه‌اش‌وقتش را با صحبت‌کردن با پرندگان می‌گذراند - چیزی‌که بیشك موردپسند «ژان ژاك روسو» می‌تواند باشد. او هم‌مانندقهرمان‌فیلم «دیوانه‌ای ازقفس پرید» کارش به‌بیمارستان‌روانی‌می‌کشد- جائی‌که او دختر رؤیاهایش را پیدا می‌کند. فیلم سرزنده و در عین حال محجوبی است و- گذشته از چند صحنه‌گستاخ - روحیه مثبتی‌نسبت به زندگی ارائه می‌کند. ضمناً این فیلم ازوجود آکتریس درخشان «دالیلادی‌لازارو» و «آنجلیکا ایپولیتو» بهره می‌گیرد. «لاتوادا» جایزه‌ای نگرفت اما شاید برنامه رتروسپکتیو فیلم های همکار قدیمی‌اش «فدریکو فلینی» تسلی‌خاطری برای او بوده است. کمی از حساسیت و لطافت کار «لاتوادا» می‌توانست به فیلم جدید «مارکو بلوکیو» به‌نام «مارش پیروزی» که‌در «جشنواره جشنواره‌ها» به‌نمایش درآمد، کیفیت‌بهتری‌بدهد. «فرانکونرو» در این فیلم در ایفای نقش‌ازخود مایه می‌گذارد، اما او دراین مورد دست‌تنهاست. جشنواره تهران برای گرفتن فیلم دامی بسیار وسیع گسترده بود و آنهاکه‌می‌توانستند باترافیك کناربیایند موفق می‌شدند آثاری‌از باستر کیتون و داگلس فربنکس (که
۱۹۱۷ و ۱۹۳۱ فیلم «بلندپروازی» شده بود) ببینند.

ستارگان سینما در همه‌جا دیده
از لورن‌باکال گله داشتند که بیشتر
هتل‌می‌گذراند. بهرجهت گویه‌قرار
سال دیگر به‌اصفهان برده شود و بدین
بین‌رفتن مشکل ترافیك خیلی ازمسائل
خودبخود حل خواهد شد.

ایالات متحده آمریکا :

(اسکرین اینترناشنال
EEN INTERNATIONAL

ترافیك، جشنواره جهانی فیلم از تهران بیرون می‌راند؟

احتمالا ایـن آخـرین سالی است
جشنواره، در تهران برگزار می‌گردد
دیگر این رویداد تماماً به شهرباستانی
برده شود وبدین‌ترتیب‌عنوان آن‌ششمین جشنواره
جهانی فیلم ایران خواهد بود. این‌خبر را
داریوش» در دفتر کارش در خیابان
جمشید بما می‌دهد.

**او می‌گوید: «تهران مانند یك غده‌
رشد کرده و ادامه جشنواره در این شهر
تقریباً غیرممکن شده است. تهران پنج
جمعیت با دو میلیون اتوموبیل دارد. از
دیگر جشنواره یك ساختمان مرکزی برای
فعالیت‌هایش ندارد و ما مجبوریم از ساخت
و تالارهای مختلف برای جشنواره استفاده
در نتیجه مردم مجبورند برای شرکت‌در
پیوسته درحرکت از یك‌جا بجای دیگر
ودرواقع یکی ازبزرگترین‌دردسرهای
که سهم بزرگی از بودجه ما را به تحلیل
فراهم آوردن تسهیلات حمل‌ونقل مهمانان
خود شهر تهران است.»**

اصفهان شهری‌است‌بایك‌میلیون
و ترافیك کمتر. پرواز ازتهران به‌اصفهان
از ۳۵ دقیقه طول نمی کشد و بطوری
می گوید انتقال جشنواره مسئله مهمی
نخواهد آورد.

بگفته‌داریوش: «اصفهان‌ازنظر تسهیلات
بهترین‌شهر ایران است وبرای‌تالارنمایش
بسادگی می‌توان سینماهای موجود را مرتب
بدین ترتیب می‌توان‌فواصل‌بین‌قسمت‌های
جشنواره را براحتی پیاده طی کرد. ضمناً
شاه‌عباس زاویه جدیدی ساخته است که
به‌عنوان دفتر جشنواره‌از آن استفاده کنیم.

...که بودجه‌مان را اضافه کنیم چراکه دیگر هزینه حمل ونقل در داخل شهر را نخواهیم داشت . غذا و مسکن ارزانتر استوروی همرفته این انتقال از همه‌نظر به‌نفع‌همه‌است.فکر نمی‌کنم کسی ناراضی برگردد. »

بعلاوه دبیرکل جشنواره امیدوار است که بتواند سال دیگر تاریخ‌جشنواره‌راجلوتر بیندازد تا هم جشنواره تهران با فستیوال لندن برخورد نداشته باشد و هم از سرمای‌نسبتاً شدیدتر اصفهان اجتناب کنند.

اصولا جشنواره های جهانی محل برخورد و جوش‌آمدن خلق‌وخوهای متفاوت و متضاد هستند و بیشتر اوقات‌به‌صورت‌آشفتگی‌های‌سازمان یافته درمی‌آیند.اینجاابتدا آشفتگی بودوبعد سازمان‌دهی. اتوپرمینجر، دایان کانن و حتی فرانك‌پول سخت از وضع‌اطاق‌شان‌ناراضی‌بودند.

برعکس برگزاری مراسم افتتاح جشنواره در تالار رودکی رویداد آرامتری بود و این مراسم بدون حضور علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران که به علت عارضه کسالت‌نتوانستند در آن شرکت کنند، رنگ و جلای سال‌های‌قبل را نداشت .

انتخاب فیلم «فانوس خیال» که تصویری بود از پنجاه‌سال تاریخ‌فیلمسازی در ایران آشکارا و بطرز قابل تحسینی جنبه تعصب ملی داشت . جشنواره در اوج تب‌وتاب است و برنامه‌ی آن با توجه به‌وضعیت‌تهران که در آن‌همه‌چیزوهمه کس در تسلط حرکت انبوه اتوموبیل‌هاست‌بسیار بزرگ‌خوب گردانده می‌شود. حتی‌اتوپرمینجر هم‌چهره میلیونر بشاشی دارد .

«کوئینتن فالك»
۲۷ نوامبر

یك جشنواره فیلم حقیقتاً جهانی با شرکت کشورهائی از سراسر جهان و با روحیه‌ای شاد

ویژگی‌های یك‌جشنواره‌فیلم‌جهانی‌چیست؟ نمایش یك فیلم از فرانسه با زیرنویس انگلیسی در شهر تهران در سینمائی با نام آتلانتیك‌برای تماشاگرانی بطورعمده‌فارسی‌زبان‌باید کافی‌باشد؟

تهران که ناخوشایندترین عارضه شهرهای بزرگ – یعنی ترافیك اتوموبیل در آن به‌چشم می‌خورد، در طی جشنواره چهره‌ای شادوهیجان زده بخود می‌گیرد . طی روزهای جشنواره یك اکتریس انگلیسی درکناروشانه‌بشانه‌یك مأمور وزارت فرهنگ مغولستان می‌ایستد و قدم‌می‌زند و منتقدین فیلم بلوك شرق با غربی‌های «فاسد» ! متفقاً اذعان‌می‌دارند که «ریتس» علی‌رغم‌جنبه‌های تجارتی‌اش فیلم سرگرم‌کننده‌ای است و من‌سعی می‌کنم از یك تهیه‌کننده پاناماتی یا یك ستاره سری‌لانکائی جملات قصاری در بیاورم.

حدود ۷۴ کشور در جشنواره تهران – شهری‌که دارد عملا زیر دود اگزوز اتوموبیل‌ها خفه می‌شود– شرکت دارند. تهران‌درحال‌حاضر حدود دو میلیون اتوموبیل دارد وبهمین جهت طرح هائی برای استفاده ازگاز برای سوخت اتوموبیل در دست اجراست. و البته در مقابل‌این مشکل نقایص دیگری مثل جوی‌های آب بشکل چندان مهم بنظر نمی‌آید.

گسترش سرطانی شهر تهران و شلوغی‌غیر قابل تحمل آن سبب شده است‌که مسئله انتقال جشنواره به‌اصفهان بطور جدی مورد بررسی‌قرار بگیرد. اما علی‌رغم گفته قاطع هژیر داریوش دبیرکل جشنواره،هنوز تردیدهائی‌در مورداینکه این انتقال انجام خواهدگرفت یانه وجود دارد واین تردیدها ناشی‌ازآنست‌که امرانتقال‌جشنواره تا حالا یك سال‌به‌تعویق انداخته شده است‌و نه موضوع عملی بودن برگزاری‌یك‌جشنواره‌جهانی فیلم در اصفهان.

من به همراه خیلی دیگر از میهمانان از جمله کارگردانان فیلم ریچارد لستر، آرتورهیل، و آکتریس‌ها سالی‌کلرمن و ریتاتاشینگهام ، و اوساماراوی فیلمبردار وهمچنین باری نورمن و باری براون از بی. بی. سی. بسفری‌کوتاه‌به‌اصفهان رفتم . انصافاً باید بگویم‌که نظر عمومی موافق با این انتقال است.

بازدیدکوتاهی از هتل‌ها از جمله هتل شاه‌عباس‌که ظاهراً مرکز جشنواره خواهد بودو فواصل کوتاه بین سینماها ، متقاعدمان می‌کندکه اصفهان با تغییراتی می‌تواند محل بسیار خوبی برای برگزاری جشنواره باشد. ضمناً شهراصفهان با یك میلیون نفر جمعیت و چندین دانشگاه و دانشکده می‌تواند تماشاگران‌کافی‌برای جشنواره عرضه‌کند و این‌بایکی ازهدفهای این جشنواره که می‌خواهد یك جشنواره برای مردم باشد ، جور درمی‌آید.

برمی‌گردیم به‌خود جشنواره که دوتن از میهمان برجسته‌اش غایب هستند: آندره‌وایداکه بخاطر سینه‌پهلو نتوانست‌به‌تهران‌بیاید و فدریکو فلینی که در رم سرگرم انجام آخرین کارهای فیلم «کازانوا» بود. ستارگان میهمان جشنواره ازهمه رنگ وملیت هستند از جمله سالی‌کلرمن، ریتا تشینگهام ، لینو ونتورا ، برانداواکارو ، تونی موسانته ، دایان‌کانن، که فیلم‌کوتاهی‌به‌کارگردانی او در جشنواره‌به‌نمایش گذارده‌شده، و نیز خانم‌هائی با لباس‌های بسیار شرقی.

بهمراه ریتا تشینگهام و اوساماراوی‌ازمن دعوت شد به محل فیلمبرداری یك فیلم بلندجدید ایرانی به نام «گزارش» که نخستین فیلمی‌است درایران که بطور سنکرونیزه‌فیلمبرداری می‌شود، بروم این فیلم را عباس کیارستمی که پیش ازاین تنها فیلم‌های کوتاه ساخته‌است، کارگردانی‌می‌کند و تهیه‌کننده آن بهمن‌فرمان‌آرا رئیس شرکت گسترش صنایع سینمائی ایران است.

فرمان‌آراکه فیلم‌مشهور«شازده احتجاب» راکارگردانی کرده به‌عنوان تهیه‌کننده دو فیلم «شطرنج‌باد»و «ملکوت»دربرنامه‌مسابقه‌جشنواره امسال دارد .

شرکت گسترش صنایع سینمائی ایران‌یکی از چندین شرکتی که درایران در زمینه‌فیلمسازی فعالیت دارند و روی‌هم‌رفته سالانه حدود ۱۰۰ فیلم بیرون می‌دهندکه‌ازبین‌آنهابه‌گفته‌داریوش– که خودش هم به عنوان یك‌کارگردان فیلم – نه‌تمام‌وقت – مورد احترام‌است–بیش از ده‌تایشان آثار سینمای اصیلی نیستند» .

برنامه فیلمبرداری فیلم «گزارش» بیش‌از هشت هفته پیش‌بینی شده‌است. تمام صحنه‌ها در محل‌های واقعی در چند خانه‌وصحنه‌های‌خارجی فیلمبرداری می‌شود . داستان فیلم در زمان‌معاصر اتفاق می‌افتد و از هنرپیشگان آن می‌توان از کوروش افشارپناه در نخستین نقش سینمائی‌اش و شهره آغداشلو به نقش همسر او نام برد.

کار صدابرداری‌زیرنظر یوسف‌شهاب‌رئیس بخش فنی رادیوتلویزیون‌ملی‌ایران‌انجام‌میگیرد و او برای ایجاد شرایط صدابرداری مناسب‌سقف اطاق خواب را با جعبه تخم‌مرغ پوشانده است . بطورکلی ترکیب ابتکار و تجهیزات مدرن بسیار چشمگیر است . .

«شهاب» که در ایالات متحده‌نیز کارکرده است می‌گوید نقص فعالیت های فیلمبرداری‌های ما در زمینه برنامه‌ریزی است و اینطورکه بنظر می‌آید فیلمبرداری‌این فیلم ازمدت برنامه‌ریزی شده طولانی‌تر خواهد بود.

یك نقص مهم عدم وجود یك مرکز فیلمبرداری یا صحنه های فیلمبرداری با تسهیلات کافی برای صدابرداری است. چند وقت پیش طرحی برای ایجاد یك مرکز مهم در نقطه‌ای‌به‌فاصله ۱۰۰ کیلومتری تهران پیشنهاد شدکه تحقق نیافته باقی مانده . طرح‌های دیگری در دست اجراست. بگفته «داریوش»مهمترین مشکل‌فعلی صنعت سینماکم بودن بهای بلیط سینماهاست. تا پیش از ورود تلویزیون رنگی سینماها هنوز می‌توانستند تماشاگران را بسوی خود بکشانندامّا ترکیب حمله تلویزیون رنگی و بهای کم بلیط کار فیلمسازی را به یك مرحله بحرانی کشانده است. و اینها البته‌همه مسائلی‌است‌که ما در کشور خودمان (کشور نویسنده) باآن آشنا هستیم.

کوئینتن فالك
٤ دسامبر

جشنواره‌ای با برنامه‌های متنوع ودرخشان

شکایت‌ها و گله‌ها و از کوره‌به‌دررفتن‌های مربوط به خواب و خوراك‌وحمل و نقل‌به‌کنار- باید قبول کرد که یك جشنواره فیلم در درجه‌اول یك رویداد سینمائی است که در آن بیش ازهمه فیلم مطرح است. این چیزی است که گاهی فراموش می‌شود مخصوصاً وقتی که افسون یا حسرت‌شیك پذیرائی شدن یا ناراحتی‌های آمدورفت برقدرت انسان برای کنترل رفتارش وحفظ نزاکت می‌چربد. شکی نیست که پنجمین جشنواره جهانی فیلم‌تهران جدا از این‌گونه بگومگوها برنامه‌های سینمائی متنوع و خیره کننده‌ای برای میهمانان‌و تماشاگران محلی فراهم‌کرده بود.

اخذ تصمیم مشکل

هیئت داوران جشنواره - که با غیبت «آندره وایدا» به‌علت کسالت به‌ده‌نفر کاهش یافت- به‌ریاست آقای عبدالمجید مجیدی از ایران، سرانجام یك سری تصمیمات مشکل گرفت.

در قسمت فیلم‌های بلند مسابقه - پروازبز بالدار-فیلم **بدل** «مارتین ریت» بخاطر کیفیت مختار فیلم بطورکلی وتوفیقش‌در القاء پیام‌خود که‌آزادی بصورتی قابل درك برای همگان‌است، به عنوان بهترین فیلم انتخاب گردید.

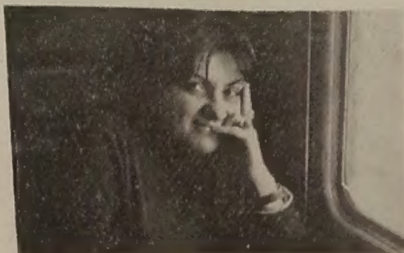
هم‌چنین اعضای هیئت داوران سهم **والتر برنشتاین** نویسنده فیلمنامه‌و **«وودی آلن»** بازیگر فیلم را در موفقیت فیلم ستودند.

جایزه مخصوص‌هیئت داوران، لوحه‌زرین بز بالدار را فیلم ۱۷۰دقیقه‌ای هلندی-اندونزی **«ماکس هاویلار»** بخاطر بازی‌سازی بیمانند، متعادل و دلنشین ماجراهای واقعی‌مردی‌که در یکی از مراحل تنگین‌استعمار‌درجستجوی عدالت بود، ربود.

نیکیتا میخالکوف کارگردان روسی جایزه بهترین کارگردان را بخاطر فیلم «برده عشق» بدست‌آورد. **لیلی مونوری** بازیگر فیلم «نه ماه» از مجارستان جایزه بهترین بازیگر زن را‌ربود و ضمناً **مارتامشاروس** کارگردان همین فیلم موفق به‌دریافت دیپلم افتخار با امتیاز مخصوص گردید. جایزه بهترین بازیگر مرد را **آلن کنی** بخاطر بازی در فیلم ایتالیائی «ایرنه، ایرنه» به‌کارگردانی پیتردلمونته گرفت.

مطابق مقررات جشنواره اعضای هیئت داوران فقط می‌توانستند یازده جایزه مختلف و دیپلم افتخار به فیلم‌های کوتاه و بلند بدهند. اما هیئت داوران با این‌اعتقاد که‌تعداد فیلم‌های‌واجد شرایط دریافت جایزه از شمار محدود پیش‌بینی شده فراتر رفته است‌توصیه کرد که‌تعداددیپلم‌های افتخار افزایش یابد، و بنابراین دیپلم‌های افتخار









ازبالا بپائین:
- علیاحضرت شهبانوی ایران، جایزه بهترین بازیگر زن را به «لی‌لی مونوری» هنرپیشه فیلم «نه ماه» اهدا می‌فرمایند.
- دیپلم افتخار داوران به «مارتا مشاروس» کارگردان فیلم «نه ماه» اهدا گردید.
- نمائی ازفیلم صحرای تاتارها (والریو زورلینی).
- نمائی ازفیلم پول توجیبی (فرانسوا تروفو).

ویژه فیلم‌های بلند به «بهلوس‌آنجل آمدی» به‌کارگردانی آلن رودولف، **محکوم**«وولورادف»، **«ملکوت»** خسرو و **«مشیت الهی»** لوك مونهیم داده شد، بزرگ‌فیلم‌های کوتاه‌را فیلم **«سایه تردید»** اورتل از هلند‌ربود.

*

خارج از برنامه مسابقه، جشنواره‌برنامه جالبی داشت مانندجشنواره‌جشنواره‌ها، که تجلیل از «فلینی»، «هری‌لنگدون، کیتون» (خانم لنگدون و خانم کیتون به مناسبت به تهران آمده بودند)- داگلاس (پدر)، «ایالات‌متحده: نقشی‌از خود... جشن‌های دویستمین سالگرد استقلال آمریکا، افق شرق و یك قسمت مربوط به‌فیلم‌های... عنوان مناسب «سینما چشم و گوش دارد»، مرور بر پنجاه سال تاریخ فیلمسازی در... و بر همه اینها باید برنامه فشرده نمایش... بازار فیلم جشنواره را افزود.

فیلم «صحرای تاتارها» که خیلی... آن صحبت شده بود خارج از مسابقه به... گذارده شد. این محصول مشترك ایران، آلمان و ایتالیا که به‌عنوان نخستین گام ایران در زمینه تولید محصولات مشترك تبلیغ شده بود بهیچوجه مورد استقبال‌تماشاگران قرار نگرفت، پیش از شروع فیلم پیامی از «والریوزورلینی» کارگردان فیلم توسط جشنواره خوانده شد دایر براینکه نسخه‌ای او که نمایش داده می‌شد، مورد تائید او... و البته موضوع نداشتن زیرنویس انگلیسی اشکالات کار افزود (زبان فیلم فرانسه‌بود)، صدای نارضایتی بعد از حدود یك ربع شروع شد و بعد از حدود ۱۳۵ دقیقه که... شد حمله دشمنان مجهول هیچوقت‌صورت... گرفت، به‌اوج رسید. گروه تهیه‌کننده... سازندگان فیلم که پس ازاتمام نمایش به صحنه آمدند باید حقیقتاً مردان - ویك... شجاعی باشند.

در مقابل، عکس‌العمل تماشاگران فیلم «پول توجیبی» کاملا متفاوت بود و... از یك رضامندی همگانی ریشه می‌گرفت... فیلم‌که زندگی روزمره گروهی‌از کودکان شهرکوچك فرانسوی رانشان‌می‌دهد، بی‌شك برنده جشنواره در قسمت‌های‌خارج ازمسابقه... از جمله فیلم‌هائی که جایزه‌ای نگرفتند... و «حماسه بیلی‌جو» را دوست داشتم و... فیلم اخیر بخاطر بازی «گلینیس اوکانر»... فیلمبرداری «مایکل هوگو» قابل توجه... در بازار فیلم جشنواره فیلم «تله مرگ» تاب‌هوپر بسیار مورد توجه قرار گرفته بود. این فیلم «نویل براند» نقش قاتل دیوانه‌ای دارد که قربانیانش‌را برای تغذیه حیوان...

[illegible] موسیقی متصل می‌رساند.

[illegible] در مورد انتخاب فیلم‌ها بحث‌هائی [illegible] که فیلم‌های تجارتی مانند «ریتس» [illegible] و [illegible] که موفقیت تجارتی‌شان از [illegible] رسیده بود مناسب برنامه مسابقه [illegible] بودند.

هژیر داریوش دبیر کل جشنواره بمن گفت «فکر نمی‌کنم درست باشد که فیلم‌ها را به‌دو دسته فیلم هـــای جشنواره‌ای و فیلم های غیر جشنواره‌ای تقسیم‌بندی کنیم. فیلم یا خوب است یا بد و در واقع در تهران گرایشی هست که در قسمت مسابقــه فقط فیلم‌های به‌اصطلاح مشکـــل شرکت داشته باشند. اما وقتی یك فیلم تجارتی خوب ساخته شده و نقش‌های آن خوب ایفا شده باشد، دلیلی نمی‌بینم که چنین فیلمی در مسابقه جشنواره شرکت نداشته باشد. آرزو نمی‌کنم کمیته انتخاب یك نوع سانسور روشنفکرانه اعمال کند.»

متأسفانه جشنواره تهران از یك نوع سانسور خاص رنج می‌برد و آن تحریم بازار ایران توسط پارامونت و یونیورسال است. ودراین‌مورد دبیر کل جشنواره می گوید:

«این اختلاف خارج از حوزه کار من است و تصور نمی‌کنم به‌این‌زودی‌ها هم فیصله یابد». طرف دعوای ایران دراین‌مورد «چارلز بلادهورن» رئیس گلف و وسترن کمپانی «مادر» پارامونت است. بهر حال این اختلاف سبب شده است که‌یك منبع بزرگ محصولات سینمائی بروی جشنواره تهران و همچنین سینماها بسته بماند.

در «تخت‌جمشید» به یك‌واحد فیلمبرداری بـــزرگ برخورد می کنیم که دارد یك سریـــال تلویزیونی عظیم برای کمپانی دیویدفراست، با عنوان «چهارراه‌های تمدن» می‌سازد که بودجـــه ۲٫۵ میلیون دلاری آن توسط دیوید پارادین‌و ایران تامین میشود. موضوع فیلم سرگذشت‌سه هزار سال تمدن در خاورمیانه و فلات ایران‌است. در اینجا (تخت‌جمشید) کمتر نشانی از اتوموبیل هست دوباره به‌فکر ترافیك و هوای آلوده‌تهران می‌افتیم و آرزومی کنیم که‌نقشه‌دبیر کل‌جشنواره برای انتقال جشنواره به‌اصفهان عملی گردد.

به‌عنوان یك گوشزد به ستارگـــان سینما «داریوش» می‌گوید: «برای ما در اینجاهر کس اهمیت خاص خود را دارد.»

بهر حال اگر گسترش افسارگسیخته شهر تهران همچنان ادامه داشته باشد جشنواره تهران در آینده با زحمت زیادی برای کشاندن میهمانان روبرو خواهد شد. بنابراین ششمین جشنواره جهانی فیلم ایران در اصفهان خواهد بود. قبول؟

کوئنتین فالك

۱۱ دسامبر

انگلستان:

(دیلی تلگراف

(THE DAILY TELEGRAPH

قاضی به قضاوت درباره خود می‌نشیند

خبرهای خوش از جشنواره جهانی فیلم تهران ... گویا سال دیگر این‌جشنواره به‌اصفهان منتقل می‌شود و این تغییرمکان چیزی است که‌دو سال پیش در گزارش‌خودمان‌درباره این‌جشنواره پیشنهاد کردیم.

چندتائی از فیلم‌های‌مسابقه‌به‌زحمت‌رسیدن بسینما از میان ترافیك سنگین تهران می‌ارزید ازجمله‌فیلمی‌از «پیتر دل‌مونته» با عنوان «ایرنه، ایرنه» که موضوعی‌نه‌چندان‌باب‌روز - پیرشدن- را با لطافت و حساسیت مطرح می‌سازد. قهرمان اصلی فیلم (آلن‌کنی) قاضی سالمندی است که‌یك روز به‌خانه می‌رود و می‌بیند که همسرش بعد از سی سال، زندگی زناشوئی به‌خلاف تصور شوهر او را ترك کرده است. این واقعه اعتمادبه‌نفسی‌را که او به‌عنوان‌یك‌قاضی بایدداشته‌باشد، متزلزل می‌سازد. او بخاطر ناراحتی قلبی به‌یك‌آسایشگاه می‌رود و این فرصتی می‌شود برای اینکه زندگی خودش را مورد قضاوت قرار دهد و شاهد بهبود یافتن بیماران دیگرباشد. یك‌زن‌جوان باچهره‌ای گیرا (اولیمپیا کارلیزی) که همسر و فرزندش را ترك کـــرده است، مورد توجه قاضی قـــرار می‌گیرد زیراکه او هم ظاهراً در وضعیت‌روحی مشابهی بسر می‌برد. قاضی وقتی آسایشگـــاه را ترك می‌کند و برای دیدن پسرش‌به«رم» می‌رود نسبت به‌پسرش احساس بیگانگی می‌کند. احساسی که همسر پسرش (سیبیلاسدات) نیز نسبت به - شوهرش دارد. قاضی با شنیدن‌خبرمرگ‌همسرش به‌شهر زادگاهش می‌رود و پس از مراسم تشییع جنازه طی تماس‌هائی که با اهالی شهر می‌گیرد، به‌گوشه‌هائی از زندگی گذشته‌وشخصیت‌همسرش پی می‌برد. هیچ واقعه مهمی رخ نمی‌دهدوقاضی به‌هتل برمی‌گردد، در سالن انتظاربه دخترجوانی خیره می‌شود و سپس بلیطی برای‌مسافرت باقطار به‌مکان نامعلومی می‌خردوپس‌ازمدتی‌جسدبیجان او دریکی ازکوپه های قطا رپیدا می‌شود. داستان ساده‌و غم‌انگیزی است، اما حوادث‌گذشته که‌طی گفتگوها آشکارمی گرددبسیار گیراست‌وهمچنین تصاویر فیلم که تابه آخر تماشاگر را مجذوب‌نگه می‌دارد.

فیلم مؤثر دیگر در مقیاس‌وابعادی‌بزرگتر و با سبکی مناسب داستان و ابعاد بزرگ آن، «ماکس هاویلار» بود. این فیلم را «فونس‌رید مارکرز» کارگردان هلندی براساس رمانی‌که در اواسط قرن نوزدهم توسط دووس‌دکر نوشته وظاهراً یك اتوبیوگرافی است ساخته‌است. وقایع فیلم دریکی ازایالات‌فقیرجاومی گذردوفیلمساز در این فیلم سه‌ساعته فراز ونشیب زندگی یك فرماندار هلندی راکه می‌خواهد فساد و ظلم را ریشه‌کن سازد، دنبال می کند.

دو فیلم مذکور حقیقتاً از جمله فیلم‌هائی بودند با ارزش‌های‌هنری‌غیرقابل‌بحث‌وسرنوشت تجارتی نامعلوم‌که می‌باید دریك‌جشنواره‌جهانی فیلم به‌نمایش درآیند همچنین بود فیلم بلژیکی نسبتاً‌کوتاهی به‌نام «مشیت الهی» به‌کارگردانی «لوك مونهایم» ظاهراً هدف فیلم بیان‌این عقیده است‌که زن‌ها حتی چند قرن پیش هم‌می‌توانستند آزادی خودشان را بدست آورند. صحنه حوادث اروپا در زمان‌جنگ‌های‌صلیبی است‌باشوالیه‌هائی که آدم‌های بسیار فاسد ودرنده‌خوئی‌هستندودر سرراهشان به سرزمین مقدس، دهکده‌ها را غارت می‌کنند و مردمانش را به قتل می‌رسانند. چهار زن‌که از یك‌قتل‌عام‌یك‌دهکده به دست‌شوالیه‌های صلیبی جان سالم بدر برده‌اند به‌این‌نتیجه‌می‌رسند که باید زور را با زورجواب‌دهند و ازجمله‌یك کشیش راکه قصد تجاوزبه‌جوانترین‌آنهارادارد، به‌قتل می‌رسانند و مرد دیگری را ابتدا زخمی می‌کنند و بعد پس از آنکه از او استفاده‌کردند خودشان را از شرش خلاص می‌کنند.

«صحرای تاتارها» به‌کارگردانی «والریو زورلینی» یك فیلم دیگر در ابعاد بزرگ بودکه محصول مشترك فرانسه، ایتالیا و ایران بود و قسمتی‌از آن‌درایران‌هم‌فیلمبرداری‌شده‌بودباتوجه به‌خیل هنرپیشگان سرشناس اروپائی که دراین فیلم نقش ایفا می‌کنند، باید‌گفت‌که سازندگان آن نمی‌خواستند فیلم ازنظر تجارتی‌ناموفق‌باشد. «صحرای تاتارها» تصویری از زندگی نظامی‌در یك قلعه دورافتاده که در تسلط یك لشکراروپائی ودرانتظار یك حمله از طرف‌دشمنان نامشخصی‌از شمال است، ارائه می‌دهد وروابط بین‌یك‌دوجین افسر از یك سرهنگ سالخورده «فـــرناندوری» گرفته تا یك ستوان جوان (ژاك‌پرن) رابه‌تفصیل مورد بررسی قرار می‌دهد.

فیلم انگلیسی«ریتس» درقسمت مسابقه باید بنظر تماشاگران ایرانی فیلم عجیبی آمده‌باشد. با آنکه کارگردان فیلم ریچارد لستر است‌وفیلم در استودیوهای انگلیس ساخته شده، هنرپیشگان همه آمریکائی هستند و حوادث آمریکائی‌تراز آن‌بودکه باب‌طبع من‌باشد. این یك نمایش‌کمدی است از ترنس مك‌نالی که در نیویورك باموفقیت در همان نوع محیطی‌که در فیلم می‌بینیم به‌روی صحنه آمد.

از جمله فیلم‌هائی که ظرف چند روزآینده به نمایش درخواهدآمد فیلم «بدل» است که‌شانس زیادی برای بردن یك جایزه دارد.

و البته این فیلم باکارگردانی قابل‌اعتنه «مارتین‌ریت» و موضوع جلب محروم کـــردن هنرمندان ازکار به‌بهانه تمایلات چپی در دوره

مك كارتی می‌تواند شرایط لازم برای ربودن جایزه را داشته باشد.

«پاتریك گیبس»

فرانسه:

(فیگارو LE FIGARO)

تهران: جشنواره‌ای که ترافیك آنرا تهدید میکند

ورسیون مدرن فانوس خیالی کشاعر ایرانی آن را اختراع کرده است، در جشنواره فیلم تهران [illegible]

ولی طی دو هفته، صرفنظر از مسابقه، در پایتخت ایران بازار شگفت‌انگیزی برپا شد که در آن میشد حدود سیصد فیلم را که از گوشه و کنار جهان آمده بودند، تمشا کرد، خرید یا فروخت.

دبیر کل فعلی جشنواره، هژیر داریوش که تحصیلات سینمائی‌اش را در پاریس ادامه داده است می‌گوید هدف جشنواره پلی میان غرب و شرق است، میان سینمای پیشرفته و سینمای در حال پیشرفت. جشنواره تهران با حمایت وزارت فرهنگ و هنر و مجمع بین‌المللی تهیه‌کنندگان فیلم، با بودجه یك میلیون دلاری‌اش (در سال ۱۹۷۶) طی پنج سال بخوبی شناخته شده است بخصوص توجه عامه مردم را بشدت جلب کرده (طی پانزده روز بسیاری از دانشجویان دانشکده‌ها غیبت می‌کنند) و مقابل سینماهای نمایش‌دهنده فیلمهای جشنواره، از صبح تا شب صف می‌بندند.

این‌همه استقبال باعث می‌شود که برگزار-کنندگان جشنواره علاوه‌بر قسمت جشنواره جشنواره‌ها، قسمتی بنام «افق شرق» عرضه کنند که در آن فیلمهائی از کشورهائی چون هنگ کنگ، هندوستان، استرالیا، ژاپن، فیلیپین، اندونزی، کره و غیره به‌نمایش درمی‌آید. همچنین برنامه‌ای از فیلمهای انتخاب شده ایرانی.

سالیانه حدود صد فیلم در تهران ساخته می‌شود. بیشتر این فیلمها دارای صحنه‌های رقص شکم و آواز خوانندگان محبوب روز هستند. مدتی پیش در فیلم وسترنی که مورد استقبال مردم قرار نگرفته بود، در صحنه‌ای که گاری کوپر وارد کافه میشد تکه‌ای از رقص و آواز خواننده معروف «مهوش» گذاشتند این کار باعث شد که فیلم فروش خوبی بکند! ولی بعضی از سینماگران ایرانی سعی می‌کنند از این فرمولها اجتناب کنند. از جمله محمدرضا اصلانی، بهرام بیضائی (در قسمت مسابقه) و پرویز کیمیاوی که منتقدین قبلاً «مغولها»ی او را مورد تحسین قرار داده‌اند،

[illegible]

انتخاب می کنند. همکار ما [illegible]

[illegible]

[illegible]

هیئت داوران جشنواره که «امانوئل ریوا» از فرانسه و «آندره دلووه» از بلژیك هم در میان آنها بودند بدون اسکورت نمی‌توانستند هر روز صبح سر ساعت پیش‌بینی در سالن نمایش حضور یابند. برگزارکنندگان جشنواره هم این موضوع را تصدیق می‌کنند و می‌خواهند جشنواره را در فضای افسانه‌ای شهر اصفهان مستقر کنند. با اینحال در آنجا مشکلاتی در انتظار آنها است این امر در ضمن مردم پایتخت را از چشم‌اندازی که برای سینمای جهان بدون هیچگونه محدودیتی باز میکند محروم خواهد ساخت.

[illegible]

انگلستان:

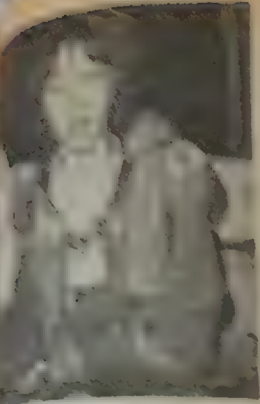
(ایونینگ استاندارد: EVENING STANDARD)

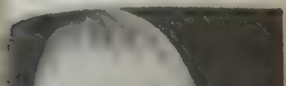
چهره محترم سینمای انگلستان درجشنواره تهران

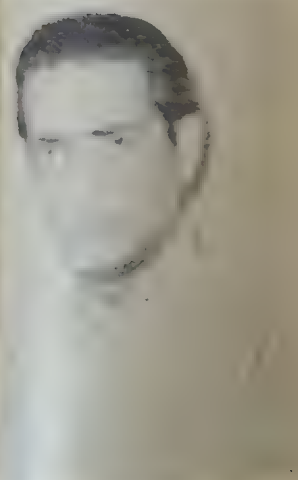
[illegible]

قسمت مسابقه بودند، که با مرگ [illegible] ساخته شد، فیلمنامه‌اش را یك آم[illegible] و هنرپیشگان آن تقریباً آمریکائی بودند. «آلك گینس»، مگی اسمیت و دیوید نیون هنرپیشگان و «رابرت مور» کارگ[illegible]

[illegible]









... مسابقه برای بدست آوردن مجسمه ... ر با هم رقابت داشتند. این مجسمه ... و گوش و سم‌های طلوئی یك اسپرا [illegible] ... نین‌ریت با بازیگری وودی‌آلن،زرو [illegible] ... آن را فیلمی کند و دلیل پیش‌بینی‌یافتم ... شانسگی ربودن این جایزه‌را داشت.

در تهران غیر از نمایش فیلم ، برنامه‌های ... دیگری هم بود. این جشنواره که هزینه آن [illegible] ... زیادی از چهار گوشه جهان در تهران ... آورده بود-از جمله لورن [illegible]

برای من لحظات جالب‌فستیوال عبارت‌بود ... با «نیکیتا میخالکف» کارگردان ... [illegible] ... از ایتالیا : داستان فیلم درباره مردی که بجای ... [illegible] همکارانش ترجیح می‌دهد با پرندگان صحبت کند. او به یك بیمارستان روانی فرستاده می‌شود ودر آنجا با «سرافینا»دختر آرزوهایش برخورد می‌کند. این فیلم نکات بسیار مهمی را ... لزوم حفظ محیط زیست در قالب یك‌اثر کمدی با چند صحنه عشقی نسبتاً گستاخ ارائه می‌کند . فیلم را «آلبرتو لاتوادا» که «فدریکو فلینی» راکشف‌کرد، کارگردانی‌کرده و بازی های دو هنرپیشه آن «رناتوپوزتو» در نقش مردی‌که به‌پرنده‌ها علاقه دارد و «دالیلادی لازارو» کشف «اندی‌وارهول» در نقش «سرافینا» بسیارجالب است. ظاهراً خود «آلبرتو لاتوادا» از بازی هنرپیشه زن دیگر فیلم «آنجلیکا ایپولیتو»بسیار راضی بود.

مسائل فیلم و سینما به‌کنار ، انگلیسی‌ها ظاهراً در زمینه صنعت و بازرگانی فعالیت‌های قابل‌توجهی در ایران دارند . صادرات مابه‌این کشور دوبرابر شده و به حدود ۵۰۰ میلیون‌لیره رسیده است وکمپانی های‌انگلیسی حتی‌ازروحیه مساعدی‌که میتوان از طریق فعالیت‌های هنری آفرید، بهره می‌گیرند و از جمله ارکستر‌مجلسی انگلیس اخیراً بهمت‌کمپانی‌های انگلیسی چند برنامه درایران اجراکردند.

«سیدنی ادواردز»

دنباله دارد . . .

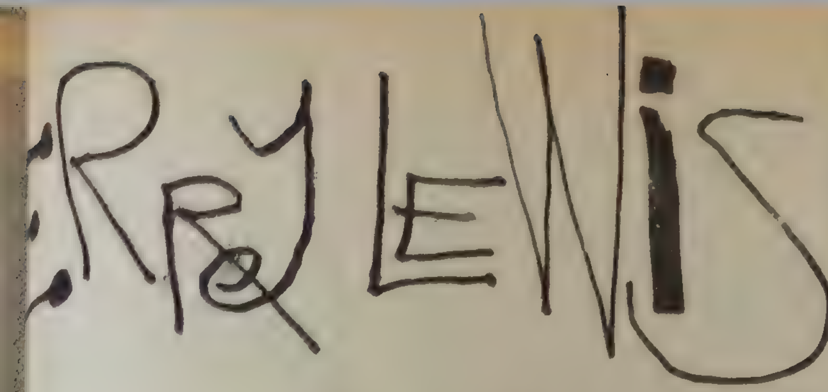








تصویر بالا : «بدل» اثر «مارتین ریت» برنده جایزه بزرگ جشنواره پنجم .
ردیف ۲ - سمت راست : برده عشق (برنده جایزه بهترین‌کارگردان) سمت چپ : «آس‌های پرنده» که بجای «جسدهای عالی» دربخش«جشنواره جشنواره‌ها» به نمایش درآمد.
ردیف ۳ - (باغ سنگی) اثر «پرویز کیمیاوی» .
ردیف ٤ - «ماکس هاویلار» برنده جایزه ویژه ... داوران .



جری لوئیس: هنوز هم حسرت سینمای خودم را میخورم...

* نمی‌خواهم بگویم که همه کارهایم بد بودند، فقط این احساس که درگذشته چقدر جوان وچقدر احمق بودم.

* در امریکا در فیلمها کسی بدنبال پیام نیست.

* «پیراته» فقط در یك سرانگشت بیش‌از تمام وجود بوروبل و ژاك تاتی استعداد دارد.

* نخستین پروژه بزرگی که در سینما در دست خواهم گرف درباره بهترین فیلمهای «جری‌لوئیس».





□ از فیلمهای کوتاهی که در طول سالهای ۱۹٦٦ و ۱۹٦۷ برای «کارگاه قسمت فیلم هالیوود» ساختید اطلاعی در دست نیست.

جری لوئیس ــ تصمیم گرفته بودم مثل آغاز تاریخ سینما فیلمهای کمدی دو حلقه‌ای بسازم هر فیلم بیست دقیقه طول میکشد بهمین جهت همه‌چیز سریع بیان میشد. ساختن این فیلمها برای من کار سرگرم‌کننده‌ای بود. تمام آنهارا به شبکه‌های تلویزیونی آمریکا و چند سینما فروختیم.

□ شما همچنین یك فیلم طویل برای سریال «دکتر بن‌کیسی» بنام «کمی تفریح‌برای زدودن غم» ساخته‌اید که از آنهم اطلاع‌نداریم.

جری لوئیس ــ این فیلم را ندیده‌اید؟ یك فیلم دیگر هم بنام «آنها در رویا میدوند» برای کمك به کودکان عقب‌مانده ساختم. اما برای سریال «دکتربن‌کیسی» از من خواستند که یك فیلم دراماتیك بسازم. بازیگری که باید نقش دکتر دیوانه را دراین فیلم بازی میکرد، دوروز پیش ازشروع فیلمبرداری دچار یك سانحه تصادم اتومبیل شد. بهمین جهت نقش اورا خودم بازی کردم. این دکتر دائماً درحال شوخی کردن بود. حتی موقع عمل! این شوخیها در واقع نقابی است که وی بچهره میزند تا ترسش را از مرگ بیماران مخفی دارد. فیلم فوق‌العاده اندوهبار بود وخیلی خوب مورد استقبال واقع شد. چیزی که مرا متعجب کرد.

□ چرا «روزیکه دلقك گریه کرد» که درسال ۱۹۷٤ در پاریس ساختید هرگز نمایش داده نشد؟

جری لوئیس ــ دوست ندارم ازاین فیلم صحبت کنم، چون بیاد محاکمه ووکلای مدافع میافتم! این فیلم محصول مشترك فرانسه وسوند بود. با تهیه‌کننده فرانسوی اختلاف پیدا کردم وکار به دادگاه کشید. دادگاه صادرشود. آنوقت میتو کنیم. من نمیخواهم نام کسی ولی در فرانسه همه این نمیدانم این شخص چطور ادامه میدهد. اگر شما به بصورت کسی بکوبید شمارا دستگیر خواهند کرد میشود موجب آزار دیگران شد مانع این کار گردد.

□ چرا فیلم را در فرا

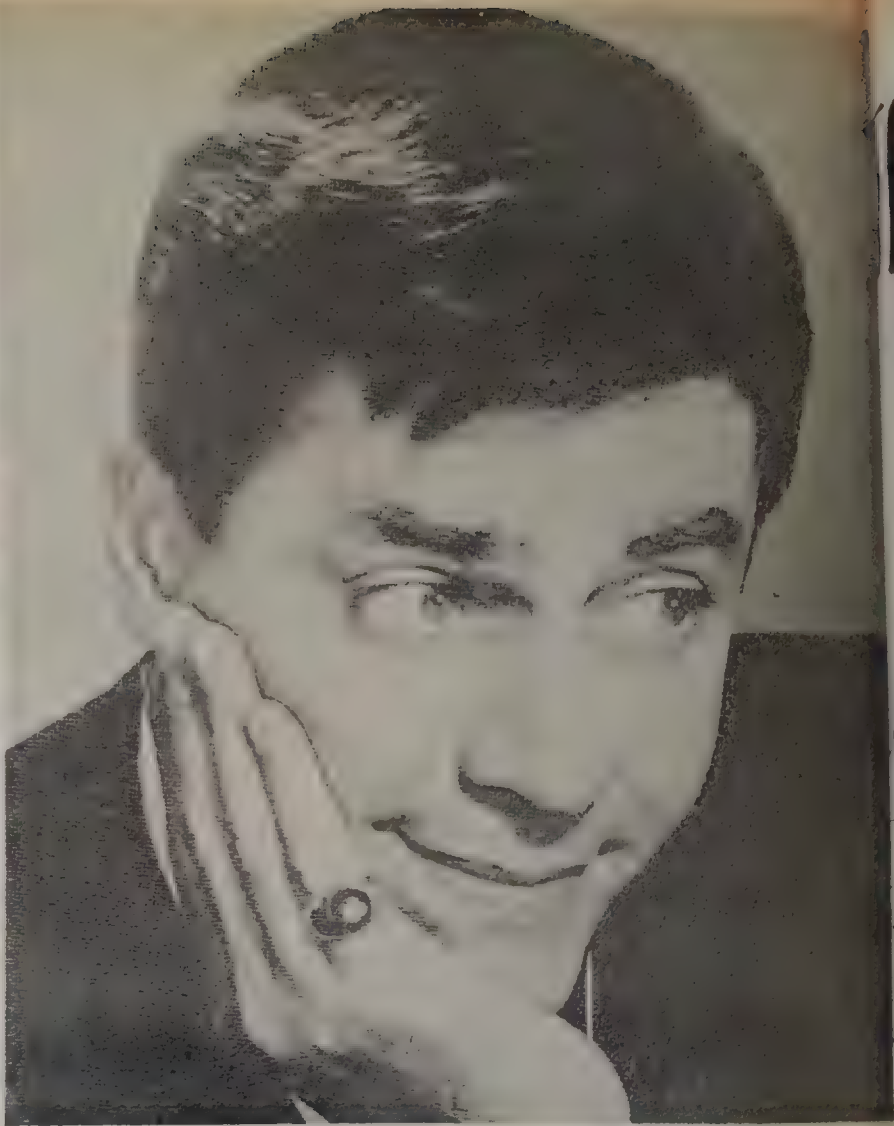
جری لوئیس ــ برای ایجاب میکرد و اصلاً به شده بود.

□ نمیتوانستید درآمریکا بسازید

جری لوئیس ــ هیچ چیز ولی یك کارگردان خوب ترجیح محل واقعی فیلمبرداری کند، اگر







ازبرج ایفل فیلمبرداری کنم ، چرا درهالیوود آنرا دوباره بسازم . درحالیکه میتوانم به‌پاریس بروم. بهمین جهت بود که «روزیکه دلقك گریه کرد» را در فرانسه ساختم .

☐ **این فیلم هم داستانی غم‌انگیزدارد ؟**

جری لوئیس ـ بله داستانی فوق‌العاده غم‌انگیز . ساختنش هم مشکل بود ، بعد ازپایان فیلمبرداری ، یکسال روی مونتاژآن کار کردم . دراین فیلم نقش یك دلقك هفتادوپنج ساله را دارم . درآغاز دلقك در اوج شهرت است ودریك سیرك فرانسه کار میکند . بعد جنگ میشود ، دلقك سنش بالا میرود ودیگر کسی اورا نمیخواهد . صحنه‌های کمدی فیلم فقط در شش دقیقه اول است بقیه داستان دریك بازداشتگاه اسیران نازی میگذرد .

☐ **این نوع کار برای شما کاملاً تازگی دارد ؟**

جری لوئیس ـ بله ولی فقط برای همین فیلم . چون من خیال ندارم فیلمهای غم‌انگیز بسازم . سه فیلم بعدی‌ام کمدی هستند .

☐ **خودتان آنهارا کارگردانی خواهید کرد؟**

جری لوئیس ـ بله ، نخستین آنها یك پروژه بزرگ است . میخواهم فیلمی درباره بهترین فیلمهای «جری لوئیس» بسازم . سی سی‌سال فعالیت جری لوئیس در یك ساعت‌وسی دقیقه ـ مجموعه‌ای ازشوخیهای بصری . دراین فیلم «جری لوئیس» شرح میدهد که این شوخیها چطور بوجود آمده‌اند و نکات دقیق فنی را یادآور میگردد .

☐ **وقتی به کارهای گذشته‌تان رجوع میکنید چه احساسی دارید ؟**

جری لوئیس ـ به کارهای ضعیف و بی‌ارزشی که کرده‌ام فکر میکنم و اندوهگین میشوم . دلم میخواهد همه کارها را [illegible] دهم . حتی کارهائی که بنظرم موفق بوده هستند .

☐ **پس این فیلم شکل «این [illegible] است» را نخواهد داشت . چون [illegible] خوشبین نیستید ؟**

جری لوئیس ـ نمیخواهم بگویم [illegible] همه کارهایم [illegible] بودند . [illegible] دارم که چقدر جوان و چقدر احمق بوده [illegible] وقتی بیست‌وپنج سال دارد حس میکند [illegible] ست ولی در پنجاه سالگی میفهمد که [illegible] حمق بوده است . [illegible] خلاقه است که به آنهم برای بهتر شدن [illegible] میکند . [illegible] حساس [illegible]

☐ **این فیلم در واقع [illegible] خودتان ؟**

[illegible]

□ [illegible]

جری لوئیس ـ [illegible]

□ [illegible]

جری لوئیس ـ [illegible] فقط همین.

□ جنگ و [illegible] هم بود.

جری لوئیس ـ بهمین جهت [illegible] جنگ [illegible] این فیلم را [illegible].

□ بیاد فیلم در آمریکا درك شد؟

جری لوئیس ـ [illegible]

□ آنها «کلاه سبزها» را ترجیح دادند؟

جری لوئیس ـ بله. آنها این فیلم را درك کردند. ولی فیلم من فقط یك کمدی جری لوئیس بود. فقط همین. حقیقت اینست که در آمریکا کسی بدنبال پیام نیست. یك کمدین مثل «جری لوئیس» فقط باید بخنداند. فقط همین. بهمین جهت من سخت غمگین بودم تا فیلم در اروپا بنمایش درآمد ومردم فهمیدند من چه میخواستم بگویم.

□ ولی بهرحال این‌فیلم‌را برای تماشاگر آمریکائی ساخته بودید؟

جری لوئیس ـ من فیلم‌را برای‌همه مردم

[illegible]

□ خنده‌دار بودن ذاتی است یا تجربی؟

جری لوئیس ـ [illegible] میکند. عضی‌ها [illegible] می [illegible]. عضی‌ها هم [illegible] [illegible] بهرحال اگر عشق [illegible] و عشق [illegible] نباشد. چه ذاتی وچه تجربی کمدین خوبی نخواهید بود.

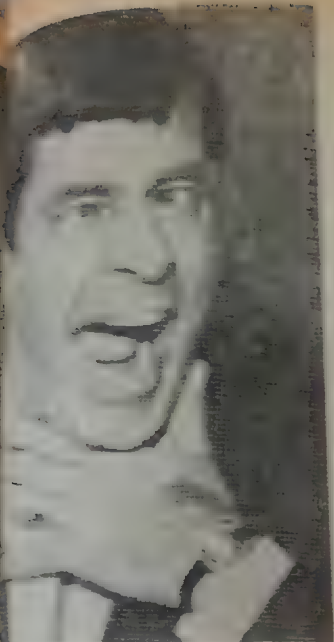
□ مثل اینکه آمریکائیها را زیاد دوست ندارید؟

جری لوئیس ـ [illegible] [illegible] من [illegible] [illegible] که روی [illegible] زندگی کنم. ولی [illegible] [illegible] کنید. فرانسویها چیز دیگری هستند.

□ عده‌ای هم عقیده‌دارند فرانسویها بدترین تماشاگران هستند.

جری لوئیس ـ نمیدانم چرا این حرف را میزنند. من هرگز چنین چیزی ندیده‌ام. فرانسویها آنجائی که‌من هستند [illegible] موفق هستند یا مخالف. حد وسط ندارند. [illegible] چیزی [illegible] اصطلاح Comme-ça و Comme-ci آنها هست ولی خودشان اینطور نیستند. [illegible] مهربانند یا خیلی خشن. منهم همینطور هستم. یا خیلی خوبم یا غیر قابل تحمل. بهرحال هیچوقت [illegible] نیستم!

□ اگر قرار بود بین «سینما» و «موزیك ـ هال» یکی را انتخاب کنید چه میکردید؟







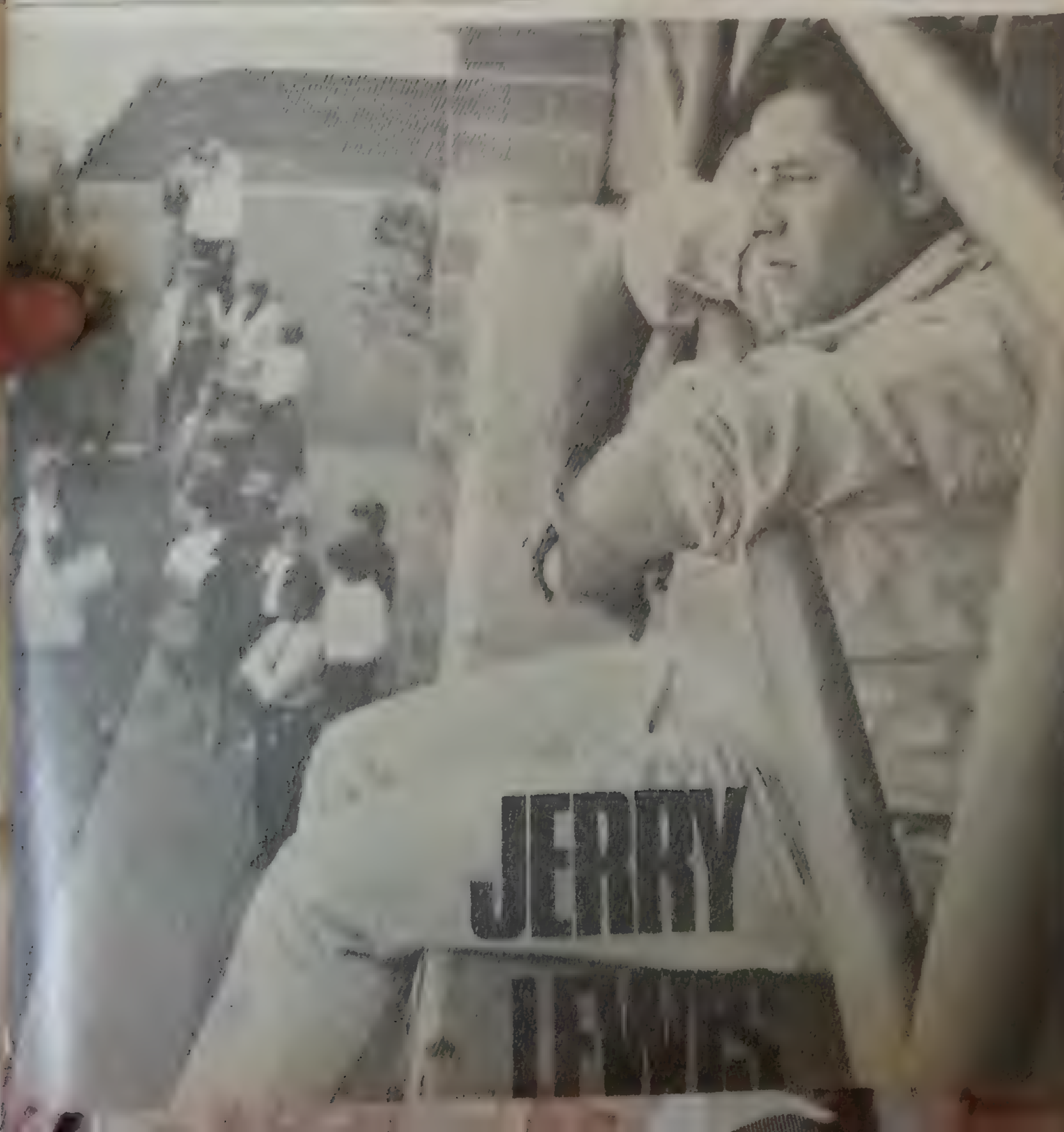




فیلموگرافی «جری لوئیس»

[illegible]





[illegible]

۱۹۶۰ خونه شاگرد (کارگردان: جری لوئیس)
۱۹۶۰ ای پول است (کارگردان: فرانک [illegible])
پروفسور دحنس (کارگردان: جری لوئیس)
[illegible]
۱۹۶۳ کی مواظب فروشگاه است (کارگردان: [illegible])
۱۹۶۴ بچه‌ها (کارگردان: جری لوئیس)
بزغاله مغلظه (کارگردان: فرانک تاشلین)
۱۹۶۵ جواهرات خانوادگی (کارگردان: جری لوئیس)
دوره چهارم - شخصیت «جری لوئیس» به مرحله بلوغ روحی میرسد
[illegible]
ساطر روی نیمکت (کارگردان: جری لوئیس)
[illegible]
[illegible]
[illegible]
۱۹۶۸ قام و قلاب (کارگردان: جورج مارشال)
[illegible]

[illegible]

وبر و ... هم هستند و فقط خودشان از [illegible] «راهنمای تور» که داستان یك خارو... است که بیست‌وپنج توریست آمریکائی را به پاریس می‌آورد وزندگی آنهارا بهم [illegible] ی سناریو وجود دارد، این بهترین سناریوئی است که نوشته‌ام و میخواستم فیلمبرداری را [illegible] آمریکارا فراگرفت و بهمین جهت دست از کار کشیدم. هنوزهم حسرت سینمای خودم را میخورم. با اینحال ترجیح میدهم این سینما از بین برود تا به جاهائی راه یابد که دیگر سینما نیست بلکه توآلت عمومی است. الآن باندازه کافی چه روی صحنه و چه در تلویزیون کار دارم. امیدوارم در طول یکسال آینده وضع تغییر پیدا کند درغیراینصورت برای همیشه سینمارا کنار خواهم گذارد. وقتی فیلم میسازم میخواهم بدانم کجا نمایش داده میشود. درچه تاریخی ودرکدام سالن و یا اینکه آیا صندلیها تمیز هستند وروی پرده جز فیلم من چیزدیگری نمایش داده میشود؟

□ افراد ... شما پیشنهاد میشود؟

جری لوئیس ــ [illegible]

همه‌کار میشود کرد. من در جواب این آدمها میگویم: «بعوض کشتن بچه‌ها ترجیح میدهم بروم در لاس‌وگاس آواز بخوانم و همین‌پول را درآورم فقط وقتم بیشتر گرفته میشود» من همیشه همینطور بوده‌ام حتی در جوانی. در نوزده سالگی شدیداً احتیاج بکار داشتم. باید پانزده دلار بدست می‌آوردم تا خرج زنم را بدهم. یکسال بود ازدواج کرده بودیم. از من خواستند که با یك رقاصه استریپ‌تیز روی صحنه بروم و هنگامیکه او لباسهایش را در می‌آورد من حرفهای خنده‌دار بزنم. این پیشنهاد را ردکردم. بخانه رفتم و با همسرم نان و شیر خوردیم.

□ برای صداقت ارزشی نمیتوان تعیین کرد.

جری لوئیس ــ مسئولیت بزرگی است بخصوص وقتی انسان تنها نباشد. گاهی صداقت سد راه آدم میشود، ولی وقتی صاحب صداقت بودید دیگر هیچ کاری نمیتوانید بکنید ومحکوم به حفظ آن هستید. اگر هم صداقت ندارید نمیتوانید هیچ‌کجا آن را بخرید. صداقت در واقع با احترام بخود بوجود می‌آید. بعداز چهل‌وپنج‌سال کارنمایش هنوز میتوانم به ساعتم نگاه کنم و بخودم بگویم:

«هنوز دوساعت دیگر مانده تا روی صحنه بروم !» واین باعث خوشوقتی است.

□ نقل از: اکران ۷۷

مرتضی ممیز ، متولد سال ۱۳۱۵ درتهران است. آدمی‌ست تهرانی، با فرهنگ تهرانی. تحصیلات ابتدائی، متوسطه ودانشگاهی‌را هم درتهران گذرانده . فارغ‌التحصیل دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران است و سه‌سال در پاریس، مطالعه‌ی آکادمیك داشته است. البته پس از فارغ‌التحصیلی ازدانشگاه تهران.

اولین فعالیت حرفه‌یی‌اش، به‌کلاس اول دبیرستان می‌رسد، باخطاطی. از سال ۲۵۱۰، کارهایش منتشر شد. در سال های تحصیل در ٤ و ٥ متوسطه، در روزنامه‌ها کاریکاتور می‌کشید. از اوایل دانشکده، به‌صورت یك گرافیست کارکرد.

دوران مهمی از فعالیت‌های اولین او ، به‌کار با «کتاب هفته» باز می‌گردد کـه با میزانپاژ آشنا شد و به‌گرافیك واقعی پرداخت.

کارنقاشی آکادمیك رادردانشکده آموخت. امابعد درپاریس بودکه‌دریافت‌گرافیست‌است. اولین‌ایرانی‌یی بود که‌آثارش در مجلات اختصاصی گرافیك معرفی شد.

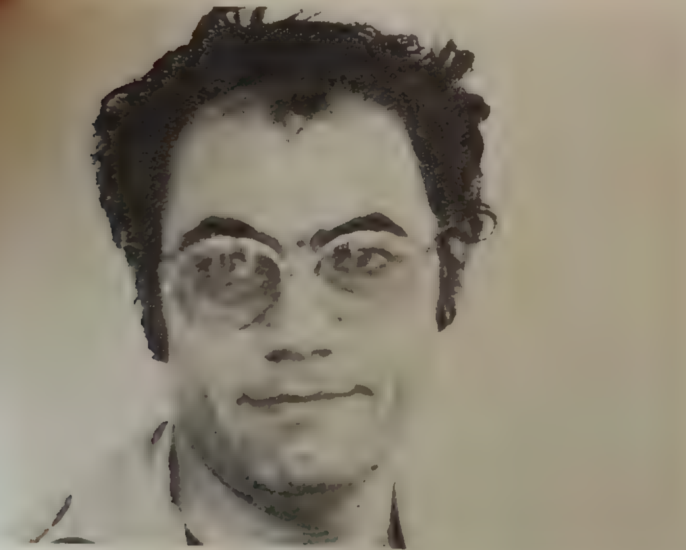
سه فیلم نقاشی متحرك ساخته است . چند جایزه ازجشنواره‌هاونمایشگاهها‌گرفته وبرای‌بیش‌از۲۰نمایش، طرح‌لباس و صحنه داده است.

در زمینه‌ی عنوان‌بندی فیلم فعالیت بسیارداشته وبرای‌دو فیلم «ستارخان»و«طبیعت‌بیجان»، صحنه‌پردازی کرده است.

بیش از ۳۰ پوستر فیـلم‌کارکرده و حدود ۱۰۰۰ کتاب را تصویرسازی کرده‌است.

در زمینه‌های دیگر گرافیك ، کارهایش غیرقابل شمارش است.

۳۳ سال سابقه‌ی کار حرفه‌یی دارد.



گفتگوئی با :
مرتضی ممیز

گرافیست ، فیلمساز ، طراح لباس وصحنه ، صحنه‌پرداز فیلم و . . .

● از تولد به‌کنار، جدم رضا عباسی معروف‌است به‌خاطر مرعوب‌کردن نمی‌گویم، قصدم فقط اینست‌کـه بگویم تاآنجاکه میدانم ، از خانواده‌یی آمدم که همـه هنرمند بوده‌اند و به نوعی من وارث یك سابقه‌ی طولانی هنری هستم.

پسر همین رضا عباسی، سلطان محمد بوده. و بعداز اینها، یکی‌دو نفردیگر هستندکه‌بخصوص‌درطراحی‌کاشی‌کار کرده‌اند اماکسی‌که در خانواده‌ی‌ما معروف بوده، نقاش‌یا تصویرگر مجله‌ی معروف «شرف» و همکار «میـــرزا ابوتراب‌خان‌نقاش» برادرکمال‌الملك. عموی پدرم «موسی» است‌که خودش مدتها در مجله‌ی شرف کارمی‌کرد همان مجله‌ای‌که خطاطش میرزا رضای کلهر، خطاط‌مشهوربوده که حتماً می‌شناسید .

در همین خانواده بعد از اینها تنها کسی‌که این‌کار رادنبال کرد، من بودم .

غرضم از همه‌ی این توضیحات این بودکه مساله‌ی نقاشی، مساله‌ی رسمی و فامیلی خانواده‌ی ما بوده . پدرم خودش، دایی‌ها وعموها همه اهل نقاشی بودند. نمی‌گویم نقاش بودند ، اما همه اهل نقاشی و به‌اصطلاح دستی درکار داشتند

در چنین فضای خانوادگی ، طبعاً، همه‌ی هوش وحواس من به‌نقاشی بود. از قد[illegible] می‌کردم .

اولین‌بار، یادم می‌آید، در حوالی [illegible] یك‌نیمرخ رامرتب‌می‌کشیدم. بعد دبستان‌و [illegible] که‌فقط به‌یك‌تصادف وارد دانشکده‌ی هنرهای [illegible] تهران شدم. می‌گویم تصادفی، چون [illegible] بخوانم

در دبستان و دبیرستان چون [illegible] بود، توجه همه را جلب می‌کردم. در [illegible] کلی سرشناس بودم، که ازراه رو[illegible] شرکت در مسابقات نقاشی بود. البته [illegible] مسابقه‌یی هم برنده نشدم. برخلاف [illegible] کسانی‌که در رشته‌های هنری جوای[illegible] جوایز دست دوم و سوم گرفته‌ام [illegible] مسابقه‌یی برنده نشده‌ام. راستش همی[illegible]







[illegible] چیست؟ با چشم‌بازهایی و چگونه [illegible] چراکسی اول و دوم می‌شود و چگونه [illegible] گفته است که این مسابقه [illegible] بهشرکت‌کننده‌ها، و این واقعیت [illegible]

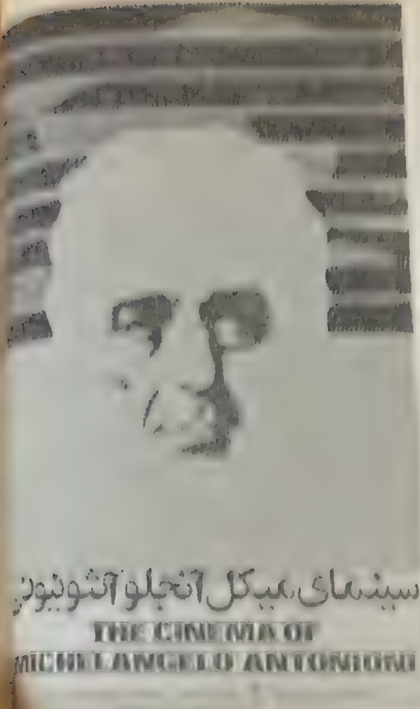
● [illegible] همیشه کوشیده‌ام که مسائلی گرافیک [illegible] کنم، بشناسانم، یعنی کمک کنم که [illegible] این اواخر هم که گروه نقاشی درست کردیم [illegible] همیشه به کار گروهی معتقد بوده‌ام. کمتر کار انفرادی [illegible]

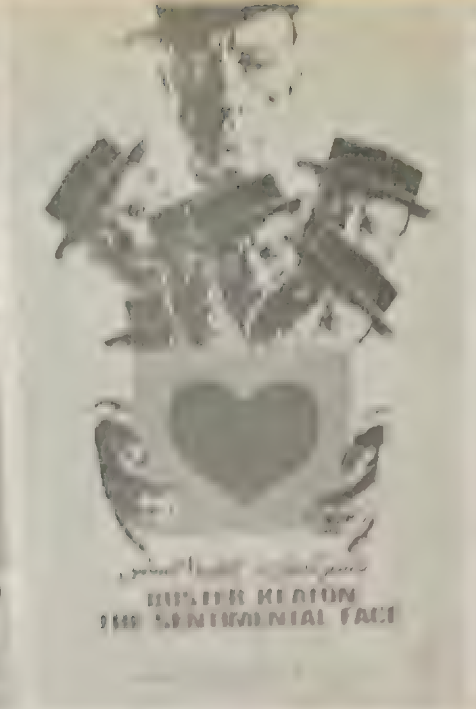
همین اواخر سفری داشتم به نیویورک و به جای [illegible] و معرفی کارهای خودم، اکثر کارهای نمایشگاه گرافیک ایران را بردم و به یک انجمن حرفه‌ای معرفی کردم [illegible] می‌توانستم فقط کارهای خودم را ببرم حتی مطلب هم که [illegible] رشته‌ی گرافیک را به دانشگاه تهران پیشنهاد کردم [illegible] به همین دلیل کم حرف می‌زنم. از من کم‌خبری در مطبوعات می‌خوانید، جز این اواخر که شما دوستان مطبوعاتی بیشتر به سراغم آمده‌اید.

● نمایشگاه گرافیست‌ها، که مدتی قبل برگزار شد؟ به پیشنهاد من، صرفاً به‌خاطر ادای ستایشی بود به همکاران و پیش‌کسوت‌ها، به‌خاطر معرفی آنها.. تمام اینها را گفتم که به شکل فکری حرفه‌ای من پی‌ببرید [illegible] به کار همکارانم تعصب دارم. حتی مجموعه‌یی از کار همکارانم دارم: از پوسترهای ایرانی، در کنار مجموعه‌هایی از مکاتب مختلف دنیا، از لهستان، کوبا، امریکا، آلمان و ژاپن و [illegible]

[illegible] یک هنر «جمعی» است. هر کسی در زمینه‌یی تخصص دارد و باید در همان زمینه کار کند. برای من ساده است که همه‌ی کارها را خودم انجام بدهم؛ و تقریباً در کلیه‌ی کارهای مربوط به گرافیک هم کار کرده‌ام، اما کار باید [illegible] کاردان باشد. طبیعی‌ست که از نقطه‌نظر اجرا، مثلاً [illegible] «آبدین آغداشلو» نمی‌توانم کار کنم، او تخصص [illegible] در [illegible] یا در زمینه‌یی دیگر مثلاً «فرشید مثقالی» [illegible] یا «مرتضی ممیز» یا «کانوزیان» در بعضی زمینه‌ها [illegible] به‌خاطر اینها و همه‌ی کسان [illegible] بهتر از «فرهنگ» [illegible] همیشه دوست ندارم یک تنه همه‌ی [illegible] کنم. و متأسفانه خیلی از اوقات به‌خاطر دسترسی نداشتن به همکارانم خودم یک‌تنه کارها را انجام داده‌ام.

● همه‌کار کرده‌ام، از پوسترساختن و طراحی لباس و صحنه و دکور در تئاتر و سینما گرفته تا [illegible]


سینمای میکل آنجلو آنتونیونی
THE CINEMA OF
MICHELANGELO ANTONIONI


BUSTER KEATON
THE SENTIMENTAL FACE

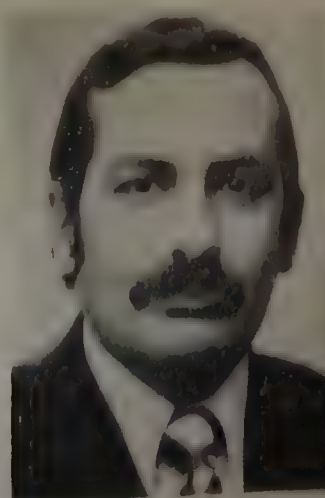

فانوس خیال ما
OUR MAGIC LANTERN


سینما چشم و گوش دارد
CINEMA HAS EYES AND EARS


فیلمسازان آینده ایران
IRAN'S FUTURE FILM-MAKERS


بازار فیلم
FILM BAZAAR

سئوال وجوابی کوتاه با: هژبر دار یوش، دبیر کل جشنواره فیلم تهران در باره مشکلات اجرائی جشنواره پنجم



سینما ۵ : [illegible] مطبوعاتی [illegible] بود که امسال [illegible] جشنواره [illegible]

ه - د : [illegible] مصاحبه مطبوعاتی [illegible] است .

سینما ۵ : [illegible] از مطبوعات [illegible]

ه - د : برای آنکه آگاهی ازاین اتفاق هیچ [illegible] خوانندگان مطبوعات نداشت.

سینما ۵ : [illegible] سابقه ضعیف بوده ، اما وقتی درپایان [illegible] را بیشتر ندیده‌اند نمی‌توانند [illegible] عقیده شما چیست ؟

ه - د : عقیده من اینست که این سئوال را [illegible] برنامه‌های رادیو ایران کرد .

سینما ۵ : یکی دیگر ازهمکاران مطبوعاتی نوشته بود که مسئولان‌جشنواره بدروغ خودرا [illegible] سینما میخوانند. دفاعی‌ازخودمیکنید؟

ه - د : نمی‌توانم ازطرف همهٔ مسئولان [illegible] . اما درمورد خودم ، بجای دفاع [illegible] میگویم که به موسیقی وشطرنج و [illegible] علاقه دارم .

سینما ۵ : بنظر میآید که مطبوعات ایران با [illegible] خوبی ندارند، چون غالب انتقادات [illegible] متوجه شخص شماست تا جشنواره .

ه - د : مسلماً این نقص مطبوعات ایران جنبه خصوصی ندارد ، و مستقیماً ازکمبودهای فرهنگی وحرفه‌ئی [illegible] ناشی میشود .

سینما ۵ : اما ما فکر می‌کنیم که تمام سوء تفاهمها ناشی ازبدی روابط عمومی شخصی شماست. [illegible] درواقع ، حسن‌نیت شماست که ایجاد سوءتفاهم می‌کند! فکر نمیکنید وقت آن رسیده که درروابط عمومی شخصی خودتان تجدیدنظر کنید ؟

ه - د : زندگی شخصی من بی‌اهمیت‌تر، کوچکتر، وبسته‌تر ازآن است که برایش «روابط عمومی» برپاکنم. بعلاوه، هریك ازما دنیای درونی و خصوصی خودمان را داریم و فقط [illegible] که قسمت عمده اشتغالات ذهنی‌مان را تشکیل میدهد.

سینما ۵ : ولی وقتی [illegible] یك کاری [illegible] عمومی وحتی [illegible] را می‌پذیرد، این توضیح قانع‌کننده بنظر نمیرسد.

ه - د : وقتی کسی به کاری ، هرکاری ، [illegible] میشود و آنرا می‌پذیرد حالت سربازی را داردکه به سنگری میرود . به دستور فرمانده به سنگر میرود ، وبدستور فرمانده ازسنگر بیرون می‌آید.

سینما ۵ : یکی دیگرازهمکاران مطبوعاتی نوشته [illegible] «مارتین ریت» به جایزه اول جشنواره تهران اعتنائی داشته باشد ، این جایزه باید درپوسترهای فیلم «بدل» قید شود.

ه - د : «مارتین ریت» چه اعتنائی داشته [illegible] نداشته باشد ، این‌کار ازطرف فیاپف ممنوع شده است وشما این‌نوع‌تبلیغ‌را درپوسترهای بین‌المللی هیچ فیلمی درسالهای اخیر(چه از تهران جایزه گرفته باشد یا ازکامچاتکا ویا آلاسکا) نمی‌بینید.

سینما ۵ : بنظرشمامشکلات‌اجرائی‌جشنواره کدام است وچطور میشود راه حلی برای آنها پیداکرد ؟

ه - د : مشکلات جشنواره متعدد وپیچیده است وراه‌حل‌هایشان را نمی‌توان‌دریك گفتگوی سرپائی پیداکرد !

سینما ۵ : بسیاری ازتماشاگران ازتعدد و تنوع برنامه‌های جشنواره (بدلیل آنکه موفق بدیدن همه آنها نمیشوند) ناراضی‌اند . نظر شما چیست ؟

ه - د : من‌هم هرباربه‌کتابخانه‌ای میروم، ازتعدد وتنوع کتابها (بدلیل‌آنکه موفق‌به‌خواندن همه آنها نمیشوم) ناراضی‌ام . اما در مورد برنامه‌های فیلم ، امیدوارم روزی‌برسدکه نمایش آثار سینمائی درسالن‌های عمومی مملکت خودش جشنواره دائمی باشد واین نارضائی ازمیان‌برود.

سینما ۵ : امسال تعداد میهمانان جشنواره چند نفر بود وچرا اسامی معروف درمیان آنان کمتربچشم میخورد ؟

ه - د : امسال جمعاً درحدود ۳۲۰ میهمان به تهران‌آمدند ، ۱۷۰ نفر برای‌جشنواره و ۱۵۰ نفر برای بازارفیلم – اما ازاسامی معروف(یعنی دارای شهرت عمومی) درمیان آنان میشود از کارگردانانی مثل پل مازورسکی ، آرتورهیلر، مارتا مشاروش، آلبرتو لاتوادا ، ریچارد لستر، یوسف شاهین ، مارك رابسون و اوتو پرمینگر وازهرپیشگانی چون لینو ونتورا، سالی‌کلرمن، امانوئل ریوا ، ژالئبرن ، ماری آنجلاملاتو ، روسانا اسکیافینو ، ریتا تاشینگهام ، ریچارد جانسون ، ایوت میمیو ، لورن‌باکال ، آلن‌کنی ، برندا واکارو ، دایان کانن وتونی موسانته را نام برد . اما بیائید این شیفتگی‌کودکانه به نامهای مشهورراکنار بگذاریم . بیائید بپذیریم‌که به‌علت شهرت روزافزون جشنواره تهران دردنیای سینما ، احتیاج ما به‌این«نامهای مشهور» هرروز کمتر وکمترمیشود .

سینما ۵ : درموردانتقال‌جشنواره به‌اصفهان بالاخره چه تصمیمی گرفتید؟

ه - د : تصمیم دراین مورد با شورای برگزاری جشنواره است . تك تك مسئولان در شورای برگزاری باید اعلام‌کنندکه آیا میتوانند وظایفشان را دراصفهان انجام دهند یا نه – جشنواره آزمایشی اصفهان بهمین منظوربرگزار شد .

سینما ۵ : درصورتیکه جشنواره سال آینده نیز درتهران برپا شود ، آیا همچنان با «مشکل بلیط» روبرو نخواهید بود ؟

ه-د : درشرایطی‌که‌درروزمثلاً ۲۰۰,۰۰۰ نفربخواهند وارد سالن‌های جشنواره بشوند ، وظرفیت روزانه جشنواره مثلاً ۲۸,۰۰۰ نفر باشد «مشکل‌بلیط» همچنان وجود خواهدداشت. درشرایطی‌که مثلاً ۳۰,۰۰۰ نفربخواهند فیلمی را ببینند اما ظرفیت جشنواره برای تماشای آن فیلم ۳۵۰۰ نفرباشد ، همچنان افرادی خواهند بودکه مایلند بلیط آن فیلم را به ۲۵۰۰ ریال بفروشند ، وافرادی‌که مایلند آن بلیط را به‌این قیمت بخرند.

سینما ۵ : برای‌جشنواره ششم‌چه‌برنامه‌هائی دارید ؟

ه - د : ازنظر اجرائی وتشکیلاتی ، کار برچیدن پنجمین دوره جشنواره تا اواخر دیماه طول‌خواهدکشید. فقط ازاوائل‌بهمن‌ماه خواهیم توانست‌کار برنامه‌ریزی جشنواره ششم را آغاز کنیم ، واین تاریخ هنوز نرسیده است .

هژیر داریوش در گفتگوئی با: بهروز صوراسرافیل

[illegible]



[illegible]

... یعنی روزی ۳۷ هزار نفر می‌توانستند فیلمها را ببینند ... [illegible] می‌خواستند روزی دو ، سه ، چهار یا پنج فیلم ببینند ... [illegible] گفته می‌شود عرضه‌ی کم ، در مقابل تقاضای زیاد ... مثلاً شرکت دخانیات نتواند در روز بیش از ... [illegible] توزیع کند . در این صورت من که سیگاری هستم ... سیگار خودم را به آب و آتش خواهم زد ... برای یک پاکت سیگار دو تومانی یا چهار تومانی ... [illegible]

[illegible]

* ... اسم این پدیده «جشنواره جهانی فیلم تهران» است نه سازمان اشاعه‌ی فرهنگ سینمائی ایران ، نمایشگاه دائمی فیلم در ایـران یا «سینماتك» و «فیلمخانه ملی ایران» و یا «تلویزیون ملی ایران».
* چرا مطبوعات در طی سال راجع به فیلم‌های بی‌ارزش ایرانی ، یا سکوت می کنند یا از طریق گذاشتن خبر و عکس و تفسیر و رپرتاژ و از این قبیل به آنها کمك می کنند.
* کمیته انتخاب «نمی‌تواند شاهکارهائی را که ساخته نشده‌اند نمایش بدهد» و «نمی‌تواند شاهکارهائی را که صاحبانش نمی‌خواهند بدلایلی در تهران نمایش داده شود . به نمایش بگذارد» ...
* جایزه اول فستیوال کان «راننده تاکسی» و جایزه اول تهران «تدل» - هر دو فیلم آمریکائی هستند - مقایسه کنید که کدامشان ارزش هنری بیشتری دارند.

... به دست نویسندگان ما نرسیده ، به راحتی این کار ... همین امسال دیدیم که چه فیلمهای شریفی با نقد ... ، با متلك‌های توهین‌آمیز و یا با بی‌اعتنائی ... [illegible] ... شهر تهران وجود خواهدداشت ـ مگر اینکه ناگهان ... ، برنامه‌های تلویزیون خوب بشود ، برنامه‌های سینماها ... و غیره ... ـ باعث می‌شودکه افراد خاصی به‌خودجایزه‌های ... با عرض معذرت ، مثلاً بایدگوشزد بکنم که درروزنامه‌ی «آیندگان» ، مطلبی چاپ شد . مطلب این بود که یکی‌ازمسئولان جشنواره ما در دفتر جشنواره بلیت‌های دعوت را که مخصوص ... موارد بود ، به قیمت ده‌تومان می‌فروخته . در ادامه هم نوشته بود که ما حاضریم این موضوع را ثابت کنیم . ازطرف وزارت فرهنگ و هنر نامه‌ای به مدیر عامل روزنامه نوشته شد وخواهش شدکه نویسنده‌ی محترم ، مجرم را معرفی بکنند و ثابت کنند که چنین جرمی ... شده . تا این لحظه‌که من با شما صحبت می‌کنم و روزچهارشنبه‌ی ۱۷ آذر است ، هنوز توضیحی دراین مورد از طرف روزنامه داده نشده ، درحالی که به‌طور واضح دراین جریان یك مجرم وجوددارد . حالا یا مجرم کسی است که این عمل را انجام داده ، یا نویسنده‌ای که این مطلب را نوشته . این قضیه‌ایست که باید به دادگستری برود .

می‌خواهم خدمتتان عرض کنم که برگزاری جشنواره تهران، متأسفانه به حیثیت افراد هم لطمه می‌زند ، با توجه به اینکه‌بعضی‌ازکسانی که قلم بدست می‌گیرند ودر مطبوعات می‌نویسند ، به اخلاق مطبوعاتی توجه ندارند . منظورم ازاخلاق مطبوعاتی این نیست که مچ مجرم را بگیریم . این وظیفه‌ی نویسنده و خبرنگار است . اما مسائل را به این صورت واهی مطرح‌کردن ، ودنبالش را نگرفتن واثبات اتهام نکردن ، به نظر من فقدان اخلاق است .

□ **من نمی‌خواهم وارد این بحث بشوم ، چون مرا از روالی که می‌خواهم این گفتگو داشته باشد دور می‌کند . ولی به این ترتیب ، من نیز کمی صریحتر خواهم شد . می‌خواهم بحث را بکشانم به آن مسأله‌ی کلی‌ای که همیشه مطرح می‌شود . بیشتر مردم می‌پرسند که چرا جشنواره‌های ما باید به صورت جزیره‌های جدا مانده و کوچکی در یك دریای بزرگ از «هیچ» شناور باشند . وقتی ما درطول سال به شمار انگشتان دست ، فیلم خوب و قابل توجه برپرده‌های همگانی سرزمینمان نمی‌بینیم ، ووقتی تقریباً هنر و صنعت سینما دراین مملکت وجود ندارد، این جشنواره‌ها چه دردی را دوا خواهد کرد ؟ البته این پاسخ شمارا من قبلاً شنیده‌ام که وظیفه‌ی شما آن است که روزهای جشنواره را با آبرومندی به طرز شایسته برگزار کنید و پشت سر بگذارید . این را هم می‌دانم که شما تصمیم‌گرفتن در مورد سیاست فرهنگی مملکت ، ومهم‌تر از آن عمل کردن در مورد آنرا از وظایف جشنواره فیلم تهران نمی‌دانید . ولی به دلیل موقعیت خاص فرهنگی این کشور ، فکر می‌کنم که وظیفه‌ی شما ، اجتماعی واخلاقی ، وبه هرحال اضافی این جشنواره با هر جشنواره‌ی دیگری درایران حکم می‌کند تا حدی از وظایف معمول جشنواره‌ها در دنیا فراتر روند ، وبه عنوان یك نیروی محرك عملاً در وضع عمومی فرهنگ مملکت دخالت بکنند . بعنوان نمونه ، خود شما سال گذشته هفته‌ی فیلم مکزیك را در تهران برگزار کردید . بسیار خوب ، شاید این جزو وظایف اصلی جشنواره نبود . اما دیدید که به هرحال لازم بود ، از آن استقبال هم شد و بازهم نیاز فراوان وسادگی‌ما را به دیدن فیلم نشان داد ، شما در مقابل این [illegible] که می‌کنید ، که درغیاب وقفه‌ی یك فرهنگ مدام ـ سینمایی (دراین مورد خاص) در موقعیتی که درواقع هیچ فیلم مهمی در سراسر این کشور به نمایش درنمی‌آید ، درحالی که معلوم نیست چه کسی باید مسئولان فرهنگی مملکت را وادار کند که بالاخره به اشتباههای مداوم خود پایان دهند وحق مردم را برای آشنائی با فرهنگ سینمایی جهان بپذیرند ، وجود یك «جشنواره جهانی» با این‌ادعاهای بزرگ را چگونه توجیه می‌کنید ؟ واقعاً این‌جشنواره چه هدفهایی را می‌تواند دنبال کند درحالی که هرسال بلافاصله پس ازپایان مدت برگزاریش ، ارتباط آن با فرهنگ جاری این سرزمین قطع میشود ؟**

ـ من مثل سالهای گذشته ، به شما پاسخ می‌دهم که چرا این سئوال را از من می‌کنید ؟ ما گروه بسیار محدودی هستیم . بگذرید از آن گروه بزرگی که هرسال درروزهای برگزاری‌جشنواره ازدستگاههای مختلف بما ملحق میشوند تا کمك کنند جشنواره را به انجام رسانیم .

اما برای درست کردن آن چیزی که خمیرمایه‌ی این جشنواره است ، برای درست کردن همین برنامه‌ای که من با نهایت صراحت ادعا می‌کنم امسال ازنظر کیفیت بهترین برنامه‌ی سینمایی‌ای بوده که در هرجای دنیا در طی این مدت فشرده برگزار شده ، و به صراحت ادعا می‌کنم و پایش می‌ایستم که در همین بخش مسابقه که «بز بالدار»ش سوژه‌ی گروهی شده بود کـه متلك‌هایی درمورد پرواز نکردنش ، خراب شدن موتورش ، نشستنش ، تکان خوردنش ، افتادنش وغیره بگویند ، ما از نظر کیفیت از جشنواره‌ی کان برتر وجلوتر بودیم . از نظر کمیت هم که کار ما اظهر من‌الشمس است ودیده میشود . به هرحال دوسه نفری که در دفتر جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران کار می‌کنند ، درعرض سال چنان درگیر مسائل مربوط به برگزاری جشنواره هستند که فرصت ندارند به مسائل دیگر توجه کنند . شاید اینجا من دارم خودم را سبك می‌کنم ومسأله را خصوصی می‌کنم که بگویم برای این افراد مسأله‌ی مادی هم مطرح نیست ، برای اینکه باز با نهایت صراحت می‌گویم که این افراد محدود هر کار دیگری‌درهرسازمان دیگری‌بکنند، حقوق بیشتری خواهند گرفت . اما می‌خواهم به شما بگویم که اسم این پدیده ، «جشنواره جهانی فیلم تهران» است ومثلاً «سازمان اشاعه‌ی فرهنگ سینمایی‌ایران» ، «نمایشگاه‌دائمی فیلم‌درایران» ، یا «سینماتك» و«فیلمخانه‌ی ملی ایران» ، ویا «تلویزیون ملی ایران» نیست . بنابراین ما در محدوده‌ی پرسنل و بودجه‌ی خودمان عمل می‌کنیم . می‌گوئید که جشنواره یك جزیره‌ی متروك ودور افتاده‌است وهیچ رابطه‌ای با پیرامون خود ندارد ، درمدت محدودی برگزار می‌شود و بعد باز آش همان آش است وکاسه همان کاسه . حق با شماست . ولی برای اشاعه‌ی فرهنگ می‌شود خرج کرد . برای این کار ، من نمی‌گویم بدهید ما خرج کنیم . هر کسی خرج بکند . هرسازمان فرهنگی‌ای که دوست می‌خواهد ، با هراسمی که دلشان می‌خواهد ایجاد بکنند و پول خرج بکنند تا به هرصورت این جریان فرهنگی‌ای که‌درمدت محدودجشنواره وجود دارد ، ادامه پیدا کند . به هرصورت کاری کنند که ، این‌پنجره‌ای که به طرف نور باز می‌شود ـ من می‌گویم به طرف نور باز میشودچون سینماگران دنیا و هنرمندانی کـه از سرتاسر دنیا حرفهایی درباره‌ی خودشان ، زندگیشان و محیط پیرامونشان ویعنی به هرحال درباره‌ی انسان و جهان دارند ازاین راه می‌زنند ـ درتمام مدت سال باز باشد . ما در کادر محدود خودمان ، با بودجه‌ی خودمان و با وظیفه‌ای کـه ... [illegible] ... نمی‌توانیم کاری کنیم . به همین دلیل ، من مجدداً برمی‌گردم به این موضوع که آقای صوراسرافیل ، چرا این سئوال را از من می‌کنید ؟

[] بله . واضح است که شما مسئول سیاست فرهنگی مملکت واصولاً وضع فرهنگـی مملکت نیستید . ولی درنقاط بسیاری وضع فرهنگی این مملکت تلاقی و رابطه پیدامی‌کند با کارشما . وبنابراین شما نیز در آن سهیم خواهید بود . دست‌کم بیائید به یك نقطه ازاین نقاط

که به هرصورت در سطح ارزشی بالاتر از سطح کلی و متوسط ...
ایرانی قرار دارند نمایش می‌دهیم ، آنهارا با هو و جنجال مورد ...
وتوهین قرار می‌دهند ؟

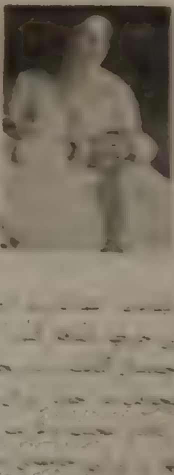
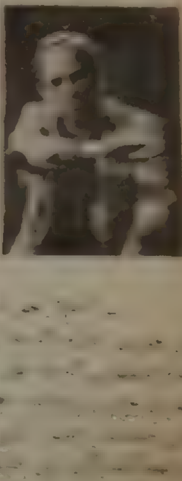
منظورم این است که اگرمارا گناهکار مید...
از یك گناه دستجمعی بدانید که همه با هم مرتکب میش...
مسئله آقای صوراسرافیل از این جزیره کوچك و تصنع...
کردید فراتر میرود ـ مسئله اساساً از جشنواره و ...
ثروت واقعی این مملکت نفت و گاز نیست ، ثروت و...
ذهن مردمش است فکر کنیم که با این طرز کار متلك‌گوئی ...
تفکر و اندیشه‌گذاشتن چه بر سر فرزندان ...

[illegible]

... این است وگرنه جشنواره و سینما و ما ...
می‌توانیم بدرك واصل بشویم . منتهی تراژدی دراین نیست

□ ... تفاهم بزرگی در مورد قسمت ...
که فکر میکنم ... لازم است درهمین گفتگو روشن بکنیم ـ
انتخاب معمولاً مورد حمله قرار میگیرد ، بخاطر اینکه بعضی ...
... اهمیت ... دراین مورد توضیح بفرمائید که ...
این ... است که ... و مسئولیت آنها چیست و ...
... بکنیم بدون هیچ حقوق و ...
... دوره هفرده مقدار زیادی ...
انتخاب چیست ؛ ... حمله قرار بدهیم ؟ واقعاً حد کار ...

[illegible]

[illegible]

... هم بی‌تقصیر نیستند . مثال میزنم :
... علم تازه‌ای بود و برای ما باعث ...

[illegible]

... ها را نگاه میدارد و بقیه را بدور میریزد ــ
... کمیته انتخاب هرسال مقدار معتنابهی مهمل و
... طی یك دوره فشرده می‌بیند که اینهارا تماشاگران
... بخاطر اینکه اینها حذف شده و غربال شده‌اند .
... بسیار پرزحمت و بی‌دستمزدی را انجام میدهند ، همانطوری
... دیدید و نه تنها کمیته انتخاب بلکه هیچ آدمی که عقل‌سلیمی
... نمیکند که این تعداد فیلمی که انتخاب شده‌اند همه
... اینکه اگر قراربود همه شاهکار باشند جوایز راچه‌کوله
... چند تا جایزه می‌بایست داد و یا هرفیلمی که واردمسابقه
... میبایستی جایزه‌ای بگیرد ــ در دوی ماراتون المپیك
... دوم وسوم مسابقه بهرحال جایزه‌های طلا و نقره و برنز
... بعد دیگر قاه قاه نمیخندند که فلان آدم بیست‌کیلومتر هنوز
... هن‌هن میکند و جلو میآید ــ در مسابقه واترپولوی‌المپیك
... میگویند که خاك بر سراین المپیك بخاطر اینکه ایران‌درهشت‌تا
... گل خورد بلکه جایزه‌ای میدهند به کسی که اول شد ،
... میدهند به‌کسی‌که دوم وسوم شد و بقول عربها خلاص ــ اما
... ما باهاش مواجه هستیم اینست که وقتی کمیته انتخاب بطور
... بخاطر اینکه افراد متخصصی هستند بفیلم‌هائی که مـن
... اسم میبرم به لوس‌آنجلس خوش آمدید ــ ارواح محکوم‌ـ
... پرنه ــ مشیت‌الهی ــ نه ماه ــ حماسه‌بیلی‌جو ــ بازی مردنتنها‌ـ
... صحرای تاتارها ــ بازگشت پسر گمشده ــ برده عشق‌ـ
... ــ نامزدی ــ بدل ــ آلیس میرود کـه بمیرد
... هم انگشت میگذارد و تائید میکند درآنجا هم مورد حمله
... میگیرد یعنی دراینجاهم گفته میشود خاك برسر کمیته انتخاب‌که
... ی را انتخاب کرد و بعد شما بمن ایراد میگیرید که چرا در
... همه فیلمها نمایش داده نمیشود ــ البته به باری لیندون توهین
... چون یك پرونده قبلی از آن وجود دارد . فیلمهای جشنواره
... ها و حتی فیلمهائی را که ارزش چندانی هم ندارند درباره‌اش
... ــ حتی آنهائی را که پرونده‌ای ندارند یا نقدهای قبلی
[illegible]
... درحالی‌که خیلی از آنها ، خیلی‌ضعیفتر از فیلم‌هائیست
مسابقه‌مان نشان میدهیم .

[illegible]
... آمد ، بایك موج کلی بی‌اعتنائی ــ تحقیر و توهین روبرو
... که این عقیده را درباره این فیلم داشتند حالا خودشان
... بی اینکه کسی از آنها درخواستی کرده باشد، از این فیلم و این‌بار
... بعنوان یکی از آثار برگزیده سینمای ایران نام می‌برند که هست
فیلم «یك اتفاق ساده» وقتی که نمایش داده شد، منقدین سینمائی
... معلومات وسیع سینمائی دارنـد واقعاً کمر بقتل این فیلم و
... ثالث» بستند.

□ یکی از آنها من بودم ــ ولی فکر میکنم قضیه این
... که من هنوز هم این فیلم را همانجور می‌بینم.



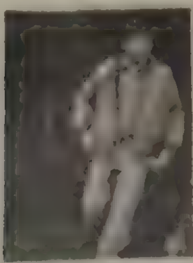
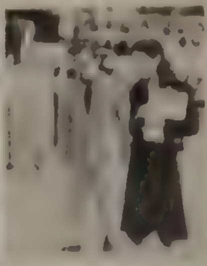
کردند اما یکسال بعد حرف دیگری زدند .

□ اولی این بار سوال دیگری مطرح میشود، مسئولیت کسانی
... فیلم ... جلب نکنند و ... کننده‌ها و ...
را قانع کنند که به قسمت مسابقه فستیوال تهران فیلم بدهند، مسائل
میشود به کمیته انتخاب ــ یعنی فرض بفرمائید بدلائل بسیار متعددی
که پاره‌ای از آنها را میشود درباره‌اش بحث کرد و پاره‌ای از آنهارا
نمیشود درباره‌اش بحث کرد ــ ما پاره‌ای از آثار ارزنده سینما را در
طول سال از دست میدهیم و در معرض دیـدن کمیته انتخاب قرار
نمیگیرد ، دلائل سیاسی هست ــ اقتصادی هست ــ اجتماعی هست ــ
دلائلی که اصلا ارتباطی به کمیته انتخاب ندارد، ولی کمیته انتخاب
سپر بلا میشود برای تمام مشکلاتی که برای جذب و جلب فیلم وجود
دارد ــ من دلم میخواست که این روشن شود.

ــ کاملاً ، من میتوانم فقط فرمایشتانتان را تائیدکنم. کمیته
انتخاب ...

یك ــ نمیتواند شاهکارهائی را که ساخته نشده‌اند نمایش بدهد
دو ــ نمیتواند شاهکارهائی را که صاحبانش نمیخواهند د
تهران نمایش داده شود بهمان دلائلی که فرمودید و تمام آنها صحت
دارد بنمایش بگذارد. اما یك مسئله دیگر توجه کنید ــ جشنواره
میتواند روی هر فیلمی انگشت بگذارد و ...
مقاومت هم روبرو میشود

درسال ۱۹۷۵ جایزه اول جشنواره کان ــ ...
است ــ به فیلم «خاطرات سالهای ...» خاطرات سالهای ...
داده شد ــ درهمان سال جایزه تهران به فیلم گمگشته دردریای آم
ماه اوت داده شد ــ این دورا با هم مقایسه کنیم و ... ارزش هر
...

... فیلم ...

... شد ــ هر دوفیلمها امریکائی هستند ــ
...

حالا که صحبت ... شد یك نکته
...
سکوت و بی‌اعتنائی روبرو شد ...
...
اسکورسیس بعد اینکه امسال جشنواره کان ...
...
و درجشنواره جشنواره‌های تهران نمایش درآمد، ...
این فیلم به قیمت ۳۰۰ تومان خرید و فروش ...
ضعیفتر از «پائین شهر» است فیلمی است ... ارزشهای ...
بی‌شك قابل تحسین ولی با ضعفها و نقص‌های ...
«پائین شهر» یك‌فیلم کاملا موفق بود ...

خارج تعیین شده وجود دارد که تحت این وضعیت این بازار سیاه و این مسائل میشود.

☐ تا از مسئله کمیته انتخاب خارج نشدیم، نظر هرسال صحبت فیلمهای ایرانی هست وقتی کمیته انتخاب کار میکند — بنظر میرسد وزیاد نوشته میشود که در مورد فیلمهای ایرانی کمیته انتخاب یک کمی تعدیل میشود و به فیلمهای ایرانی ارفاق میشود، می‌گویند که کمیته انتخاب معمولاً درمورد فیلمهای ایرانی بیشتر گذشت میکند واگر همان فیلم مارک ایرانی و با زبان فارسی نداشته باشد سخت‌گیری بیشتری درموردش میکنند.

— نه صددرصد اینطور نیست — وقتی که جشنواره در ایران هست و ما فکر میکنیم که بخاطر حفظ ظاهر هم شده باید یکی دوتا فیلم ایرانی در جشنواره باشد سعی میکنیم که به هر حال میان فیلمهای بد یا متوسط یکی دوتا را که کمتر بد هستند انتخاب کنیم. مثلاً در جشنواره پنجم این مسئله باین شدت وجود نداشت ولی در جشنواره چهارم من میتوانم حقیقت را بگویم [illegible] کمیته انتخاب را وادار [illegible] ولی خوب عیب ندارد. [illegible] آنکه حقیقت گفته شود — کمیته انتخاب جشنواره چهارم همه فیلمهائی را که پیشنهاد شده بود رد کرد — ولی بعد خواهش شد از این کمیته که به هر حال از همین فیلمهای بد دوتا را دست کم که بنظرشان کمتر بد هستند دوباره نگاه کنند. کمیته انتخاب البته آزادی مطلق دارد در رد و یا قبول همه فیلمها مگر در مواردی که فشار بیاوریم که بهرحال جشنواره در ایران هست — خواهش میکنیم ببینید میان این مجموعه که دیدید دوتا هست که کمتر بد باشد و بتواند نمایش داده شود یا نه. درجشنواره پنجم مسئله باین حادی مطرح نبود. اما در جشنواره چهارم بود که ما مجبور شدیم کمیته انتخاب را دوباره فرا بخوانیم وبگوئیم که مثلاً شما همه فیلمها را دیدید وهمه را رد کردید — رأی‌ها را پس میدهیم — آنها را دوباره بخوانید — متن رأی‌ها را دوباره بخوانید — بنشینید، و بگوئید بالاخره کدام دو فیلم را میخواهید در مسابقه بگذارید — ما اینکار را کردیم.

☐ نمونه‌های دیگر چطور؟ یعنی فکر نمیکنید مثلاً تهیه‌کننده‌های کوچکتر و کارگردانان صاحب نامتر ......

— والا افرادی که من میشناسم که عضو کمیته انتخاب هستند افراد پاک‌باخته‌ای هستند واینها گوش باین حرفها نمیدهند — امسال گفته شد که دوتا فیلمی که انتخاب کردید از یک شرکت دولتی هست وشما تحت نفوذ یک شرکت دولتی بودید — جواب من این است که اولاً افرادی که من میشناسم بفیلم نگاه میکنند، نگاه نمی‌کنند که پولش از کجا آمده وضمناً شرکتی که دو تا فیلمش انتخاب شده یک شرکت کاملاً خصوصی سهامی خاص است — حالا اگر پولش را یک بانک پرقدرت [illegible] گردن کلفتی بنام بانک توسعه صنایع و معادن ایران تأمین کرده، [illegible] کنید افرادی که من میشناسم آنچنان افراد پاک‌باخته‌ای هستند که [illegible] توجهی نمیکنند و منظورم اینست که پدر ومادر زیبائی‌ها را [illegible] صرف شده مورد توجه قرار نمیدهند بلکه صرفاً عکس و [illegible] میشوند.

☐ یکی [illegible] که گاهی وقتها گرفته میشود و من [illegible]

[illegible]

— معیارها خیلی خشک نیست ولی مهمه [illegible] این اولین معیار است [illegible] اینکه مثلاً اگر فلان [illegible] فیلمهای جشنواره نباید بیاید در سطح داخلی [illegible] میشود و این که مطبوعات خارجی [illegible] جشنواره محسوب نکنند و جشنواره بنابر این [illegible] سطح [illegible] جهانیش هر سو ط [illegible] میکند که مثلاً [illegible] چهارم، پنجم [illegible] مشغول [illegible] در کار سینماهای [illegible]

[illegible]

چه از نظر [illegible]

[illegible]

درهتل خودشان ناهار یا شام میخورند و نمونه‌های دیگر [illegible] که مورد استفاده ملت که هتلهای بین‌المللی هستند [illegible] وحشتناکی بالاست، هشتاد تومان دیگر حداقل است. [illegible] خرج اضافی بردن گروهی از اینجا باصفهان و شیراز هم هست چون اینها بهرصورت آدمهائی هستند که حرفشان برد بیشتری [illegible] یک توریست معمولی — بخاطر اینکه تهیه کننده [illegible] هنرپیشه یا روزنامه‌نگار هستند که گروه شنونده وسیعتری [illegible] توریست معمولی که فقط میتواند برای پسر یا پدر یا [illegible] صحبت کند [illegible] هم خرج [illegible] ازنظر تبلیغاتی وروابط عمومی [illegible] مملکت [illegible] هم مفید است چون [illegible]

[illegible]

فصول جداگانه

بهمن بهرامی

[illegible] طول یکسال دیده‌ام، برایش بگویم [illegible] فیلمهائی راکه درجشنواره‌ها دیده [illegible] نظر تعدادی از آنهای علاقمند [illegible] آغاز سال نو بعنوان تبیینی ازوضع [illegible] قرار دهد. منهم رغبت [illegible]

[illegible] همگی در یک سطح از نظر [illegible] از نظر خصوصی [illegible] وارزشهای [illegible] داشتم که این [illegible] از نظر نمایش [illegible] برای [illegible] معقول ولطمه دیده [illegible]

[illegible] موقعیت خاص سینمای ایران [illegible] متفاوت [illegible] جهات [illegible] خاص وقابل شناخت از [illegible] ومعادلی موجود نیست.

[illegible] سه جنبه [illegible] خواهد بود از:

۱ — تولید فیلم برای مردم. (صرف [illegible])

۲ — [illegible] (فیلمهای [illegible]، فعالیتهای [illegible])

۳ — جشنواره‌های فیلم (فعالیت برای شناسائی سینما بمردم، شناساندن سینمای دنیا بما ومعرفی سینمای ما بدنیا).

اما سینما همواره یك رویه کلی و شکل عمومی‌دارد که بتدریج بعنوان شاخه‌ای‌ازفرهنگ هنری یك جامعه نضج گرفته بارمیدهد وگسترش وتکامل این شاخه با وابستگی کامل میان عوامل بوجود آورنده‌اش فراهم می‌شود.

شکافی که میان سه جنبه ازفعالیت سینمائی درایران وجود دارد یك واقعیت قابل مطالعه تأثیر گذارنده است وبررسی وکنکاش درهریك ازجنبه‌های سه‌گانه هم نقطه عطفی است به مرجع اصلی که حیثیت سینمای ما است.

درطول سالها (اگر بیست‌وهشت سال زمان تولید فیلم بطورمداوم مورد قبول باشد) مباحثی درانتقاد، کشف علتها، وراه‌یابی داشته‌ایم که خود جریانی قوی وجالب توجه بوده است. در جوار این سینما که فرعیاتش غالباً مفصل‌تر از اصل موضوع است تصورمیکنم که این مباحث همیشه قابل مراجعه واستمرار باشد.

اشاره بدلایلی دروجود این مسئله خود نیز مثنوی دراز است. آنها که ازنزدیك ناظراوضاع هستند، وپرکنکاش را یك «مد» پایدار میدانند، خوراکی برای مطبوعات، تماسی درجریان اوضاع [illegible] کنجکاوی برانگیز وسخن‌آور برای محافل.

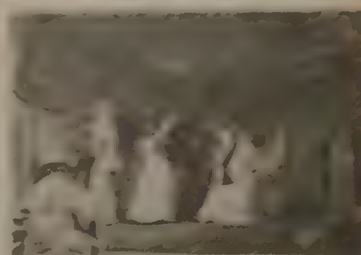
«[illegible] هم [illegible] «[illegible] لاتوادا» [illegible] جشنواره پنجم تهران گفته است که «[illegible] سینما [illegible] با [illegible] کافی و وسواس نگاه می‌کنند وغالباً جنبه نمایشی فیلم ازنظر سرگرمی مورد علاقتشان است ونظرشان [illegible] بجنبه هنر [illegible] شعر بسینما میدهند، با اینکه شعر درایران‌دارای موقعیتی والاست.»

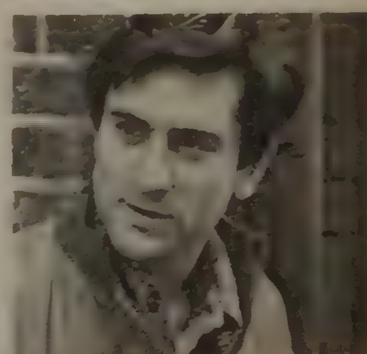
این نظر تاآنجا صحت داردکه بفیلمهای جشنواره مربوط شود. گفتگوکاو درمسائل هنری سینما وارزیابی ارزش‌های فیلم فقط درطول جشنواره بحث روز است آنهم بحثی خصوصی است وشامل عموم تماشاکنندگان فیلمها نمی‌شود، توقع کسانیکه درجوار جشنواره قرارگرفته‌اند بیش ازوظائف، امکانات وتکامل آن توسعه می‌یابد، بزبان ساده آنها می‌خواهند تمام علتهای سینمای‌خودرا با جشنواره درمان کنند. اما وجود جشنواره مانند پاره میان مردم درآمده که زمانی کوتاه معبری شگفت بسوی دنیائی رنگارنگی وسیع وجهانی میگشاید ودریازده ماه ونیم سال دری بسته‌است که گروهی درپس آن به گفت‌وشنود میگذرانند.

جشنواره در سالهای اخیر، یك پدیده فرهنگی درتلاش تعیین هویت سینمای گروه دوم بوده است درحالیکه خود جشنواره بدلایلی در میان ما شناخته نشده. جشنواره ازاینجهت که با توجه وتکیه برسینمای گروه دوم درایران کار می‌کند وبا آن ارتباط مستقیم دارد، میتواند بعنوان یك شاخص شناخته شود نه یك مرجع برپا دارنده سینما، یا حمایت کننده از سینمای [illegible] خاص، وهم بعنوان معرف سینمای [illegible] تعیین کننده ارزشهای موجود بطور تمام









از بالا بپائین :
– تمام مردان رئیس جمهوری
– درسواوزالا
– میهمانان تابستانی
– راننده تاکسی

[illegible]

[illegible] که بیش از هر چیز مورد نظر [illegible] [illegible] هنرمند می‌تواند آثار خوبی [illegible] و کارش را از نظر مدد [illegible] ولی دیده‌ایم که جایزه غالباً [illegible] بوده است و هنرمند به عبث فکر کرده که جایزه یك تضمین همیشگی و صحه‌ای [illegible] [illegible] مطمئن، برمسند و بدتر از همه تنبلی از آب درآمده‌اند. اما می‌بینیم که بین ما، موضوع مسابقه وجایزه برجشنواره یك تأثیر جدی گذاشته است.

قبلاً اشاره شد که اگر مسئله مسابقه وجایزه درمین نبود جشنواره آزادتر براه خود میرفت. اول بدلیل اینکه سینمای ما از نظر کیفیت و تولید یك سینمای موفق نیست که هیچ سینمائی فقیر و دست بعصاست.

وجود ده فیلم تحسین شده وجایزه گرفته برای اثبات استحکام و گسترش یك سینمای بیست وهشت ساله (پنجاه ساله) کافی نیست.

فرهنگ هنری ما، لطمه خورده و ناتوان است. دراین فرهنگ اگر به ریشه‌دارترین هنر که ادبیات باشد نظری بیندازیم، خط بارز و مداومی موجود نیست.

ذوق‌وشوقهائی هر از چندگاه سرزده. ریزه‌کاری واشاراتی متأثر از یك وضع خاص، آثاری پدید آورده که گاه بشاهکاری نزدیك شده‌اند اما جای مکتبی، زمینه‌ای و گروهی که موجب تحول وفصلی تازه شوند خالیست.

سینما، جوانترین وضعیف‌ترین پدیده این فرهنگ است. اگر امروز بیش از هرچیز مطرح است دلایلی اجتماعی دارد که بیش‌از هنر بروحیات جمعی ارتباط پیدا می کند اما بهرحال وجود آن بعنوان پدیده‌ای موردقبول وعنایت جمع غیرقابل انکار است وجشنواره که این موضوع را تقویت واهمیت می‌بخشد باید قبل‌ازهرچیز نظر به‌تولید سینمادرطول‌یکسال‌داشته‌باشد. جشنواره نمیتواند

[illegible]

و سه فیلم را آنهم با شرایط عدم وجود [illegible] بهتر – صناعت‌آمیز وپراغماض – برای [illegible] نمایش ومسابقه انتخاب کنیم.

جشنواره پشت به سوی سینمائی [illegible] دارد که اثرات آن باندازه یك بمب مکر [illegible] محصول خلق‌کار می کند ودرحمایت [illegible] اقلیتی پراکنده که فیلم‌های خود را [illegible] پیچیده ومشکلات بزرگ می‌سازند. [illegible] ظهور آثار سالم وخوب به افسانه [illegible] میماند و گذشته ازآنکه وجود [illegible] تقویت سینمای خوب کافی نیست فعالیت [illegible] یکی دومرجع خود [illegible]

موضوع بغرنج دیگر [illegible] جشنواره وشوق واتکاء بیمورد به ربودن [illegible] است. فیلم‌هائی که تا امروز درجشنواره [illegible] بحق این توهم را بوجود می‌آورند که [illegible] برای جشنواره وبقصد ربودن [illegible] شده‌اند. شرائط حصول یك [illegible] همه این آثار معدود وبسیار ضعیف بوده [illegible] برجشنواره ایراد کرده‌اند که شرائط جذب [illegible] خوب نداشته، حال‌آنکه ما – اگر [illegible] وفرصت داشته‌ایم که شرط مدعی‌بودن – لااقل درهرجشنواره بیست‌فیلم [illegible] دیده‌ایم.

اینها رشته مسائلی‌است که من سعی [illegible] با دلیل وتحقیق به بررسی‌شان بپردازم ازآنجا [illegible] درجشنواره‌پنجم«درسواوزالا»، «پول‌توجیبی» [illegible] «هویت»، «ارواح محکوم»، «راننده تاکسی» [illegible] «باری لیندون»، «اتوبوس»، «میهمانان تابستانی»، «آوازه‌خوان ورقاصه». «آنتی [illegible]» «دوناکلارا»، «باغ سنگی»، «شطرنج باد» [illegible] «ملکوت»، «خروجی اضطراری» [illegible] روزها»، «طالع نحس»، «ریتس» «به لس آنجلس خوش آمدید»، «تمام مردان رئیس جمهور» و «بدل» را بهتر از سایر [illegible] دیده‌ام بخاطر می‌آورم ومی‌توانم [illegible] صحبتی داشته باشم وآنچه راکه بو[illegible] ازسینمای دنیا دریافته‌ام با چیزی که بمدد جشنواره ازسرزمین خودم تماشا کرده‌ام یك مدار بگذارم، تقسیم اولم را سامان میدهم

... که برغم لعن ونفرین ، ... مجال دیگری وامی گذارم ... نو را درمیان فیلم‌هائی که از ... بیاد داریم به مبحثی تازه

جشنواره به جشنواره

... خود مسئله‌ایست که ما درطول سال باید ... جشنواره‌ها باشیم . گفتنی است که آنچه ... درجشنواره شیرازوجشنواره‌های سینمای ... جرفه‌ای نمایش‌داده می‌شود مراسمی‌ضمیمه‌ای خصوصی است ودست همه بآن نمیرسد. حتی ... درسینمای‌آزاد اغلب مروری‌بر آثارنمایش ... شده وسینماگران خصوصی‌است وراهی‌برای ... حامعه به جریان سینمای روزنیست .

جشنواره با تشریفات وبرنامه‌های سنگین ... مروزش اگربصورت ساده‌تر ودرمدت بیشتری برقرارشود، ازنظرمعرفی سینما به‌جامعه ، بمرحله ... دلخواه میرسید.

واضح است‌که برپا دارندگان این مراسم ازاولین جشنواره تاکنون پیوسته‌کوشیده‌اند تا حجم سینمای مطرح دربرنامه را افزایش دهند وهم یادبودهای احترام‌آمیزی به منظور فزونی «پرستیژ» این جشنواره ازفیلمسازان نامی عالم داشته باشندکه بخشی تازه ازآشنائی با سینمای ارزشمند جهانی‌است . هم‌چنین انتخاب واختلاف ملیتها وسطوح فیلم‌ها خودگویای موقعیتی‌است که سینمای امروز درقسمت اعظمی ازکشورهای جهان داراست .

نمایش‌فیلم‌هائی‌مثل **«طالع نحس»** و**«تمام مردان رئیس جمهور»** و **«بدل»** و **«به لوس آنجلس خوش‌آمدید»** و **«راننده تاکسی»** اگر منتخبی از شاهکارهای سینمای امریکا نباشد، نمونه‌ای ازمهم‌ترین تولیدات این سینما هست ومی‌تواند سیمای‌مشخصی‌از روندکنونی‌فیلمسازی درهالیوود را روشن سازد واین سینمائی است که اولویت تکنیك وشکار تماشاکننده درآن یك قانون حاکم است .

مسئله فیلمی‌مثل«**طالع‌نحس**» تنها به سینما مربوط نمی‌شود. چون این‌فیلم گذشته ازسرگرمی منطق تماشاکننده را هدف قرار میدهد. «طالع نحس» بعنوان یك اثرسینمائی ، ازنظرفنی ، یك کار درخشان است . دراین فیلم هم‌پائی فنون مختلف، فیلمبرداری، برش، نور، هدایت‌هنرپیشه وبخصوص‌صدا ، پیشرفت وحیطه فیلمسازی‌مدرن را دربوجودآمدن یك اثرفوق‌العاده می‌توان دید اما ازنظر کیفیت، «طالع‌نحس» گسترش سینمائی است‌که با اتکاء به فنون پیش رفته می‌تواند با معنویات وفرهنگ جامعه بجدال برخیزد . طبیعی است‌که هیچ آدم دانای امروزی به‌این خرافات اعتنائی نخواهد داشت ، اما قدرت تکنیکی فیلم آنقدر بالاست‌که می‌تواند برای لحظه‌های تماشا، منطق سالم را تسخیر کند. فیلمسازبرغم این تأثیر انکارناپذیر فیلم ، حتی ازاین یك حداقل هم صرفنظر نمی‌کندکه درپایان‌کار، دلیلی عقلانی دراثبات آنچه‌که نشان داده شده ارائه دهدکه تماشاکننده حتماً ازاین مقوله مجاب شده باشد.

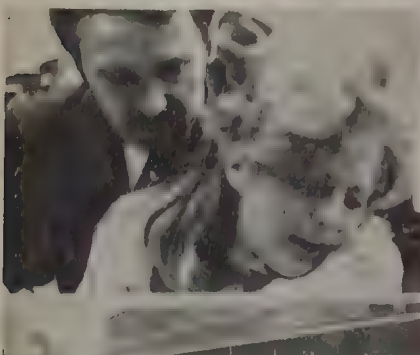
پاگرفتن این نوع فیلم درسینمای امروز تأسفی برهدایت فکراجتماعی است . زیراکه قرنهای بسیار، افکار بزرگی سعی درانهدام روح وگرایش‌های خرافه پرستی کرده‌انـد وامروز می‌بینیم‌که سینمای‌یك‌کشوربسیارمدرن، میکوشد تا درپناه نامهای‌بزرگ‌ومشهوری مثل گریگوری پك - که الزاماً باید نزولی درکارش بوجود آمده باشد - وبهـره‌وری ازیك سری وسائل حیرت‌انگیز، فقط بخاطر خلق یك زمینه تازه ، چنین قصه نفرت‌انگیزی را به دلایل قابل‌پذیرش مجهزسازد وفعلاً تامدتی دنیای‌گرفتاررا سرگرم فانتزی بی‌ارزش تازه‌ای بنماید.

مرور درچند فیلم ازسینمای امریکا ، ثابت می‌کندکه شعور وفرهنگ‌کارگردان عیارکلیه وسائلی است‌که دراختیار سینما قرار میگیرد . صرفنظر ازفیلم پرسروصدای «تمام مردان رئیس جمهور» که طبعاً نان موفقیت‌کتاب وحادبودن مسئله را - البته تا چند ماه پیش - وبد شانسی نیکسون را می‌خورد وجزآخرین صحنه‌اش هیچ ارزش دراماتیك بیادماندنی ندارد ، با آن سور پریزهای خنك وهنرپیشگان مدروزش ، اثری درهمین سطح وشباهت ، **«بدل»** است . جزآنکه موضوع داستان فیلم «بدل» قصه‌ای روان‌تر و جالب‌تر ازفیلم «تمام مردان رئیس جمهور» دارد .

اما «وودی‌آلن» شخصیتی‌است‌که باحتمال زیاد تاریخ مفصل ورنگین سینمای‌کمیك امریکا را بآخرخواهد رساند وخود درآخرین‌نقطه این سراشیبی‌آشکارخواهد شد. چون آنچه‌که سینمای کمیك امریکا را بآن‌گسترش خیره‌کننده رسانده بودکه مکتب‌های مجزا وقابل شناسائی ازکار کمدین‌هائی چون ، کیتون ، ملك‌سنت وچاپلین وبسیاری ازنامهای جهانی دیگر داشت ، اکنون برای مردم دنیاکه سخت و دیر لبخند میزنند ، باین خلاصه شده‌که طنزی را به بلاهت شمایل ورفتار هنرپیشه‌ای بیارایند واحیاناً برای راضی کردن تماشاکننده هنگام خروج ازسالن دشنام زننده‌ای‌هم چاشنی‌اش کنند وفیلم‌موفق‌باشد برای سیاست‌های رایج روز وخالی‌بودن زمینه‌کمدی وخاطره‌های اعتمادآمیز گذشته سینمای‌کمیك و قصه‌ای‌که - باز بدلخواه روز - به فاش‌گوئی حکایتی سیاسی می‌خواهد رنگ ارزش بخود بگیرد. استعداد بازی‌کمیك مثل همه استعدادها









ازبالا بپائین :
- بدل
- طالع نحس
- ارواح محکوم
- اتوبوس







[illegible] ... اصطلاح ...

و ... های سینمای امریکا به این مسئله ارتباط

می‌یابد. [illegible] ، هر ...

و معادله در معیار، باطری باز نظر، هنرپیشه در این ...
کمدی، دارای اهمیت است. وودی آلن هنرپیشه
است که تماشاگر را از فرط ... وا می‌دارد، ...
وطنز فیلم‌هایش اغلب برداشت از مواردی است که
در نوشته‌های ... خوانده بودیم.

وودی آلن اکنون و در عصر کمدی سینمای امریکا می‌تواند با بازیگر هنری مسائل اجتماعی کارش را پیش ببرد اما بعنوان یك هنرپیشه برجسته و «بدل» بعنوان یك اثر منتخب ، به «[illegible]» بیشتر مربوط می‌شود تا هنر سینما

«راننده تاکسی» فیلمی بهره‌مند از یك فیلمبرداری خوب و سطحی موزیکی درخشان و کارگردانی فکری جوان و با حوصله فیلم خوبی بود . این فیلم در شمار آثاری است که اختصاصاً یعنی سرگرمی برای همه ساخته می‌شوند . شاید نه کاملاً - در شمار آثاری مثل «هری و والتر به نیویورك میروند» ، یا «دوشس وقمارباز» اما قراردادن چنین آثاری در مسابقه ، بنوعی مهمان ... موردی برای پیش‌آمدن این سئوال ... سینمای امروز امریکا تا این‌حد فقیر ...

بازی روان وشخصیت جالب یك هنرپیشه (راننده تاکسی) شیرینی وطنز وحرکت (دوشس وقمارباز) قدرت جذب تماشاکننده بداستان و گشاده دستی درصحنه‌ها (هری و والتر به‌نیویورك میروند) هیچیك تضمین کننده ارزش‌هنری‌برای یك فیلم نمی‌توانند باشند که فیلم دریك سطح جهانی بعنوان «اثر» عرضه شود ، مگر آنکه هر اقدام آدمی درزندگی اثری باشد.

نقش جشنواره بعنوان یك معرف

شناخت موقعیت امروز هنر فیلمسازی در دنیا نه یك رشته جالب فرهنگی ، تاحدودی‌برای یك فکر پویا ، آرزوئی است .

سینماهائی با سیمای پوشیده درکشورهائی که تصور نمیرود ، هم بیك‌گروه فیلمساز قابل شناسائی وهم به‌آثاری مجهز شده‌اندکه ازنظر کار سینما ، مکتبی تازه است . جائی‌که فیلمسازان بزرگی مثل «کوبریك» در «باری لیندون» به یك بازی متفنّن و جلالة مآبانه می‌پردازند ، کارگردانان سینمای امریکای لاتین با بی‌پروائی وجسارت مسائل تکان‌دهنده دنیـای امروز را بسینما میکشانند بی‌آنکه نیازی به بهره‌گیری از گران‌قیمت‌ترین طراحان لباس یا مشهورترین آرایشگران مو باشند.

آشنائی با سینمای اروپای شرقی درهمین

[illegible] فرصت [illegible] احتمالاً [illegible] از آن قدمی [illegible]

[illegible] فقط یك بدون فرهنگی [illegible] بلکه اشکال در اینستکه اگر [illegible] این کشورها بیفتد احتمال خیلی [illegible] که در آن موقع فیلم **«ارواح محکوم»**، «هویت»، **«درسواوزالا»**، **«شبهاوروزها»** روی [illegible] طبیعی است که آنها هم تعدادی کار [illegible] محض سرگرمی دارند.

[illegible] بزرگ ومفصل وبا ارزش **«شبها وروزها»** را در ردیف **«ارواح محکوم»** وهمچنین «هویت» را برابر هیچك ازآندو نمی‌گذارم. یا «درسواوزالا» را که تاحدودی به سینمای ژاپن [illegible] دارد تا بسینمای روسیه. اما بدون شك مجموع این چهار اثر درزمینه‌های متفاوت، پیام [illegible] فرهنگی ازآنسوی اروپا را به ما میرساند که بیش از آنچه انتظار داشته‌ایم پیش‌رفته است.

پرداخت سینمائی **«شبها وروزها»** کمی کند ودراین اثر مطول تأکید روی فرم ومسائل [illegible] جزئی که نقش مؤثری درتشکیل وتشریح [illegible] می‌سازد. مثل سیگار کشیدن وتحمل‌دوستی [illegible] کاستی‌هائیست اما حرکت داستان ازابتدا [illegible] انتها خط زمانی معقول وپرداخت شده دارد. [illegible] برغم جذبه‌های معمول ورایج دراین نوع سینما، اثری با مشخصات استثنائی است ازیك سرگذشت طولانی، ساده وقابل‌تماشا وهمه ارزش آن منوط به سادگی وبی‌حادثه‌گی است.

«شبها وروزها» شعری بلند درتقدیس زندگی است. نوعی تعریف ازگذران وعواطف [illegible] لهستان که زن ومردی با هویتهای قوی [illegible] ازآن میدرخشند. اما «ارواح محکوم» نه درمیان فیلم‌هائی ازکشورهای اروپای شرقی، که درمیان آثار جشنواره ما، میدرخشند.

این فیلم حضور سینمائی شگفت‌انگیز است [illegible] هنر کشوری که ما ازآن زیاد نمیدانیم. [illegible] با این تعریف محصول یك تصادف بدون مقدمه درسینمای بلغارستان نمی‌تواند باشد. چون درپرداخت داستان، دربیان قوی حوادث وتشریح ارتباطها حاوی قدرت ومکتبی درکارگردانی است با بهره‌گیری از فرم به هنرمندانه‌ترین [illegible]. فعلاً گفتار دراین فیلم خود می‌تواند یك بخش قابل بحث وبررسی باشد.

داستان درموقعیتی خاص وسرزمینی دور [illegible] با اغتشاشات داخلی (اسپانیا) با مسائل سیاسی، واجتماعی، ودرتماس وتشریح اعتقادات مذهبی، وانگیزه‌های عاطفی آمیزه‌ایست مشکل که کارگردان با موفقیت درآن توانائی خودرا آزموده است.

«هویت» ازمجار، استثنائی دیگر است. بیانی [illegible] سینمائی که «میکلوس یانچو» را دارد. [illegible] سینمائی درفرهنگ اروپای شرقی طبعاً یك تأثیر غالب است. اما می‌توان امیدوار بود که مانند اغلب عوارض اجتماعی بمرور، شدت خودرا ازدست بدهد وسینما را – حداقل – بحال خود بگذارد.

شك نیست که ارزش سینمای «یانچو» تنها به پشتوانه یك تئوری مطرح درزمان نیست که او با میزانسن وحرکت‌دوربین درسینما مکتبی‌خاص خود دارد ازطرفی طرح یك تئوری درمتن فیلم از «یانچو» ضمیمه وکنایتی نیست بلکه اقتضای دید وبرداشت او وازمحیطی است که برای مدتی دراز درتاریخ عرصه تاخت‌وتاز سیاسی بوده‌است. اما می‌بینیم که «یانچو» خالق فضا ومردمی است که طرحی ازآن در«هویت» باز آمده است. یك گوشه ازاجتماع مجار که درکناردنیاباخصوصیات ومردم خاص درفیلم جلوه‌گر می‌شود. آدمها بتدریج ازتاریکی‌بیرون می‌آیند وطرحها درمتن داستان متدرجاً تکمیل می‌شود. هیچکس موجود فوق‌العاده‌ای نیست اما مجالی دارد تا خودرا در نقطه‌ای ازسرنوشت بروز بدهد وفقط درآن نقطه است که به سیمائی قوی ومشخص جلوه می‌کند.

«هویت» دربیان این نظریه است که انسان ازهر لحظه‌ای که شروع کند، خودرا می‌سازد حتی در بحبوبه تخریب، درتمهید ساختن تازه‌ای است. بیان این موضوع ظریف درمحدوده یك دهکده وایستگاه قطار و با دو سه آدم کاملاً معمولی که می‌توانند میان آدمهای دیگر گم بشوند، صورت می‌پذیرد. واین سیمای دیگری است ازیك سینما درگوشه‌ای ازعالم که خوشبختانه بتدریج خودرا ازوسائل وحقه‌های‌فنی‌آزاد می‌سازد وبفکر خلاق بیش ازهرچیز متکی است.

این‌سینمادربرابرمحصولاتی که از [illegible] شوروی دیده‌ایم یك سینمای«آوانگارد» بحساب می‌آید. درسینمای شوروی‌اکنون‌توجه به جنبه‌ها وامکانات‌وسیع، نوعی‌حاکمیت بورژوازی‌است. ازفیلمهای رنگی فرمالیستی‌که مایه‌های هم سان ازلطمه‌های«جنگ» و«عشق به سرزمین»دارند، تا ظرافتهای طنز «شینگلایا» واثرمتمایزی مانند «برده عشق»، همه وجود سینمائی قوی وحمایت شده را یادآوری می‌کنند. زیبائی وشعر ورنگ دراین سرزمین پهناور زمینه سرشاری بـرای بهره‌برداری‌است. اما فیلمی‌مانند «درسواوزالا» دلیلی بربالیدن سینما دربرابرادبیات‌است. جالب آنکه داستان فیلم یك قصه ادبی نیست.

سبك ولحن «درسواوزالا» مانند رمانی بلند، قوی ورنگین وبرخوردار ازحضور یك خلاقیت هنرمندانه است.

«فرمالیسم» در سبك کوراساوا همواره مسئله‌ای بزرگ خواهد بود. این فرمالیسم در فیلم‌هائی مثل «قصری درون تارعنکبوت»، «راشومون»، «هفت ساموراثی» و «درسواوزالا» به اتحادی ازدرونمایه‌های یك انتخاب هنرمندانه میرسند.

تاآنجاکه من دیده‌ام درتاریخ جشنواره ما، فقط این‌فیلم است که قدرت‌داستان‌پردازی‌شگرفی [illegible] برگمان دیده بودیم، درپرداخت داستان بفیلم دارد. از «درسواوزالا» بعنوان فیلمی درتعریف وابستگی و تحسین انسان به طبیعت نامبرده‌اند درحالیکه این فیلم یك اثر بزرگ درمعرفی و پرورش وکمال شخصیت آدمی‌است. خلق آدمی مثل «درسو» کاری است که «کوراساوا» پس‌از بازسازی شخصیت «مکبث» در «قصری درون تارعنکبوت» و «راشومون» با هنرپیشه‌ای مثل «توشیرو میفونه» انجام داده است. اما این‌بار این‌شخصیت‌پردازی ساختمانی‌پیچیده‌تر وفلسفی‌تر یافته‌است. عظمت این‌بار دیگر درکمربند«هفت‌ساموراثی»نیست، یا درنبردی بدروایتی کلاسیك. طبیعت بعنوان‌پرورش‌دهنده وآزماینده موجودی کاملاً ساده وتاحدودی بدوی است که بتدریج اورا به حیثیتی غریب وماجرائی تلخ میرساند. این‌بار جامعه یاگرایش‌های ستیزه‌جوئی، آدمی را درگیر نمی‌سازد. بلکه این انهدام منطقی و طبیعی‌است که آدمی را بسرسختی«درسواوزالا» بزانو درمی‌آورد. درجوار این‌کاراکترعجیب، احساس رفاقت و رقت کاپیتان، دریکی از موفق‌ترین پرفورمانس‌ها درخششی دارد. نکته جالب توجه پیدایش چنین اثری، همکاری «کوراساوا» با سینمای روسیه است وبیننده‌نشین این نکته‌که وقتی اصالتی هست، مرزی دربین نیست.

✻ ✻

نمایش فیلم‌هائی مثل **«باری لیندون»** و **«ریتس»** که نام سینمای‌انگلستان‌را برخوددارند، نکته‌ای جالب توجه درمسیر این شناسائی است.

«ریتس» را بیش ازهرچیز باید نوعی طنز اروتیك دانست. تشریح یك ناهنجاری اجتماعی بآنصورت که درفیلم آمده است، کم‌کم بوسیله سینما بصورت نوعی تفنن درمی‌آید. سینما به جنبه‌های جاذب ومضحك وتعجب‌آور این‌بیماری توجه دارد، درحالیکه جامعه کم‌کم معمولی‌بودن آنرامی‌بیند. بهرحال‌دراین‌مقاله نظری به مباحث اخلاق‌نیست اماکل‌فیلم جزاثری متوسط، چیزی نیست.

اما «باری لیندون» را می‌توان ادامه‌ی سینمای کاپیتالیست و متفنن امریکا دانست «کوبریك» بدلایلی این‌بار بساط‌کار خودرا در انگلستان پهن‌کرده‌که دردسترس‌بودن، مکانها شاید یکی ازآن دلایل باشد.

اما **«باری لیندون»** اثری است بزرگ، برخوردار ازیك‌کارگردانی شگفت وسرشار از هنرمندی وآگاهی‌که طبعاً ازطرف آدمی «استانلی کوبریك» جای تعجبی نیست‌که گشاده‌دستی وامکانات مبهوت‌کننده به دنیا عرضه می‌شود. ودلیلی است بربی‌اعتنائی فیلمساز نسبت

[illegible]

... عناصر ... گوناگون ... [illegible]

جزئی بیشتر ندارد.

پرداخت نور صحنه‌های داخلی، راه ما به تاریخ نقاشی کلاسیک قرون هفده و هجده اروپا برگردان ... و ... تصاویر ... طراحی گرانبهاترین طراحان، ولی ...

استفاده از هنر پیشه‌ای ... یک تفنن آشکار است. اما موضوع فیلم علاوه بر آنکه در ادبیات و سینما بارها مورد استفاده قرار گرفته با جهان‌بینی یک هنرمند می‌تواند عملی بهتر در زندگی آدم امروزی ظاهر شود.

نوسانهای شخصیت «باری لیندون» و انگیزه‌های او در هر دوره از زندگی‌اش هدف کوچکی در میان آنهمه تشریفات و تفاصیل زخارف اشرافی است و فیلم سه ساعته با طمطراق خسته‌کننده‌اش، با آن قیافه‌های بی‌شمار مصنوعی، پوسته‌های متعددی است روی مغزی به کوچکی عدس.

در «اودیسه ۲۰۰۱» هم‌چنین تفصیل و تفننی بود اما بازده آن صدبار از مقدمه مفصل‌تر بود. بیان کوبریک در آن فیلم مبحثی پایان‌ناپذیر ... برای آدم امروز که چون جنینی در این کپسول ... برای فردای ناشناخته، بانتظار مانده ... شاید یک کودک که بسیار پیر است و قرنها ... در کهکشانها سیر کرده است و این ... کوچکی نیست.

[illegible]

... نداد ...

مانی فضل‌الله داشت، سیر سالهای پیش ... اشکار رسیده بود و با بضاعت در جاذ سه فیلم در برابر غول سینمائی دنیا لنگان ولرزان ایستاده بود.

واکنش تماشاکنندگان در نمایش هر سه فیلم، عکس‌العمل نابجا و نامنصفانه بود و بسادگی نشان میداد که اغلب مستقبلین جشنواره، دوستداران آثار سرگرم‌کننده و سکسی‌اند و اگر چیزی ناخوشایند سلیقه‌شان پیش بیاید، حتی تاب ... [illegible]

«شطرنج باد» بعنوان چهره‌ای برهم درک و عدم احساس مسئولیت کارگردان از سینما اولین فیلم ایرانی است که در جشنواره شرکت می‌کند.

پایداری و مقاومت عصبی کارگردان در مصاحبه‌ها شگفت‌انگیز است چون او سعی می‌کند که حدود یازده ساعت فیلم سمک عیار و شطرنج باد را که مردم بصورت تصویر و با دلایلی که در خود کار قابل رؤیت است، با توجیهات لفظی ... [illegible] ... متممی برای سریال تلویزیونی در آورده، ... است که فیلمساز از سینما دارد. او ... [illegible]

[illegible]

یاسها ... زیبای ... [illegible]

... [illegible]

برداشت از ... [illegible]

تدریج قسمت بزرگی از ... بصورت اختصاصی ... راه کارگردانی است که ... اقتضای سینما را از صحنه‌هائی که ... طبیعت موجود است، ندارد.

فرهنگ این فیلمساز ... وهدایتش در کار سینما چیز ... از اولین فیلم — آنکه ... «فیطریه» تا آخرین اثر «باغ سنگی» ... بسوی یک تأثیرپذیری ... [illegible]

نحوه فکر کیمیاوی در تألیف ... از ذهنیات و برداشتهای ... ایرانی ... [illegible] ... فیلم «پ» ... [illegible]

[illegible]

جشنواره، شاهنگ، بدون تعادل

[illegible]

[illegible]

اما در ... [illegible] ... نشستن - که اگر «گناه» هم باشد ... از «گناه» نیست - ... است ... از ... گرمانی ... در ساختمان «باغ سنگی» است. ... با واقعیت ... [illegible] ... واقعیت را هنرمندانه انجام می‌دهد ... که از واقعیت باز گرفته ... صحنه‌هائی ... رئالیسم او، رئالیسم هنرمندی است که ... [illegible] ... جوی آب و ... شفاف جلوی ماشین فرق دارد

... در واقعیت حوادث هنگامی باوج می‌رسد که درویش خودرا از درخت معجزه‌اش می‌اویزد و این نتیجه‌گیری، این صعود، نه به رنگارنگی نماوی کوچه و بازار می‌اید ونه برقص مضحك درویش ونه به نان پختن وچای ریختن وديگ پخت‌وپاشهای زن درویش.

اگر بشود واقعیت وتوهّم، جزء وسمبل، ... واستثناء را دراثری بهم امیخت، فیلم «باغ سنگی» دراین امیزش موفق نبوده است. اما دانش فیلمساز بعنوان کسی که ازمعمولی‌ها، ... غیرمعمولی ونکته‌های شناختنی اخذ می‌کند، موضوعی است که دران جای تردید نیست.

«ملکوت» بعنوان اوج وافولی یك جا در قصه‌نویسی معاصر، قصه‌ای‌خواندنی‌وماندنی‌است. قصه‌ایست که می‌برازد تا درتاروپود وساخت‌و... ان صحبت و کنکاش بعمل‌آید.

این قصه مانند یك شعاع، شاید شهابی، درزندگی نویسنده درخشنده است وهرچه دارد حسن و کاستی، قصه با ارزشی است.

... قصه، ازانجهت ... رئالیسم شناخته شده ویکدست ... است - تا قبل ازآنکه نویسنده صریحاً خواننده را از اوج اعتماد خویش پائین بکشد وشیر فهم ... که آقای‌فلان، خدا بود ودکتر ... سیری درصعودهای یك فکر ... وبازافرینی ان درفیلم، بیشتر ...





بالا: باغ سنگی (پرویز کیمیاوی)
پائین: ملکوت (خسرو هریتاش)

[illegible] الزاماً [illegible] هنری است در کارگردانی [illegible] که [illegible] ذهنیت [illegible] حذف کند.

در سراسر این فیلم سعی بود در تبعیت از ارزشی که در فیلم «طالع نحس» نبود. ارزش بکارگیری [illegible] کننده. اینکه کارگردان، نمایش کننده روشنفکر امروزی که تا حدودی به حقه‌های تکنیکی آشناست («می‌خواهم» که این کودک، چهره معصوم، دندانهای سفید و چهره کشیده‌اش، [illegible] زندگی آدمهای [illegible] دارد، و از این سبب تکیه عجیب و مهمش آن بود که این مسئله پذیرفتنی شده بود.

فیلم «سکوت»، برغم امکانی که در انطباق [illegible] – [illegible] – داشت، سرایا خالی از این منطق است. [illegible] شعور [illegible] نمایش کننده است [illegible] که در [illegible]. [illegible] شواهد تاریخی به معیارهای زندگی معمولی آدمی انجام شده و هیچیک جز دریک مورد به‌نتیجه مطلوب نرسیده‌است – تکرار صحنه‌ای که سه صورت در سه سن متفاوت در کنار هم در قاب پنجره‌های قدیمی قرار دارند –

شخصیت دوفر [illegible] در این فیلم ناموفق‌ترین کاراکتری است [illegible] عدم تحرک، عدم گفتگوی زیاد و حالت چهره‌اش، تاحدودی به خشونت طرح نزدیک است.

اما دکتر، قالب میان‌تهی بی‌هویتی است که ازروی نوشته‌ای – آنهم بسیار ناشیانه – کلماتی راکه برای خودش هم نامفهوم است، که بسیار قلمبه است، که به‌گنده‌گوئی مضحکی میرسد – بجای گفتار وبسیاری ازموارد، برای معرف [illegible]

چه اصراری بوده دراینکه، گفتار [illegible]

چه اصراری بود، دراینکه هرپیشه حتماً [illegible] وچه اصراری بوده که وقتی در ترسیم شخصیتی آنهمه عدم توفیق حاصل شود، [illegible]

[illegible]

[illegible] درقضاوت [illegible] هنری [illegible] کارگردانی [illegible]

[illegible]

[illegible] قصه‌های [illegible]

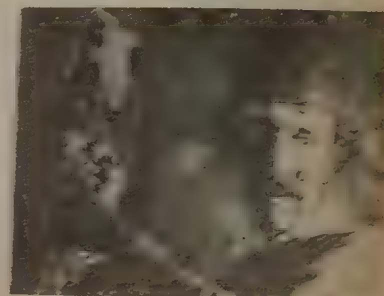
وپس از «بوف کور» که دائم درحال [illegible] است [illegible] امروز که اغلب برداشتهای کنایتی دارند، [illegible] آزمائی شود.

اما «چهار عمل اصلی سینما» [illegible] که الزاماً هر کارگردان باید از آن مطیع [illegible] واحتمالاً عمل اول اینست [illegible] نگذارد واز آن رونویسی نکند [illegible] است منحصربفرد، وهمه ارزش [illegible] وقتی کتابی خوانده شود و [illegible] آزموده هنری داشته باشد ولی [illegible] مازآفر [illegible]

درفقدان این‌حداقل [illegible]

به تعارفها نباید فکر کرد [illegible] جدی است. تا این واقعیت چطور [illegible] جدی‌بودن بچه حد شناخته شود [illegible]



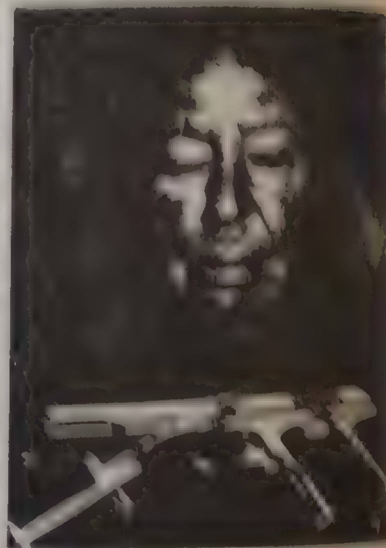






نماهائی از فیلم «سکوت»

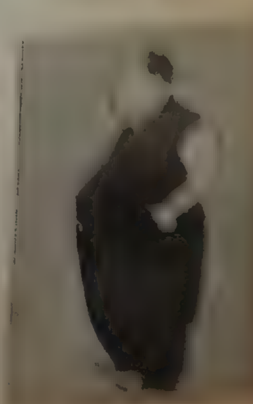




HITCHCOCK

هیچکاک

هنر تصویر و تدوین



[illegible]

«آلفرد هیچکاک» را خوب می‌شناسند و با سبک خاص او آشنایی دارند. دراین‌که «هیچکاک» مهارت وتبحر فراوانی درتصویرسازی وتصویرپردازی دارد، تردیدی‌نیست وفیلم‌هایی که تاکنون ساخته‌است ازهرجهت مبین ذوق وسلیقهٔ عالی او درانتخاب تصویرهای بسیار مناسبی است که نه‌تنها ازنظرزیبایی، دراین رده فیلم‌ها، همتایی ندارند بل ازمفاهیم خاص سینمای هیچکاکی نیز آکنده‌اند.

مقالهٔ ذیل‌که مونتاژ دقیق نوشته‌های دوتن ازصاحب‌نظران درباره «هیچکاک» است عیناً نقل می‌شود وچون مقاله‌ها ترتیب جداگانه‌ای داشته‌اند، دراین جا سعی شده‌که انتهای مطلب نخست به ابتدای نوشتهٔ بعدی ربط داده بشود، بی‌آن‌که تکراری باشد.

دونویسنده‌ای‌که مقاله‌هایشان را ملاحظه خواهیدکرد عبارتنداز «آلبرت لاولی» و «لوییس جیانتتی»...





[illegible] «شمال ازشمال‌غربی»* [illegible] ... فیلمنامه‌هایی که منتشرشده – اساساً [illegible]

[illegible] ... به‌این ترتیب، فیلمنامه‌ی «ازنست لمن» ما را با [illegible]

[illegible]

فیلمبرداری ازداخل هلیکوپتر – خارجی بزرگراه ۴۱ – بعدازظهر

[illegible] ... جاده خلوت‌که [illegible] مسطح تا کیلومترها گسترده شده [illegible] اتوبوس درشرف کم‌کردن سرعت است. [illegible] خاکی‌کوچکی می‌رسدکه معلوم نیست [illegible] واین جاده خاکی‌کوچک، جادهٔ [illegible] اتوبوس‌متوقف می‌شود. مردی [illegible] ... است – آدمی‌کوچک دروسط [illegible]

روی زمین – تورنهیل – [illegible]

او نگاهی به‌اطرافش می‌کند [illegible] بررسی می‌کند – زمین مسطح است [illegible] ... ساعت سه وبیست‌وپنج [illegible] درفاصله‌ای [illegible]

* «شمال ازشمال‌غربی» درایران با نام «[illegible] خطرناک» نمایش داده شد.

[illegible]

را فرامی‌گیرد.

[illegible] دستمالی ازجیب بیرون آورده وچهرهٔ [illegible] کند. حالا عرق کرده است. می‌تواند [illegible]

[illegible] به‌گوش می‌رسد که ازشرق می‌آید، ضمن [illegible] به خارج ازکادر نگاه می‌کند، صدای موتور [illegible] بلندتر می‌شود ونقطهٔ سیاه دیگری را می‌بیند. [illegible] ازانتظار روی چهرهٔ تورنهیل نقش می‌بندد. [illegible] نگرانی مبهمی دربارهٔ خطر غیرقابل [illegible]

[illegible] می‌کند. به وسط جادهٔ بزرگ قدم می‌گذارد، [illegible]

[illegible] او نزدیك می‌شود. به تندی ازجاده خارج می‌شود [illegible] به قسمت خاکی کنار جاده می‌رود، ضمن‌این‌که کامیون [illegible] صدای رعدآسایش می‌گذرد ودرافق محو می‌شود. [illegible] جای صدای رو به‌کاهش کامیون را صدای تازه‌ای [illegible] می‌گیرد، صدای لولهٔ دود حاکی ازنارسایی‌های موتور [illegible] توموبیلی ارزان‌قیمت وقدیمی.

تورنهیل به سوی صدای درحال نزدیك شدن، خیره می‌شود واتومبیلی قدیمی را می‌بیندکه ازجادهٔ خاکی به محل تقاطع جاده نزدیك می‌شود. موقعی‌که اتومبیل به بزرگراه می‌رسد ازحرکت باز می‌ایستد. زنی میانه‌سن پشت فرمان اتومبیل است. مسافرش، مردی درحدود پنجاه سال است. او یقیناً زارع باید باشد. مرد ازاتومبیل خارج می‌شود. اتومبیل دوری می‌زند ومسیری‌که آمده بود به حرکت درمی‌آید. تورنهیل با نگاهی مرد را برانداز می‌کند ودرآن سوی جاده، موقعیتی برای بررسی مرد تازه وارد اختیار می‌کند. مرد نگاهی به‌تورنهیل می‌اندازد بی‌آن‌که علاقه‌ای آشکار ومرئی نشان بدهد، آنگاه به بالای بزرگراه، به سوی شرق، نگاهی می‌اندازد، گویی درانتظار چیزی است که هرلحظه باید فرابرسد.

تورنهیل به مرد خیره می‌شود، درحیرت است‌که آیا این مرد، «جرج‌کاپلان» است.

مرد با بی‌خیالی به‌آنسوی‌جاده، جایی‌که تورنهیل ایستاده است نگاهی می‌اندازد، چهره‌اش بی‌حالت و بی‌تفاوت است.

تورنهیل چهرهٔ خودرا با دستمال پاك می‌کند، به هیچوجه چشم ازمرد آن سمت جاده برنمی‌دارد. صدای ضعیف هواپیمایی درحال نزدیك شدن به‌گوش می‌رسدکه به تدریج روی این صحنه شنیده می‌شود. درانثنایی که صدا بلندتر می‌شود، تورنهیل به سمت چپ خود نگاه می‌کند وهواپیمای دوباله‌ای را می‌بیندکه درارتفاع کم ودرشمالغربی درپرواز است. هواپیما را با علاقمندی نگاه می‌کند، ضمن این‌که هواپیما مستقیم به سوی نقطه‌ای که او ومرد غریبه دردوطرف جاده رو به روی یکدیگر قرار دارند، پیش می‌آید. ناگهان، هواپیما برفراز سرآنهاست، فقط درحدود صد فیت از زمین ارتفاع دارد وآنگاه، همچون پرنده‌ای عظیم، ضمن این‌که تورنهیل نیز با حرکت هواپیما چرخی می‌زند، برفرازسرآنها پرواز می‌کند وبه راه خود ادامه می‌دهد. تورنهیل با نگاهش حرکت هواپیما را دنبال می‌کند وپشت به جاده دارد. هنگامی‌که هواپیما چند صد متری ازبزرگراه دور می‌شود، ارتفاع کم می‌کند، فقط چند فیت با زمین فاصله می‌گیرد ودرخطوط مستقیم موازی با جاده به عقب وجلو پرواز می‌کند و ابری اززیر بدنهٔ آن خارج می‌شود ضمن این‌که به راه خود ادامه می‌دهد. هرزارعی، این عمل را به عنوان سمپاشی ساده‌ای تلقی خواهدکرد.

تورنهیل به‌آن سوی جاده نگاه می‌کند، می‌بیند که مرد غریبه هواپیمارا باعلاقه‌ای‌فراوان تماشا می‌کند. تورنهیل عرض‌جاده را می‌پیماید وبه سوی مرد می‌رود.

تورنهیل – روز داغیه!

مرد – بدترش رو هم دیدم!

تورنهیل – آیا شما ... اِ ... اتفاقاً درانتظار ملاقات‌کسی دراین‌جا هستین؟

مرد (هنوز درحال تماشای هواپیما) – درانتظار اتوبوسم. هرلحظه ممکنه پیداش بشه.

تورنهیل – آهان ...

مرد (با بی‌قیدی) – بعضی از اون خلبون‌های سمپاش خوب پولدار میشن اگه به‌اندازهٔ کافی زنده بمونن ...

تورنهیل – پس اسم شما ... کاپلان نیست.

مرد (نگاهی به‌او می‌کند) – نمی‌تونم بگم‌که هست، واسهٔ این‌که نیست (به‌جهتی‌ازجاده‌نگاه می‌کند). خُب، مثل این‌که داره میاد. درست سرموقع

تورنهیل به سوی شرق نگاه می‌کند، اتوبوسی را می‌بیندکه نزدیك می‌شود.

مرد مجدداً با دقت نگاهی به هواپیما می‌اندازد و اخم می‌کند.

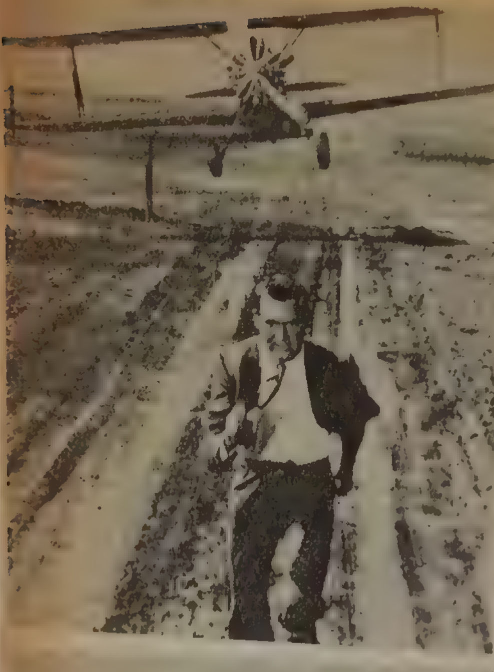
مرد – خیلی مسخره است.

تورنهیل – چی؟

مرد – این هواپیما داره جایی‌رو سمپاشی می‌کنه که اصلاً محصولی وجود نداره.

تورنهیل به سوی هواپیمای پرسروصدا، با حالتی ازبدگمانی رو به‌افزون نگاه می‌کند درانثنایی‌که مرد غریبه قدم روی آسفالت جاده می‌گذارد و با دست به اتوبوس علامت می‌دهد تا بایستد. تورنهیل رو به سوی غریبه می‌کندکه‌گویی می‌خواهد چیزی به‌او بگوید. لیکن خیلی دیر شده. مرد سوار اتوبوس شده و درهای اتوبوس بسته می‌شود ودرشرف حرکت است. تورنهیل باردیگر تنها می‌ماند.

تقریباً بلافاصله، صدای موتور هواپیمایی راکه با سرعت پیش می‌آید وتیراندازی می‌کند، شنیده می‌شود. تورنهیل به سرعت نگاهی به سوی هواپیما می‌اندازد ومی‌بیندکه هواپیما تغییرجهت داده ومستقیم به سوی او پیش می‌آید. با چشم‌هایی آکنده ازتعجب درهمان جا می‌ایستد، سرجایش میخکوب می‌شود. هواپیما غرش‌کنان پیش می‌آید، فقط چند فیت باسطح زمین فاصله دارد. دومرد دراتاقك هواپیما هستند و نگاه‌هایی تهدیدآمیز دارند. تورنهیل به‌آنها فریاد اعتراض بلند می‌کند لیکن صدایش درغرش هواپیما گم می‌شود. دریك آن، هواپیما روی سرش خواهد بود وکله‌اش را خواهدکند. مذبوحانه خودرا روی زمین می‌اندازد، درحینی‌که هواپیما با سرعت و با صدایی گوشخراش ازفرازسرش عبورمی‌کند، چرخ‌های هواپیما تقریباً اورا لمس می‌کند.





دونما ازفصل هیجان‌انگیز «شمال ازشما»

تجزیه و تحلیل فصل تعقیب با هواپیما در فیلم «شمال از شمالغربی»

اگر از بیننده‌ای سئوال شود که بعضی از لحظه‌های [illegible] درباره کدام صحنه‌ها به تفکر می‌پردازد؟ محتملاً سکانس ناراحت‌کننده، ترسناک، کاملاً تصویری، تقریباً بدون کلام صحنهٔ قتل در وان حمام فیلم «روح» یا تعقیب و گریز پیرامون وروی چهرهٔ رؤسای جمهور آمریکا در فیلم «شمال از شمالغربی» یا درهمین فیلم، سکانس تعقیب کاری گرانت درفضای باز و خلوت بیابانی یکی‌ازایالت‌های مرکزی راکه به وسیلهٔ هواپیمایی مسلح انجام می‌گیرد به خاطر می‌آورد. این سکانس اخیر بطور گسترده وهمگانی به عنوان نمونه‌ای کاملاً برجسته ومشخص ازدلهرهٔ سبک هیچکاک وجامع جمیع بسیاری ازسکانس‌های تعقیب وگریزش تلقی شده‌است. شخصی بی‌گناه، بی‌پناه وبی‌دفاع درفضایی معمولی که ناگهان آکنده ازخشونت، وحشت ومرگ می‌شود، تنها مانده است. تقریباً تمامی امکان‌های دفاع ازخود یا فرار برای یافتن سرپناهی، حتی قبل ازاین‌که تعقیب وگریز آغاز بشود، به دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مهارت هیچکاک ازجهات‌بسیارمهمی درهنرتدوین قرار دارد، درکنترل ریتم‌ها وتحوی تصاویر فیلم‌هایش با بیننده را به طور ذهنی، درتجربهٔ قهرمان فیلم درگیر وسهیم کند. طرح‌ها وتوضیحاتی‌که به دنبال می‌آید نمی‌تواند تأثیر آنی سکانس تصویری اصل فیلم را بازسازی کند، لیکن این طرح‌ها وتوضیح‌ها می‌توانند نشان بدهند چگونه چنین تأثیر شدیدی خلق شده وچرا این همه قدرتمند است. هیچکاک برای تبیین هنرش، به طور مرتب ومنظم به‌اصول اساسی مونتاژ، به ویژه مونتاژ «برای خلق اندیشه‌ها» یا «برای خلق خشونت واحساس عاطفی» که هردو دراین سکانس، کاملاً آشکار وبدیهی است متوسل شده است. برای تضمین همفکری بینندگان با قهرمان فیلم، هیچکاک برتئوری جنبهٔ «ذهنی» مونتاژ، «کنارهم‌گذاشتن تصورات ذهنی فرد» دراین مورد، کاری‌گرانت وبینندگان فیلم به عنوان قائم‌مقام قهرمان‌فیلم تأکید می‌کند. می‌گوید:

مردی را نشان می‌دهیدکه به چیزی نگاه می‌کند، چیزی راکه می‌بیند نشان می‌دهید، دوباره به مرد برمی‌گردید. می‌توان اورا وادارکرد تا به شیوه‌های متعدد واکنش نشان بدهد. متوجه می‌شویدکه می‌توان اورا وادارکرد تا به چیزی یا به چیزی دیگرنگاه‌کند بی‌آن‌که حرفی بزند می‌توان ذهن اورا درحین‌کار و عمل‌نشان دادکه چیزهارا مقایسه می‌کند - به هرترتیبی که خواسته باشید، آزادی‌کامل وجوددارد. باید بگویم که قدرت بُرش وگردآوری تصاویر، محدودیتی ندارد.

دراین جا، هیچکاک به ویژه می‌تواند دربارهٔ انتظارطولانی‌آغاز این سکانس، پس‌ازورودکاری‌گرانت با اتوبوس، صحبت کرده باشد. دراین‌جاست که هیچکاک ما را «گرفتارمی‌کند» - ازطریق‌تناوب ماهرانهٔ نماهای عینی وذهنی، زمان سنجی وروالی آنها، ریتم حوادث وواکنش به‌آنها، سکوت نامیمون وهراسناک بیابان، بیم قهرمان ازحوادث آتی وحالت‌های سردرگم او، وتمامی امکان‌های دیگر- وهمهٔ این‌ها راه را برای پذیرش ما ازحملهٔ وحشت‌انگیز هواپیما وانفجار بخش آخرسکانس، آماده می‌کند.

دراین جا، دوجنبهٔ دیگر هنرهیچکاک نیز آشکار می‌شود. درداخل هرنما، تصویر استیلیزه‌ای وجوددارد؛ موقعی‌که دستگاه نمایش فیلم را برای بررسی ونقاشی هرصحنه ازحرکت باز بداریم، معمولاً لحظهٔ «کاملی» وجود داردکه این‌کار باید انجام بشود، یعنی موقعی که هماهنگی‌ها یا ناهماهنگی‌های خطوط عمودی‌وافقی وزاویه‌ها کاملاً درست بنظر می‌رسند. هیچکاک هرگز ماهیت دوبُعدی فیلم و ماهیت‌کادر تصویر را از یاد نمی‌برد. «شما مستطیلی‌داریدکه باید پُرش کنید. [illegible] پُرش کنید. آن را بادقت راه‌بندی کنید.» از فضای مُرده باید پرهیز کرد. ایضیاح ساده کردن تصویری هیچکاک که احتمالاً به نخستین سال‌های فعالیتش درفیلم مربوط می‌شود موقعی که تیتراژ یا طرح‌هایی برای فیلم‌های صامت طراحی می‌کرد: هرگز به خاطر ریتم‌های زمانی تدوین «پُرتحرک»اش فدا نمی‌شود. این تأثیر و کنترل هنرمندانه‌ای داردکه وحشت ما را از بعد ولذت زیبایی‌شناسی درهم می‌آمیزد.

هیچکاک همچنین شیفتهٔ ذکرنکته‌ای دربارهٔ این سکانس است به عنوان نمونهٔ کامل وبرجسته‌ای برای «پرهیز از کلیشه». به جای این‌که کاری‌گرانت را به کوچه پس‌کوچه‌های تنگ وتاریک بفرستند تا درآن‌جا [illegible] هیچکاک اورا [illegible] فضای باز بیابان با چشم‌اندازی یکنواخت روانه می‌کند آن هم درروز روشن. وحشت حاصل، خیلی تکان‌دهنده‌تراست! حالت یکنواخت وکسالت‌آور است‌که به طور ناگهانی به صورت فضایی خطرناک درمی‌آید؛ انسان، حیوانی بدون محلی برای فرار وپناهگاه می‌شود. حالت عادی فضا، حالتی مرموز پیدا می‌کند وبالقوه وحشت‌آور می‌شود. البته حملهٔ هواپیما، ناراحت کننده‌است وحالت ویژه‌ای ازسوررئال به همراه می‌آورد، گواهی زنده از عالمی‌که دیوانه شده است. لیکن درهمین زمان، این تصاویر اغراق شده وپرهیز از کلیشه، ما را با لذت صحنه‌های اساسی تعقیب‌وگریز که جوهرفیلم‌های‌ابتدایی بود، آشنا می‌کند. به‌این ترتیب، سکانس وموضوع فیلم وروش تداوم آن، نوعی سینمای «ناب» است.

سکانس مزبور درخط داستانی فیلم، برخوردار ازنکته‌های ظریفی است. «اوامری سنت» کـه بنظر می‌رسیده است متحد ومتفق کاری‌گرانت باشد، لیکن معشوقهٔ مردی است‌که می‌خواهد کاری‌گرانت کشته بشود، دستورهایی‌دریافت می‌کند تا کاری‌گرانت‌را برای‌ملاقات آدمی به‌اسم «کاپلان» روانهٔ ایستگاه خلوت، و دور [illegible] کاری‌گرانت قبلاً به جای کاپلان اشتباه گرفته شده، به عنوان این‌که کاپلان‌است توسط مأموران دشمن ربوده می‌شود، درقتلی به عنوان کاپلان درگیر می‌شود وحالا، هم ازسوی کاپلان وهم ازسوی «خوده واقعی‌اش مورد تعقیب است او فکر می‌کندکه کاپلان پیدا خواهد شد وگره ازکارش خواهدگشود و اورا قادر به‌ترک خویش خواهدکرد. ما درافکار واندیشهٔ حیران وعصبی او دربارهٔ این‌که چه رخ خواهد داد، شریک می‌شویم لیکن به زودباوری و بلاهتش لبخند می‌زنیم، می‌دانیم‌که او درموقعیت خطرناک‌تری ازآنچه که تصورمی‌کند، قراردارد. ما می‌دانیم‌که «کاپلان»ی وجود ندارد. ما دیده‌ایم‌که چگونه اوامری سنت بـه کاری‌گرانت کمک می‌کند - با تلفن کردن با [illegible] لئونارده (مارتین‌لاندو) شیطانی وخشنت‌که چند اتاقک تلفن آنطرفتر دستورهایی برای فرستادن کاری‌گرانت به مسلخ مرگ به‌اوامری سنت می‌دهد. برای تشدید دلهرهٔ ما هیچکاک اجازهٔ شنیدن مکالمه ودسو [illegible] نمی‌دهد! درعوض، همدستی اوامری سنت ومارتین‌لاندو وخیانت اوامری سنت به‌کاری‌گرانت را بدوسیلهٔ حرکت افقی دوربین ازلانگ شات اتاقکی‌که اوامری سنت تلفن می‌کند به اتاقکی‌که مارتین لاندو، گوشی‌را برمی‌دار[illegible] تأکید می‌کند. به‌این ترتیب، ما دراشتباه واضطراب کاری‌گرانت شریک وسهیم [illegible] پیچیده‌تر وسرگیجه‌آورتر ([illegible] است‌که ما به طریقی [illegible] [illegible] لاندو را [illegible])



دقایق تصویری وجود دارد که امید است طرح‌های سادهٔ زیر آشکار کند. این انتظار، فقط انتظاری طولانی‌نیست وبالاخره هجوم خشونت‌بار هواپیما ما را دربرخواهد گرفت. هیچکاك درعوض مجموعه‌ای ازلحظه‌هـای اغفال‌کننده به ما نشان می‌دهد که معمولاً باکمدی درهم می‌آمیزد؛ درسراسر سکانس، دقت و زیرکی هیچکاك به‌طور برازنـده وجالبی با بازی عالی واغراق نشدهٔ کاری‌گرانت درتمامی صحنه‌ها، همراه می‌شود. ابتدا، درام وجود دارد: بخش طولانی وساکت آغاز، ظهور تدریجی اتومبیل‌ها (که‌کاپلان ممکن است دریکی از آنها باشد)، پایان چنین‌انتظارهایی همزمان باپاك‌کردن گرد وخاك چهرماش دراثر عبور اتومبیلی است‌که از پیش رویش می‌گذرد. این وضع با حالت تشدید شدهٔ دیگری دنبال می‌شود، مردی ازمزرعهٔ آن سوی جاده ظاهرمی‌شود، کاری‌گرانت به برانداز‌کردن این‌تازه‌وارد غیرمنتظره می‌پردازد، شات‌های تراکینگ دوگانـهٔ همزمان‌که نزدیك‌شدن‌کاری‌گرانت به مرد وواکنش‌های موجز وبی‌تفاوت مرد، تصور «کاپلان» بودن اورا رد می‌کند وآرامی آشکارش با حالت عصبی رو به تشدید کاری‌گرانت تفاوت دارد. مرد مزبور، ضمن این‌که سوار اتوبوس می‌شود، اظهارنظری می‌کند واین اظهار نظر اتفاقی او زمینه را برای حملهٔ اصلی هواپیما به کاری‌گرانت‌آماده می‌کند. «مسخره‌نیست‌که اون‌هواپیما داره جایی‌رو سمپاشی‌می‌کنه‌که محصولی‌وجود نداره». سپس با اتومبیل روانه می‌شود. آنگاه سکانس، حالت انفجاری پیدا می‌کند - درحرکت ودرفضا - ضمن این که هواپیما سردرعقب‌کاری‌گرانت می‌گذارد. تراکینگ شات ریورس وبسیار مشهور ازکاری‌گرانت درحال فرار ازهواپیمای درتعقیب، ما را ازداشتن هرگونه احساس ثابت ومداومی باز می‌دارد. آنگاه، بُرش‌فیلم سریع‌تر می‌شود - به‌ویژه درلحظه‌هایی که کاری‌گرانت دراثر برخورد احتمالی چرخ‌های هواپیما، ممکن است‌کشته بشود وسپس به‌وسیلهٔ کامیونی کـه بالاخره متوقف می‌شود، نجات می‌یابد.

هیچکاك حتی در وسط ترس و وحشت حاصل ازحملهٔ هواپیما، هرگزحالت‌کمیك را به طورکامل رها نمی‌کند. کاری‌گرانت‌که درمیان ساقه‌های ذرت مخفی شده بااین تصورکه تعقیب‌کنندگان خودرا اغفال‌کرده، تبسمی می‌کند وحتی برای لحظه‌ای بنظر می‌رسد‌که از این بازی لذت هم می‌برد؛ لیکن هواپیما با ابری از گاز سمی مراجعت می‌کند واورا مجبور به‌خروج از مخفی‌گاهش می‌کند. پس ازاین‌که هواپیما با کامیون برخورد می‌کند، راننده‌های کامیون درشرف انفجار، مثل شخصیت‌های آثار «مك سنت» به فاصله‌ای دور از کامیون فرارمی‌کنند. وهیچکاك این سکانس‌را با نمایی کمیك اززارعی لندوك پایان می‌دهد‌که بیهوده به دنبال کامیون‌کوچك خودکه‌کاری‌گرانت آن را دزدیده است، شروع به دویدن می‌کند - کامیون روی‌جادهٔ بی‌انتهایی که به‌همین شیوه درآغاز این سکانس دیدیم، پیش می‌رود وازچشم‌ها ناپدید می‌شود.

درحالی که این سکانس با حالتی کمیك پایان می‌پذیرد، حالت اساسی ترس وبیم، کمابیش ابقا و تشدید می‌شود. موسیقی عالی ودرخورتوجه «برنارد هرمن» که همزمان با انفجار هواپیما وکامیون شروع می‌شود، پایان ویژه‌ای را براین اپیزود حوادث رقم می‌زند. ما اینك می‌دانیم که‌کاری‌گرانت ازخطر جسته واحساس آرامش وراحتی می‌کنیم؛ بنظر می‌رسد کـه موسیقی، مراحل انفجار، تأثیرکلی اپیزود حوادث، وپایان ریتمیك آن را تأکید می‌کند. لیکن موسیقی نیز دارای حالتی عصبی وهیجانی است وتأثیر تصاویر را تشدیدمی‌کند. هیچکاك اجازه می‌دهد تاترس‌ووحشت

آسوده [illegible] تماشاگر وناظر مجموعه‌ای از نماهای طولانی واستیلیزه باشیم که دران‌ها، تحرك وحادثه کمی -به جزسوختن هواپیما وکامیون- وجود دارد (ما این‌صحنه را ازکناردست به‌کمرزده شدهٔ زارع می‌بینیم؛ آنگاه پشت سر ناظران حادثـه نشان داده می‌شود). حرکت‌های کاری‌گرانت، آهسته وبه‌دقت‌کنترل شده‌اند. فرارش درضمن این‌که کامیونی درپشت سرش منفجر می‌شود، حالت وتأثیری - البته اندکی - مثل حرکت اسلوموشن را دارد شاید به‌این خاطرکـه موسیقی، هرگونه احساس حادثه وحرکت فردی یا انفجار را زیر تسلط خود می‌گیرد.

چند لحظه بعد، او پشت سر ناظران حادثه قرار می‌گیرد واحساسی‌ازتوازن‌حرکت‌وجوددارد. دگربار، او درکنترل است لیکن فیلم را به حادثهٔ تازه‌ای سوق می‌دهد، چراکه‌کامیونی سرقت می‌کند و با سرعت دور می‌شود. علی‌رغم‌آرامشی‌که احساس‌می‌کنیم، صحنه‌هایی ازآتش سوزی هواپیما وکامیون وحوادث بعدی دراین سکانس وجود دارد.

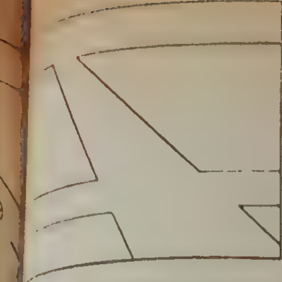
درطرح‌هایی‌که به دنبال می‌آید، تأثیر تدوین و ریتم‌های بصری را می‌توان به سادگی با نگاهی به‌آنها دریافت. ارقامی‌که درانتهای نوشته‌های زیر تصاویر آمده، طول زمانی هرنما را خاطرنشان می‌کند. زمانی که «الف» یا «ب» به دنبال شمارهٔ نمایی آورده می‌شود به معنای این است‌که همان نماست لیکن ازآن جاکه حادثهٔ تازه‌ای درآن نما رخ می‌دهد‌که به دوتصویر یا بیشتر نیـاز دارد. البته، این عمل بیشتر درمورد حرکت‌های «تراك» یا «پن» دوربین اجرا شده‌است، لیکن‌گهگاه درمورد نماهایی هم‌کـه دوربین درآنها حرکتی نکرده، مورد استفاده قرارگرفته است.

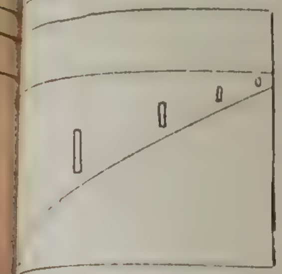
به‌این‌ترتیب، درك بیشتری ازشالودهٔ هنرهیچکاك خواهیم داشت وارزش واحترام بیشتری برایش قایل خواهیم شد. هیچکاك هنرمند بزرگ تصویر وتصویر-پردازی است‌که‌کارش نیازی به مدافعه ندارد. با نگاهی به‌فیلم، به‌تناسب‌کامل‌بازیگری، زمان‌سنجی، ایراد وبیان دیالوگ، وواکنش‌های‌کاری‌گرانت درریتم‌های تدوین هیچکاك آشنا می‌شویم. واینك نگاهی به سکانس‌تعقیب با هواپیما ازفیلم «شمال ازشمالغربی»:

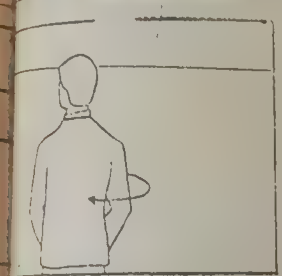
علامات اختصاری

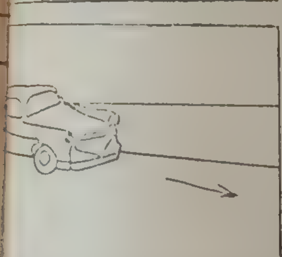
نمای خیلی دور	E. L. S
نمای دور	L. S.
نمای متوسط	M. S.
نمای نزدیك	C. U.
نقطه دید	P. O. V.











E.L.S. - ۱

نمایی هوایی. دیزالو ازایستگاه ...
نمای چهـرهٔ اوامری سنت، در حینی ...
می‌گوید تا هرچه زودتر ازپلیس بگر...
متروك وخلوت دربیابان، جایی‌که قرار ...
ملاقات‌کند. اتوبوس را می‌بینیم وصدا...
که درها باز می‌شود.

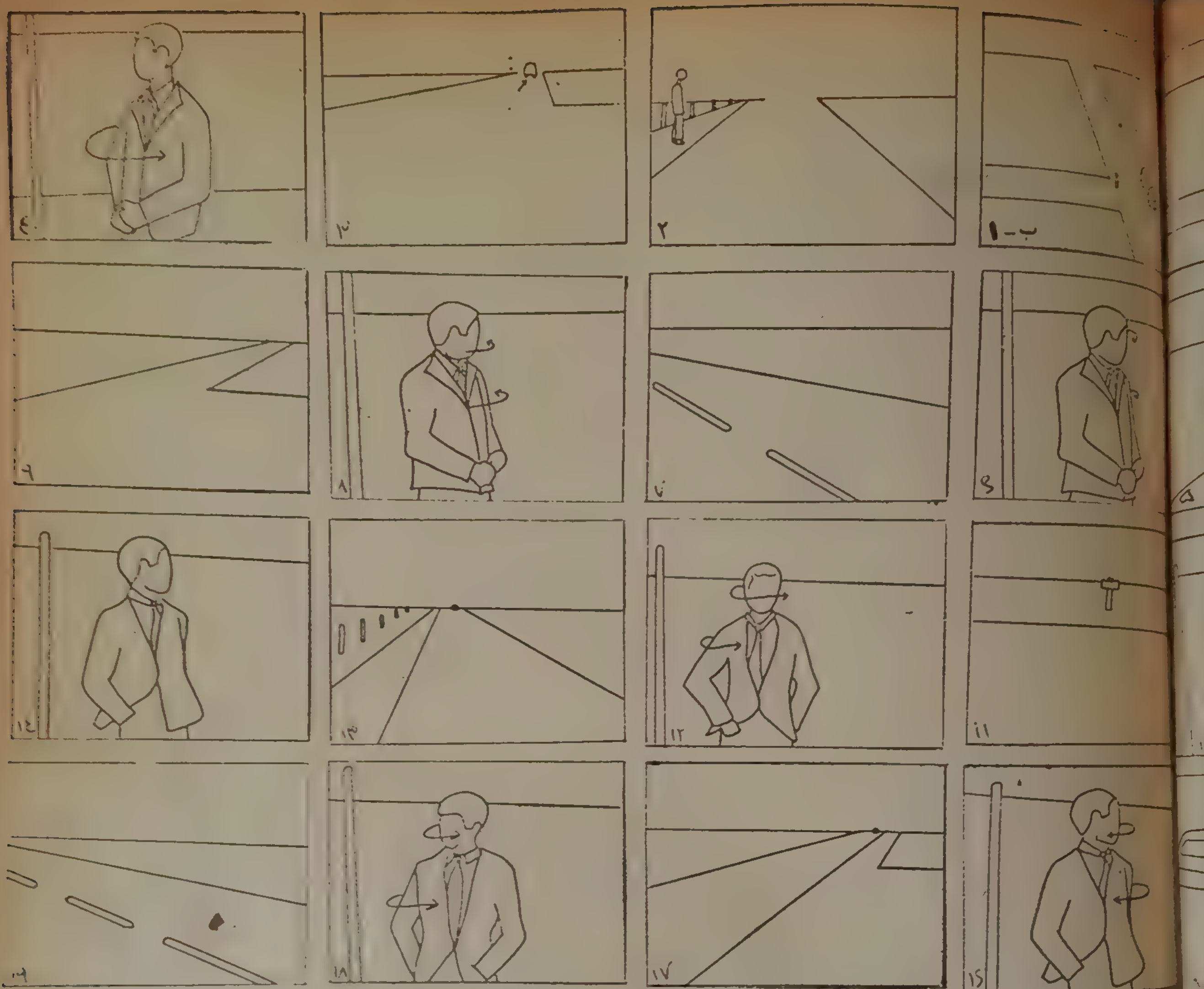
۱ - ب - تورنهیل نمایان می‌شود، ...
می‌کند. او تنها است. (۵۳).

L.S. - ۲

زاویهٔ پایین به بالا. تورنهیل درکنـار ...
منتظراست. (۵).

E.L.S., P.O.V. - ۳

منظره‌ای ازجاده، اتوبوس دردوردست‌ها پیش ...
می‌رود. (٤).



M.S. - ٤
تورنهیل نزدیک تابلو، ازچپ به راست می‌چرخد، درجستوجوی‌کسی است . (۳½) .

L.S., P.O.V. - ٥
منظره‌ای ازآنسوی جاده ، زمین‌هـای خالی با ستون‌های متعدد .

M.S. - ٦
تورنهیل درکنارتابلو ، ازراست به‌چپ می‌چرخد ، نگاه می‌کند. (۳) .

L.S., P.O.V. - ۷
منظره‌ای ازبیابان وجاده . (٤) .

M.S. - ۸
تورنهیل درکنارتابلو، درانتظار، سررا می‌چرخاند وبه پشت سر خود نگاه می‌کند. (۳) .

E.L.S., P.O.V. - ۹
بیابان پشت سرش ، جاده . (٤) .

M.S. - ۱۰
تورنهیل درکنارتابلو، درانتظار، به‌جلو می‌چرخد، احساسی ازانتظار طولانی . (٦½) .

E.L.S. - ۱۱
چشم‌انداز خالی درآنسوی جاده ، تابلوها ، تیر چوبی . (۳) .

M.S. - ۱۲
تورنهیل درکنار تیرچوبی . به راست می‌چرخد . (۲) .

E.L.S. - ۱۳
جادهٔ اصلی خالی است ، اتومبیلی ازدور، نزدیک می‌شود . (٤)

M.S. - ۱٤
تورنهیل درکنار تیرچوبی، به اتومبیلی‌که نزدیک می‌شود ، نگاه می‌کند . (٤½) .

L.S. - ۱٥
اتومبیلی با سرعت عبورمی‌کند با صدایی‌که حاکی ازسرعت‌است، دوربین‌کمی به راست پن‌می‌کند. (۱½) .

M.S. - ۱٦
تورنهیل درکنارتیرچوبی به چپ وبه عقب حرکت می‌کند ، اتومبیل را با چشم دنبال می‌کند . (۲) .

E.L.S., P.O.V. - ۱۷
جاده ، اتومبیل‌که دور می‌شود ، صدایی‌که محو می‌شود . (٤) .

M.S. - ۱۸
تورنهیل درکنار تیرچوبی ، دستها درجیب ، از چپ به راست می‌چرخد . (۳) .

L.S., P.O.V. - ۱۹
مجدداً منظره‌ای ازآنسوی جاده . (۳)

M.S. - ۲۰
تورنهیل درکنارتابلو ، همان ... نگاه می‌کند ، ازراست به چپ ...



E.L.S. - ۳۱

جاده . اتومبیلی در دوردست . صداها شروع می‌شود . (۳½) .

M.S. - ۳۲

تورنیل درکنار تیرچوبی . به اتومبیل نگاه می‌کند ، بی‌حرکت . (۳½) .

E.L.S. - ۳۳

اتومبیل نزدیک‌تر می‌شود . صدای موتور افزایش می‌یابد . (۳½) .

M.S. - ۳۴

تورنیل درکنار تیرچوبی . به اتومبیلی که نزدیک می‌شود ، نگاه می‌کند . (۳) .

L.S. - ۳۵

اتومبیل نزدیک‌تر می‌شود . با سرعت می‌گذرد . دوربین کمی پن می‌کند تا آن را دنبال کند . (۳) .

M.S. - ۳۶

تورنیل درکنار تیرچوبی . دست‌ها را ازجیب درمی‌آورد ، برای تعقیب اتومبیل ازچپ به راست می‌چرخد . (۳) .

E.L.S. - ۳۷

منظره‌ای از جاده . اتومبیل [illegible] به تدریج دورتر می‌شود . (۳½) .

M.S. - ۳۸

تورنیل درکنار تیرچوبی [illegible] است . (۳½) .

E.L.S. - ۳۹

جاده . [illegible] را [illegible] .

M.S. - ۴۰

تورنیل درکنار [illegible] شدیدتر می‌شود . (۳) .

E.L.S. - ۴۱

[illegible] شدیدتر می‌شود . (۳) .



E.L.S. - ۳۷

اتومبیل درجاده خاکی چرخی می‌زند. (٤).

M.S. - ۳۸

تورنهیل درانتظار اتومبیل. (۳½).

L.S. - ۳۹

اتومبیل درنزدیك جاده اصلی. دوربین حرکت آن را دنبال می‌کند. تابلویی درآنجاست. (٤).

M.S. - ٤۰

تورنهیل درانتظار این است که چه رخ خوهد داد. (۳½).

L.S. - ٤۱

مردی ازاتومبیل خارج می‌شود با راننده صحبت می‌کند. صدای بسته شدن در اتومبیل شنیده می‌شود. (۳½).

M.S. - ٤۲

تورنهیل واکنش نشان می‌دهد. حیران است، آمادهٔ ملاقات این مرد می‌شود. (۲).

L.S. - ٤۳

صدای اتومبیل که دور می‌زند، گرد وخاك بلند می‌شود، اتومبیل دورمی‌زند ومرد به سوی جادهٔ اصلی، رو به روی تورنهیل، می‌رود ونگاهی به عقب، به اتومبیلی‌که دور می‌شود، می‌اندازد. (۱ ٤/٥).

M.S. - ٤٤

تورنهیل، نزدیکتر ازنماهای‌قبل، مرد را زیرنظر دارد. (۱½).

L.S. - ٤٥

دوربین‌کمی به راست پن می‌کند؛ مرد به‌کنارتابلو می‌رود وسرش را برای‌دیدن جاده می‌چرخاند ونگاهی به سوی تورنهیل می‌کند. (٤½).

M.S. - ٤٦

مثل نمای ٤٥. واکنش تورنهیل، سرش را می‌چرخاند وبه‌آن سوی جاده نگاه می‌کند. (۳ ٤/٥).

L.S. - ٤۷

زاویه پایین به بالا.

جاده دروسط تصویر دیده می‌شودکه تا افق ادامه دارد، دومرد به‌طورغریبی دردوسوی جاده جاگرفته‌اند، مرد دیگرکمی به بالای جاده نگاه می‌کند. (۷).

M.S. - ٤۸

واکنش تورنهیل، دست‌ها را ازجیب درمی‌آورد، کتش را باز می‌کند، دست‌ها را به‌کمر می‌زند، موقعیت را بررسی می‌کند. (٦½).

L.S. - ٤۹

مثل نمای ٤٥، فقط مرد دیده می‌شودکه سر را می‌چرخاند وبه سوی دیگر نگاه می‌کند. (۳½).

M.S. - ٥۰

مثل نمای ٤۸، لیکن تورنهیل حالا دو دست را برکمرزده، مستقیم نگاه می‌کند. سررا به بالای جـ می‌چرخاند ببیندکه آیاکسی می‌آید؛ به سوی دیگر نگاه می‌کند، به مرد نگاه می‌کند

٥۰ - ب - شروع به رقص ...حو می‌سود. می‌کند. (۱۰).



۵۱ — L.S. P.O.V.

مرد در آنسوی جاده. همچنان که تورنهیل پیش می‌آید، [illegible] (۳۶).

۵۲ — M.S.

تورنهیل به آنسوی جاده روان است، حرکت همراه [illegible] و [illegible] حرکت که در نماهای ۵۰ به [illegible] آغاز شده بود.

۵۳ — L.S. P.O.V.

مثل نماهای ۴۹ و ۵۱، مرد دیگر در آنسوی جاده دیده می‌شود، [illegible] به همراه جنبه تورنهیل نزدیک می‌شود. حرکتی که از ۵۰ [illegible] شروع شده بود، ادامه دارد.

۵۴ — M.S.

تورنهیل در سمت دیگر جاده، [illegible]، حرکت می‌کند [illegible] نماهای ۵۰ و ۵۲ را ادامه [illegible] ادامه می‌دهد [illegible] دیگر در آنسوی جاده [illegible] تورنهیل [illegible]

لرزان است؛ با انگشت کوچک دستش بازی می‌کند؛ دیگری دستهایش را در جیب کرده. تورنهیل (پس از وقفه‌ای طولانی): سلام! (مکثی طولانی) روز داغیه. (مکثی دیگر).

مرد: [illegible] هم [illegible]!

تورنهیل: آیا شما ... ا ... اتفاقاً در انتظار [illegible] کسی، در اینجا هستید؟

مرد: منتظر اتوبوسم. هر لحظه ممکنه پیداش بشه.

تورنهیل: آهان! (مکثی دیگر).

مرد: بعضی از اون خلبون‌های سمپاش پولدار میشن، البته اگه [illegible]. (۲۱ ثانیه).

۵۵ — F.L.S.

[illegible] و دیوارهای دوردست [illegible] هواپیمایی از دوردست [illegible] (۳½).

۵۶ — M.S.

[illegible] که به هواپیما نگاه می‌کند.

تورنهیل: چی، اسم شما [illegible].

مرد: (نگاهی به او می‌کند) نمی‌تونم بگم که هست.

واسه این که نیست.

(مکث). عجب، مثل این که داره [illegible] (به سوی جاده نگاه می‌کند). (۱۱)

۵۷ — F.L.S.

اتوبوس در جاده پیش می‌آید.

مرد: درست سر موقع. (۳½)

۵۸ — M.S.

مثل نمای ۵۶، دونفری [illegible] به آنسوی جاده به هواپیمای سمپاش نگاه [illegible]

مرد: مسخره است.

تورنهیل: (به آرامی) چی؟

مرد: هواپیما داره جایی رو [illegible] محصولی وجود نداره.

تورنهیل [illegible]

۵۹ — F.L.S.

مثل نمای ۵۵، منظره [illegible] برفراز آن. (۴).



۶۰ - M.S.

دومرد در کنار کادر تصویر به هواپیما نگاه می‌کنند. دست‌های تورنهیل به حرکت عصبی خود ادامه می‌دهد؛ دست‌های مرد دیگر مثل قبل در جیب‌هایش است. صدای نزدیک شدن اتوبوس (۳½).

۶۱ - L.S.

اتوبوس می‌رسد و کاملاً نزدیک دوربین متوقف می‌شود. (۱⁴/۰).

۶۲ - M.S.

مرد سوار می‌شود و در اتوبوس نیز بسته می‌شود، به نظر می‌رسد که تورنهیل را از سوارشدن باز می‌دارد. اتوبوس به راه می‌افتد.

۶۳ ب - تورنهیل دست‌ها را به کمر می‌زند و مستقیم نگاه می‌کند. سپس به ساعتش نگاه می‌کند.

برای لحظه‌ای در کادر فیلم، تنها می‌شود درضمن این‌که اتوبوس دور و از نظر محو می‌شود. (۲۳½).

۶۳ - E.L.S., P.O.V.

مثل نمای ۵۹، چیزی را که تورنهیل در آن‌سوی جاده می‌بیند؛ هواپیما به لبهٔ کادر تصویر می‌رود و به راست می‌چرخد به سوی او می‌آید. (۵¹/۰).

۶٤ - M.S.

تورنهیل در کنار جاده، حیران است و قیافه‌ای معصوم دارد؛ صدای نزدیک شدن هواپیما به‌گوش می‌رسد. (۲½).

٦٥ - E.L.S.

هواپیما به سوی دوربین می‌آید، هنوز هم دور است، لیکن نزدیکتر می‌شود و صدایش هم افزایش می‌یابد. (۳).

٦٦ - M.S.

مثل نمای ٦٤، تورنهیل واکنش نشان می‌دهد. (۲¼).

٦٧ - E.L.S.

مثل نمای ٦٥، لیکن هواپیما نزدیکتر و صدایش بلندتر شده است. (۲⅛).

٦٨ - M.S.

نمایی بسته‌تر از تورنهیل، هنوز حیران و سردرگم است درحینی که هواپیما به سوی او می‌آید. (٤½).

٦٩ - L.S.

هواپیما آشکارا به سوی او می‌آید، وسط کادر تصویر را پُر می‌کند، صدای بلند هواپیما. (۱½).

۷۰ - M.S.

تورنهیل خم می‌شود، زمان این نما کوتاه است، تورنهیل در پایین کادر از تصویر خارج می‌شود. (½).

۷۱ - L.S.

تورنهیل خودرا روی زمین پرت می‌کند، هردو دست روی زمین، هواپیما پشت سرش، پیش می‌آید. (۳½).

۷۲ - L.S.

هواپیما از روی سرش می‌گذرد و دور می‌شود. (۳).

۷۳ - L.S.

تورنهیل از روی زمین بلند می‌شود، روی زانوی چپش قرار می‌گیرد. (۳½).

۷٤ - E.L.S.

هواپیما دورتر می‌رود و صدا کمی محو می‌شود. (۲⁴/۰).



۷۵ - L.S.

نورهیل [illegible]

۷۶ - E.L.S.

هواپیما در دوردست ، دور می‌شود . (۴½) .

۷۷ - M.S.

نورهیل روی [illegible]

۷۸ - L.S.

هواپیما بار دیگر [illegible] می‌شود ، صدای موتورش [illegible]

۷۹ - M.S.

نورهیل [illegible] می‌کند [illegible]

۸۰ - L.S.

نورهیل [illegible] صدای هواپیما [illegible] که [illegible] می‌شود [illegible] می‌چرخاند [illegible] می‌کند تا موقعی که هواپیما [illegible]

۸۱ - L.S.

هواپیما بار دیگر [illegible] می‌شود [illegible] (۲½) .

۸۲ - M.S.

نورهیل در گودال بلند می‌شود ، روی دست چپ برمی‌خیزد ، صدای هواپیما از دور. (۲½) .

۸۳ - E.L.S. P.O.V.

منظرهٔ جاده که نورهیل می‌بیند ، اتوموبیلی در دوردست دیده می‌شود. (۲½)

۸۴ - M.S.

مثل نمای ۸۲ ، نورهیل از گودال برمی‌خیزد . صدای [illegible] هواپیما (۱½)

۸۵ - L.S.

زاویه پایین به بالا

نورهیل به سوی جاده می‌دود ، می‌خواهد اتوموبیل را متوقف کند .

۸۵ ب - نورهیل می‌کوشد تا با علامت دست ، اتوموبیل را متوقف کند [illegible] اتوموبیل که [illegible] پیش می‌آید (۲½) .

۸۶ - M.S.

پشت نورهیل ، پس از چرخش به سمت چپ در حینی که اتوموبیل از کنارش عبور می‌کند (۴½) .

۸۷ - E.L.S.

هواپیما در دوردست ، صدای موتور هواپیما بار دیگر به گوش می‌رسد. (۲½)

۸۸ - L.S.

پشت نورهیل . هواپیما در سمت [illegible] قرار دارد و به سوی او پیش می‌[illegible]

۸۸ - ب L.S.

نورهیل به هواپیما نگاه می‌[illegible] در جستجوی جایی برای پنهان شدن [illegible] به هواپیما نگاه می‌کند [illegible] می‌دود [illegible] به سمت [illegible] می‌رود

۸۸ ت - نورهیل در حالی‌که [illegible] به سمت [illegible] می‌رود . در حالی که می‌دود [illegible] می‌کند . هواپیما را به دنبال خود [illegible] فاصلهٔ [illegible] از بالای سرش [illegible]

۸۹ - M.S.

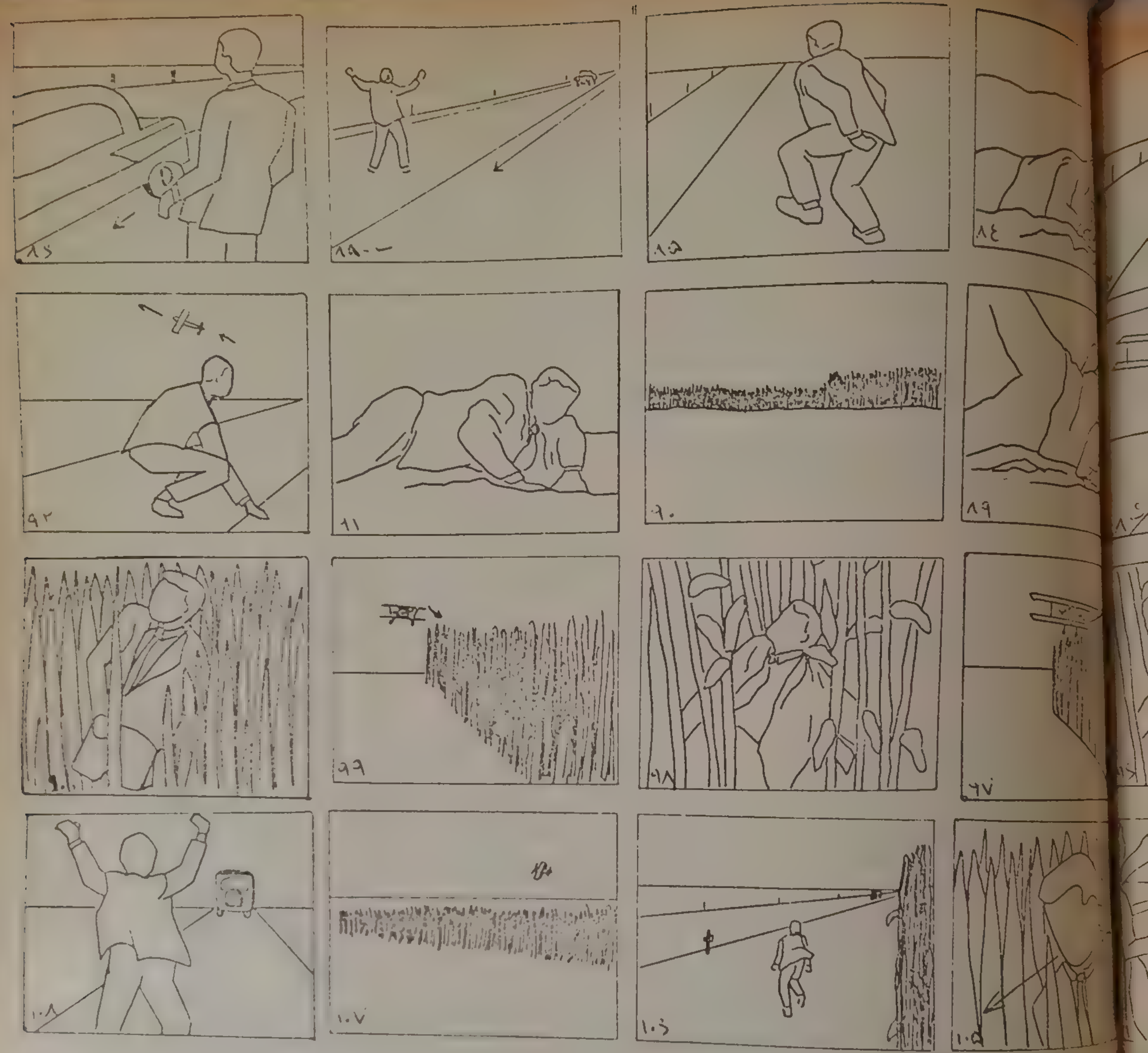
نورهیل روی زمین می‌افتد [illegible] ، پاها بالا ، صدای هواپیما شنیده [illegible]

۹۰ - L.S. P.O.V.

مزرعهٔ ذرت ، مکانی برای مخفی شدن

۹۱ - M.S.

نورهیل روی زمین دراز کشیده ، [illegible] (۱½) .



L.S.
ـنهیل برمی‌خیزد ، هواپیما مجدداً دور می‌زند
ـحلهٔ دیگری می‌شود . (۳) .
M.S.
ـرنهیل درحالی‌که می‌دود ، چرخی می‌زند تا
ـهواپیماکند ، دوربین با او حرکت می‌کند ،
ـکه به سوی مزرعهٔ ذرت پیش می‌رود . (۴½) .
L.S.
ـاویهٔ پایین به بالا .
ـب تورنهیل ، ضمن این‌که به داخل ساقه‌های
ـمی‌رود : زاویهٔ دوربین ، زمین زیادی را نشان
ـاو درمیان ذرت‌ها مخفی می‌شود . (۳¾) .
L.S.
ـصویری‌ازساقه‌های ذرت ومزرعه ؛ وضعیت‌قسمتی
ـها، مخفیگاه تورنهیل‌را آشکارمی‌کند، ذرت‌های
ـمی‌کنند . (۲) .
M.S.
ـدوربین ، تورنهیل را دنبال‌می‌کندکه خودرا روی
ـمی‌اندازد. تورنهیل چرخی می‌زند تا ببیند آیا
ـها نزدیک می‌شود . ساقهٔ ذرت به پایین می‌افتد ؛
ـس به پایین وبالا نگاه می‌کند . (۷¾) .

L.S. – ۹۷
هواپیما درکنارهٔ مزرعهٔ ذرت پیش‌می‌آید وازروی آن می‌گذرد ؛ صدایش خیلی بلند می‌شود . (۴½) .

M.S. – ۹۸
مثل نمای ۹۶ ، ذرت صدا می‌کند ؛ باد هواپیما ساقه‌ها را به حرکت درمی‌آورد . تورنهیل می‌بیندکه ازخطرجسته است ، احساس می‌کندکه تعقیب‌کنندگان را اغفال‌کرده است . (۱۵ ۲/۵) .

L.S. – ۹۹
هواپیما درکنارهٔ مزرعه پیش می‌آید ، مثل نمای ۹۷ ؛ صدایش بلندتر شنیده می‌شود . (۳½) .

M.S. – ۱۰۰
مثل نماهای ۹۶ و ۹۸ ، تورنهیل‌درمیان ساقه‌های ذرت، ازجا برمی‌خیزد، به دوروبرنگاه می‌کند، ناگهان متوجه هواپیما می‌شودکه‌کار تازه‌ای می‌کند ؛ حیران می‌شود ، هواپیما مجدداً پیش می‌آید . (۴ ۴/۵) .

L.S. – ۱۰۱
هواپیما برفراز مزرعهٔ ذرت ، تکرار نمای ۹۷ ، فقط ابری ازآن خارج می‌شود ؛ هواپیما به دوربین نزدیکتر می‌شود . (۷) .

M.S. – ۱۰۲
مثل نماهای ۹۶ ، ۹۸ و ۱۰۰ ، واکنش تورنهیل به ابری‌که ازهواپیما خارج می‌شود وفضای پرده را پُر می‌کند ، او سرفه می‌کند ، دستمال خودرا درمی‌آورد ، دوربین اورا دنبال می‌کند ضمن این‌که او خودرا بالا وپایین می‌کند ؛ صدای سرفه . (۱۲½) .

M.S. – ۱۰۳
تورنهیل درمیان ساقه‌های ذرت ، تصویری تازه : به سوی دوربین می‌دود ، می‌کوشد ازمیان ذرت‌ها خارج شود ؛ صدای برخورد ساقه‌های ذرت ؛ به خارج ازمزرعهٔ ذرت نگاه می‌کند . (۴½) .

E.L.S., P.O.V. – ۱۰۴
منظره‌ای ازخارج ازمزرعهٔ ذرت ، منظرهٔ جاده‌که ازلابلای‌ذرت‌ها دیده می‌شود؛ نقطهٔ کوچکی‌که درفاصلهٔ دور روی جاده دیده می‌شود ، کامیون است . (۳¾) .

M.S. – ۱۰۵
تورنهیل درمیان ساقه‌های ذرت ، لیکن تـ
نمی‌خورد ؛ سپس به جلو راه می‌افتد ، به سوی
نگاه می‌کند ، به سرعت به سوی
می‌دود ؛ ازکادر تصویر خارج می‌شود ، البته برای لحظه‌ای درپایان این نما . (۳½)



L.S. - ۷۵

تورنهیل برپا می‌ایستد. (۳/۴).

E.L.S. - ۷۶

هواپیما در دوردست، دور می‌زند. (۳½).

M.S. - ۷۷

تورنهیل روی پا و درشرف دویدن وفرار. (۳½).

L.S. - ۷۸

هواپیما باردیگر نزدیک می‌شود، صدای موتورش قطع می‌شود. (۳).

M.S. - ۷۹

تورنهیل فرار می‌کند وخودرا به داخل گودالی پرت می‌کند. (۱½).

L.S. - ۸۰

تورنهیل درگودال، صدای هواپیما وگلوله‌هایی که به سوی او شلیک می‌شود. دود؛ سررا به چپ می‌چرخاند و رو به دوربین می‌کند. تا موقعی که هواپیما دور می‌شود آن را ببیند. (۵½).

L.S. - ۸۱

هواپیما باردیگرآمادهٔ حمله می‌شود. دور می‌زند.

M.S. - ۸۲

تورنهیل درگودال بلند می‌شود، روی دست چپ برمی‌خیزد، صدای هواپیما ازدور. (۳½).

E.L.S., P.O.V. - ۸۳

منظرهٔ جاده‌که تورنهیل می‌بیند، اتومبیلی در دوردست دیده می‌شود. (۲½).

M.S. - ۸٤

مثل نمای ۸۲، تورنهیل ازگودال برمی‌خیزد، صدای دورشدن هواپیما. (۱½).

L.S. - ۸۵

زاویه پایین به‌بالا.

۱ تورنهیل به سوی‌جاده می‌رود، می‌خواهداتومبیل را متوقف‌کند.

۸۵ ب - تورنهیل می‌کوشد تا با علامت دست، اتومبیل را متوقف‌کند. صدای نزدیک شدن اتومبیل‌که باسرعت پیش می‌آید. (۹½)

M.S. - ۸۶

پشت تورنهیل [illegible] ازچرخ [illegible] در حینی‌که اتومبیل از [illegible]

E.L.S. - ۸۷

هواپیما در [illegible]

باردیگر به‌گوش می‌رسد. (۲½).

L.S. - ۸۸

پشت تورنهیل. هواپیما درسمت چپ [illegible] قرار دارد وبه سوی او پیش می‌آید.

۸۸ - ب L.S.

تورنهیل به هواپیما نگاه می‌کند، چرخی می‌زند [illegible] درجست‌وجوی جایی برای پنهان شدن اس[illegible] به هواپیمانگاه می‌کند، چرخی‌می‌زند وبه س[illegible] می‌دود. دوربین به عقب می‌رود.

۸۸ ث - تورنهیل درحال‌دویدن به سوی [illegible] به عقب می‌رود. درحالی‌که می‌دود دوبار به [illegible] می‌کند، هواپیما را به دنبال خود می‌بیند؛ هواپیما [illegible] فاصلهٔ بسیارکمی ازبالای سرش می‌گذرد. (۳½)

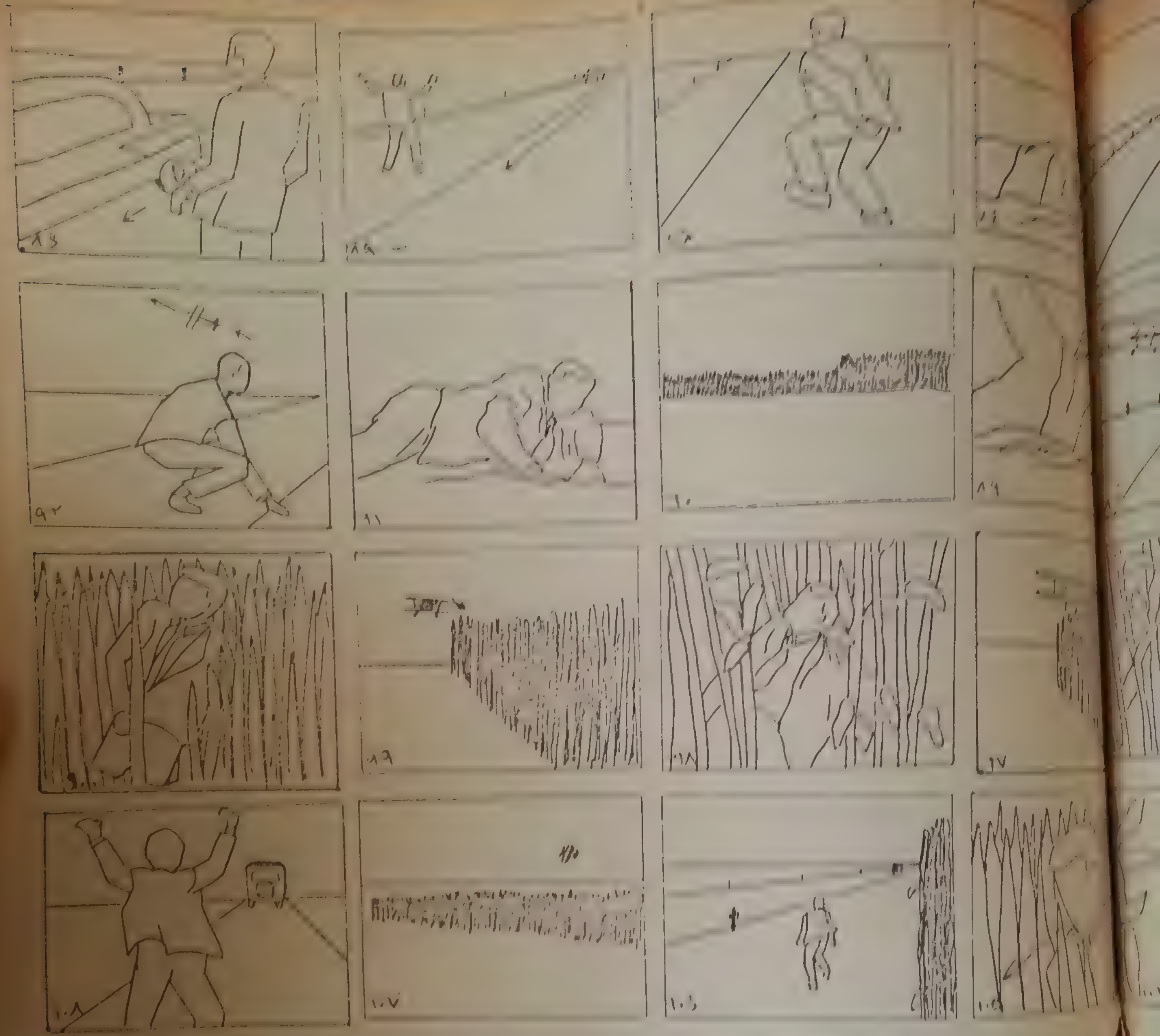
M.S. - ۸۹

تورنهیل روی زمین می‌افتد، زاویهٔ دوربین کناراست، پاها بالا، صدای‌هواپیماوشلیک گلوله. (۵

L.S., P.O.V. - ۹۰

مزرعهٔ ذرت، مکانی برای مخفی شدن. (۲½)

M[illegible] - ۹۱



L.S.

... نورنهیل برمی‌خیزد ، هواپیما مجدداً دور می‌زند ... [illegible] دیگری می‌شود . (۳) .

M.S.

نورنهیل درحالی‌که [illegible] ، چرخی می‌زند [illegible] ... (۴½) .

L.S.

... پایین به بالا .

... نورنهیل ، ضمن این‌که به داخل ساقه‌های ... [illegible] زاویهٔ دوربین ، زمین زیادی را نشان ... درمیان ذرت‌ها مخفی می‌شود . (۳½) .

L.S.

[illegible] ... (۱)

M.S.

... نورنهیل را دنبال می‌کند که خودرا روی ... چرخی می‌زند تا ببیند آیا ... ساقهٔ ذرت به پایین می‌افتد ! ... نگاه می‌کند . (۷½) .

۹۷ - L.S.

هواپیما در [illegible] مزرعهٔ ذرت [illegible] وارد ... آن می‌گذرد ؛ صدایش خیلی بلند می‌شود . (۴½) .

۹۸ - M.S.

مثل نمای ۹۶ ، [illegible] ... هواپیما ساقه‌ها را به حرکت درمی‌آورد . نورنهیل [illegible] ... احساس می‌کند که [illegible] ... را اشغال کرده است . (۱۵½) .

۹۹ - L.S.

هواپیما در کنارهٔ مزرعه پیش می‌آید ، مثل نمای ۹۷ ؛ صدایش بلندتر شنیده می‌شود . (۳½) .

۱۰۰ - M.S.

مثل نماهای ۹۶ و ۹۸ ، نورنهیل میان ساقه‌های ذرت [illegible] ... می‌شود ، هواپیما مجدداً پیش می‌آید . (۴½) .

۱۰۱ - L.S.

هواپیما برفراز مزرعهٔ ذرت ، تکرار نمای ۹۷ ، فقط ابری ازآن خارج می‌شود ؛ هواپیما به دوربین نزدیکتر می‌شود . (۷) .

۱۰۲ M.S.

مثل نماهای ۹۶ ، ۹۸ و ۱۰۰ ، واکنش نورنهیل به ابری که ازهواپیما خارج می‌شود وفضای برش را پر می‌کند . او سرفه می‌کند ، دستمال خودرا درمی‌آورد ، [illegible] ... او که او خودرا بالا [illegible] ؛ صدای سرفه . (۱۳½) .

۱۰۳ M.S.

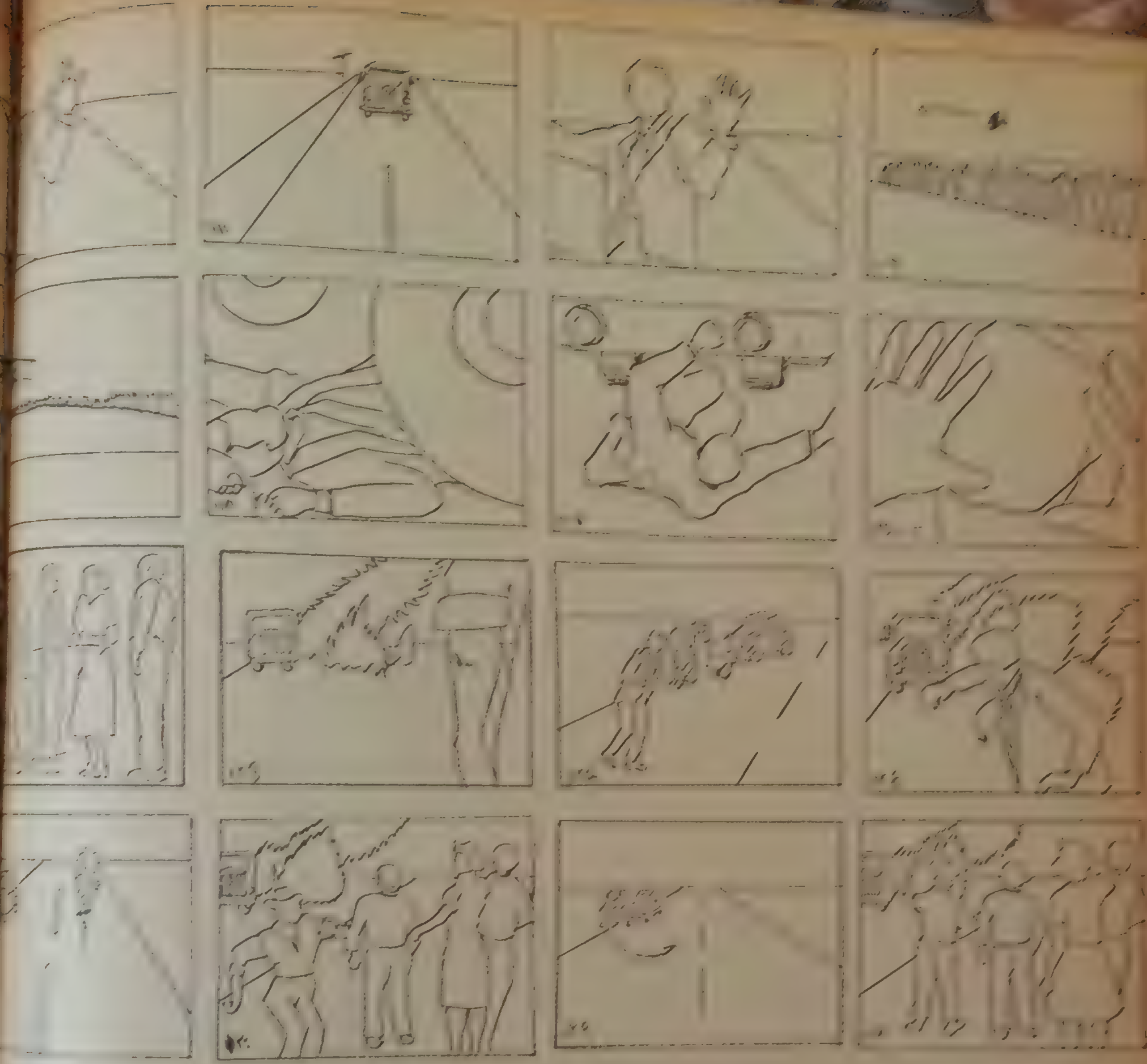
نورنهیل درمیان ساقه‌های ذرت ، تصویری تاره ؛ [illegible] ... می‌کوشد ازمیان ذرت‌ها خارج شود [illegible] ... (۴½) .

۱۰۴ L.L.S. POV

[illegible] ... جادهٔ ... که [illegible] ... کوچکی که درفاصلهٔ [illegible] ... (۲½) .

۱۰۵ M.S.

نورنهیل [illegible] ساقه‌های ذرت [illegible] ... (۳½) .



[illegible]

تورنهیل به سوی کامیون می‌دود [illegible]
[illegible] کامیون [illegible]
می‌شود ؛ صدای موتور کامیون . (۴) .

۱۰۷ – [illegible]

هواپیما روی غرفه‌ها نوری می‌زند ، آمادهٔ حمله به سوی او می‌شود ؛ صدای موتور هواپیما [illegible]
کامیون . (۲) .

L.S. – [illegible]

[illegible]

تورنهیل [illegible] کامیون [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۰۷ هواپیما [illegible]

[illegible]

تورنهیل [illegible] با کامیون [illegible] (۲)

L.S. – [illegible]

کامیون [illegible] (۲)

M.S. – ۱۱۲

[illegible] ۱۱۰ [illegible]
[illegible] می‌شود . [illegible]
دست را بالا می‌برد ، [illegible] (۱) .

L.S. – ۱۱۳

کامیون بازهم نزدیک‌تر شده ، در حدود [illegible] (۱) .

M.S. – ۱۱۴

[illegible]
ناراحت و عصبی ، دست‌هایش را تکان می‌دهد . (۱) .

C.U. – ۱۱۵

پنجرهٔ مشبک جلوی کامیون ، ضمن این‌که در شرف توقف است ؛ صدای زوزهٔ ترمزها . (۱) .

C.U. – ۱۱۶

چهرهٔ تورنهیل در وحشت از این‌که ممکن است با کامیون برخورد کند .
[illegible] دست‌هایش را بالا می‌آورد و سرش را به پایین می‌برد .

L.S. – ۱۱۷

تورنهیل زیر کامیون می‌افتد [illegible] (۱)

M.S. – ۱۱۸

تورنهیل زیر کامیون ، زاویه از کنار [illegible]

L.S. – ۱۱۹

زاویهٔ پایین به بالا .
هواپیما به سوی کامیون می‌آید [illegible] دوربین می‌آید) . (۱۴) .

L.S. – ۱۲۰

هواپیما با کامیون برخورد می‌کند [illegible] دیگر جاده . (۱) .

L.S. – ۱۲۱

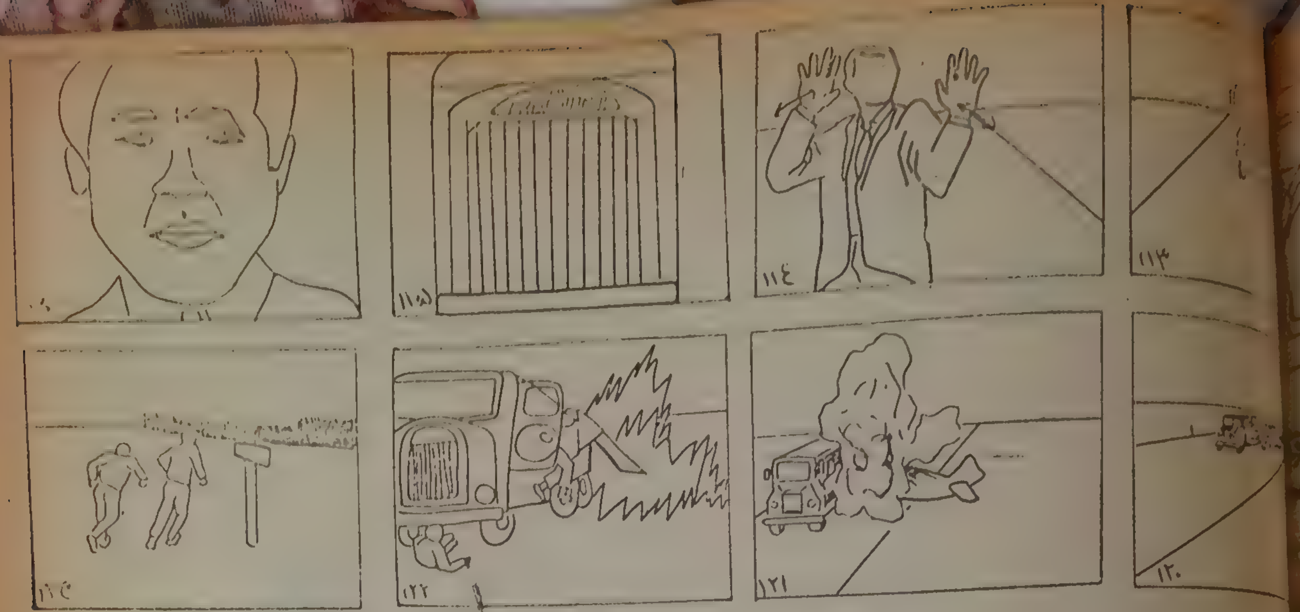
کامیون آتش می‌گیرد ؛ زاویهٔ دیگر [illegible] و هواپیما ؛ موسیقی شروع می‌شود و تا [illegible] ادامه دارد . (۲½) .

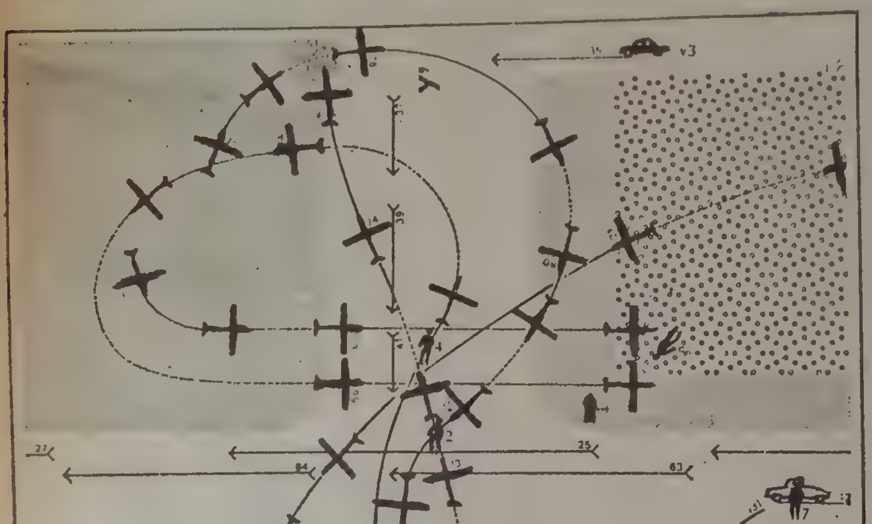
[illegible] ۱۲۲

[illegible] کامیون در آتش [illegible]
مرد با شتاب از قسمت راننده‌ها خارج می‌شود
راننده : از این‌جا بزن بریم که الان [illegible]
. (۶½)

L.S. ۱۲۳

از پشت [illegible] که با حالت تا اندازه‌ای [illegible]
به سوی مزرعه [illegible] می‌روند . (۳)





نقشهٔ تعقیب هواپیما درسکانس فوق .

برای فرار ازانفجارهای متعددکامیون
سوی دوربین می‌آید ، شروع به دویدن
موسیقی می‌خواهد صدای انفجارها را
(۲) .

L.S

بورس ازتورنهیل ضمن فرار ازانفجار .
جاده می‌ایستد، سپس کامیون کوچك قدیمی
روی‌آن است متوقف می‌شود وافراد بیرون
نهیل به نزد آنها می‌رود ، صحبت می‌کند.
نمی‌شود (موسیقی ادامه دارد) ، ما فقط
توضیحی را می‌بینیم . (۹) .

L.S

انفجار در دوردست باکلوزآپ دست زارع
تصویر. (۲) .

L.S

نهیل و دیگران به انفجار نگاه می‌کنند . او
به سمت راست‌کادر می‌رود ضمن این‌که
کامیون نزدیك می‌شوند ، دراثنایی‌که
می‌شود بی‌آن‌که‌کسی متوجه بشود. (۱۱).

L.S

دیگران‌که سرگرم تماشای انفجار هستند .

L.S

نهیل سوارکامیون قراضهٔ قدیمی می‌شود وراه
حالی‌که همگی سرگرم تماشای انفجارهستند.

L.S

های ۱۲۸ ، لیکن زارع به‌عقب نگاه می‌کند،
کامیونش را دزدیده‌اند ، وفریاد می‌زنـد
(۲۱) .

L.S

به دنبال کامیونش می‌دود . حالتی کمیك
انجام می‌ایستد ضمن این‌که کامیون به‌تدریج
او فریاد می‌زند «برگرد ، برگرد» .
به سکانس بعدی . (۱۵) .

[illegible]

۱

[illegible]

□ درفیلمی نظیر «سرا ... واقع‌گرا داشت روی چه ... پرداختید؟

خسرو هریتاش – توجه ... درجه اول بستگی به سلیقه ... [illegible] روانی ودرونی‌هم بکاود ومرد اورا بهتر بشناسد. ومن متقابلا باید تخیل آنهها نادیده گرفت ... همیشه با ماست وگاه ازروی ... ذهنیات ما جان‌میگیرد. درنظر ... که ما دراینجا نشسته‌ایم وبا هم ...



* «ملکوت» یک فیلم متعارف نیست . . .
* «ملکوت» در اصل، نوشته‌ی مشکلی است وبرای بهتر فهمیدنش باید آنرا چندبار خواند. بنابراین فیلمی هم که ازروی آن ساخته‌ایم بالطبع فیلم آسانی نیست . . .
* «ملکوت» را به کارهای دیگرم ترجیح میدهم چون جای زیادی برای مکاشفه دارد.
* سینمائی نظیر «ملکوت» را دوست دارم.
* درفیلم گاه به‌گاه تعمداً به تماشاگر هشدار می‌دهم آنچه راکه می‌بیند نمی‌تواند واقعیت مطلق باشد.

گفتگو با :
خسرو هریتاش
سازنده‌ی فیلم
ملکوت







[illegible] شخصیتی دیگر [illegible]
[illegible] هر [illegible] [illegible]

[illegible] که فیلم را تا این حد
[illegible]

[illegible] آنرا بپیچیده
[illegible] کردم گره‌های
[illegible] در کتاب میخوانیم
[illegible] خونکشی می‌کرد
[illegible] یك فصل کتاب
[illegible] اورا برای تماشاگر

[illegible] «ملکوت» نیز اصل، نوشته‌ی
[illegible] فهمیدنش باید آنرا
[illegible] هم که از روی آن
[illegible] آسانی نخواهد بود وبرای
[illegible] آنرا چندبار دید. با اینحال
[illegible] از کتاب شده‌است واین
[illegible] است وهر تجربه فردی
[illegible] آنرا با یك سینمای خاص و یا
[illegible] کرد.

[illegible] به اینکه سینما یك هنر نمایشی
[illegible] که شما در «ملکوت» بیشتر به کلام
[illegible] وازاین طریق قصه‌ی
[illegible] می‌برید؟

[illegible] - همانطور که گفتم ما در
[illegible] دیالوگ نداریم وتمام گفتار
[illegible] بیان میشود وتمام ماجرای
[illegible] تا صبح درمنزل دکتر میگذرد
[illegible] باید شخصیت‌های فیلم خود
[illegible] وبرای این منظور استفاده از
[illegible] ناپذیر بود. . آیا فکر می‌کنید
[illegible] ازآنها را حذف کنیم؟ روی همین
[illegible] که مثلاً درفیلم «ویرجینیاولف»
[illegible] تمام مسایل آن با دیالوگ مطرح
[illegible] داشته باشید سینما یك هنر سمعی
[illegible]

[illegible] استفاده ازدیالوگ گاه مسیر طبیعی یك
[illegible] وقفه میسازد فرضاً می‌بینیم که
[illegible] درحال عشقبازی یا خفه کردن یکباره
[illegible] باخود یا با ساقی‌می‌کند، آیا
[illegible] استفاده ازدیالوگ درچنین لحظاتی
[illegible] لطمه می‌زند؟

[illegible] - من در فیلم گاه به گاه تعمداً
[illegible] آنچه را [illegible]
[illegible] باشد. چون نمیخواهم
[illegible] که در احساسش نسبت
[illegible]

[illegible] ازفیلم به آن نگاه کند،
[illegible] ما چه چیزی میخواهیم به او
[illegible] است نه بازی کردن
[illegible] . . .

☐ ایده فیلم چه بود؟

هریتاش - ایده فیلم درهمان کلامی است که شخصیت ناشناس درپایان اثر بیان می‌کند. او میگوید: این زمین مادر گناهکاران است وگاهواره همه آتش‌ها، گلوله‌ها، خونها وشلاقها ومن اورا نمی‌بخشم، چون ریشه‌های درخت من ازاو غذا میگیرند وازچشمه‌های اوآب می‌نوشند ومن شکایت زمین را به‌آسمانها وملکوت خواهم برد.

ودراول اثرهم میخوانیم: الهی اگرابلیس آدم را بدآموزی کرد، گندم اورا که روزی کرد؟... اینها می‌توانند کلیدهائی برای گشودن مسایل فیلم باشند ومن حالا کلید دیگری به شما نمیدهم.

درفیلم خنجری هست که دست به دست میگردد و با آن بازی میشود وسرانجام هم در درون تابوت گذاشته میشود. ما بطورمتناوب آنرا نشان میدهیم. این‌نوع مونتاژکه درفیلم اعمال شده باید برای تماشاگر کنجکاو کننده باشد و درباره آن فکر کند - شاید پس ازبررسی به این نتیجه برسد که مثلاً خنجرمیتواند سمبل تثبیت ریشه‌های سنتی فئودالی باشد. چون بهرحال من بطور واقع‌گرایانه جامعه فئودالی ومطلق‌گرائی وناانسانی‌بودن وتأثیر ویرانگر آنرا نشان داده‌ام.

☐ چرا برای بیان این منظور چنین فرمی را اختیار کرده‌اید؟

خسروهریتاش - برای من فقط محتوی تعیین‌کننده شکل وفرم است.

☐ **با توجه به اینکه ازقصه‌ی «ملکوت» می‌توان استنباط‌های متفاوتی داشت بما بگوئید که خود شما چگونه آنرا توجیه می‌کنید؟**

خسروهریتاش - همانطوریکه گفتید میتوان ازآن برداشتهای متفاوتی نمود ومن اگر استنباط شخصی خودم را بگویم آنوقت تمام راه‌های‌دیگر را برای ورود به دنیای خاص آن می‌بندم...

☐ **ممکن است درباره کاراکترهای فیلم برای ما صحبت کنید.**

خسروهریتاش - تمام شخصیت‌های فیلم جنبه‌ی سمبلیك‌دارند وآنها آدمهای‌واقعی‌نیستند- همانطوریکه متن اثرهم دردنیائی بی‌زمان وفاقد تاریخ که‌فقط رنگی‌ازدوران‌قاجاردارد، میگذرد. دکترحاتم، آدمی‌است متلون ومی‌بینیم که درجائی به منشی دروغ میگوید ودرجائی دیگر به ناشناس راست‌میگوید. او اول زنش‌را می‌کشد وبعد وقتی می‌فهمد‌که او خیانت‌کرده است، دوباره اورا می‌کشد ومیگوید: این‌بار خودم هستم که می‌کشم. و او آدمی‌است که ذاتاً متظاهر است.

☐ **دکترحاتم می‌تواند سمبل یك طرزفکر جدید ودرعین‌حال مخرب باشد، چون می‌بینیم که ابتدا پسرجوان «م - ل» فریفته او میشود وسپس «م - ل» خود درمقابل او می‌ایستد.**

خسروهریتاش - کار من طرح مسئله است نه پاسخ‌دادن به‌آن - من نمیتوانم نتیجه‌گیری بکنم چون خودم هنوز به نتیجه نرسیده‌ام. اما باید بگوییم که درفیلم بطورمطلق سیاه وسفید ویا خیروشر نساخته‌ام که جبهه هرکسی مشخص‌باشد. «دکترحاتم» ویا «م - ل» هریك‌میتوانند هم سمبل خیر وهم سمبل شرباشند. چون‌می‌بینیم که درآنهاهم خصوصیات مثبت‌هست وهم‌منفی...

درآثار این‌چنینی‌واقعیت‌های‌عینی‌بصورت ذهنی درمی‌آیند وجنبه تاریخی خودرا ازدست میدهند- بخاطر همین ما به بی‌زمان‌بودن فیلم تأکیدکردیم.

مدرنیسم همه مسایل‌را عریان‌نمی‌کند بلکه مقادیری را درپرده ابهام وایهام می‌پوشاند.

☐ **درباره شخصیت آن بیگانه یا ناشناس هم بگوئید؟**

خسروهریتاش - بیگانه می‌تواند سمبل هرکسی باشد من، شما... وهمینطور می‌تواند نماینده وسمبل تمام اعتراضات درطول تاریخ‌بشر باشد.

☐ **فکر نمی‌کنید نقش ساقی دراین فیلم زاید ویا تشریفاتی باشد؟**

خسروهریتاش - پس شما نقش زن را در تاریخ بشرنادیده میگیرید.

☐ **درمیان کارهایتان کدامیك را بیشتر دوست دارید؟**

خسروهریتاش - من «ملکوت» را بیشتر ترجیح میدهم چون جای زیادی برای مکاشفه دارد.

☐ **درباره دیپلم افتخار هیئت داوران پنجمین جشنواره چه فکر می‌کنید؟**

خسروهریتاش- من‌اصولاً درسینمااعتقادی به جایزه دادن ندارم چون فکرمی‌کنم مقایسه اثر هنری‌کار صحیحی نیست همین‌که‌کمیته انتخاب جشنواره آنرا برگزید، برای من‌کافی است.

☐ **درباره عکس‌العمل منفی بعضی از تماشاچیان چه میگوئید؟**

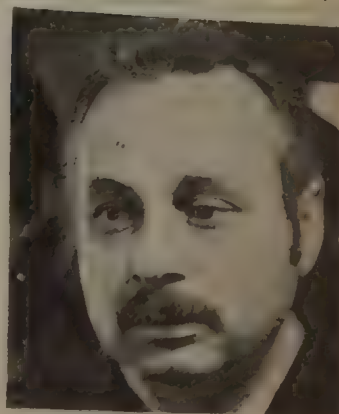
خسروهریتاش- چنین‌عکس‌العملی‌درهنگام نمایش فیلم پیش نیامد وشاهد بودیدکه سالن حفظ سکوت‌کامل آنرا دید واین برای من [illegible] است - فقط هنگام معرفی اعتراضاتی شد [illegible] دراینجا نمیخواهم علت یا علل آنرا بیان‌کنم وفقط میگوییم‌که آنهم ازمواجهه تماشاگر با فیلم من ناشی نمیشد.

البته قبول می‌کنم‌که «ملکوت» یك فیلم متعارف نیست وتاآنجاکه مربوط به تهیه‌کننده میشود باید هنگام نمایش عمومی آن به تماشاگر آمادگـی لازم را بدهد واینکار را می‌توان بروشور یا ازطریق رسانه‌های گروهی [illegible] وذهن تماشاچی را روشن ساخت [illegible] دیدن آن آماده نماید.

☐ متشکرم.

خسرو هریتاش، سازنده‌ی فیلم «ملکوت» در یک مصاحبه جمعی که هنگام برگزاری جشنواره سینمایی، حرفهایی درباره‌ی ملکوت عنوان نمود. در این گفتگو بهمن فرمان‌آرا، تهیه‌کننده‌ی فیلم و بازیگران آن: عزت‌الله انتظامی، ژاله سام، جمشید گرگین وحاج حسنی حضور داشتند.

۲



* عده‌ای تماشاگر خاص قصد داشتند درقبال فیلم ازهمان آغاز واکنش منفی نشان دهند ولی . . .
* کتاب باکلمات سروکار دارد . می‌تواند برای تفهیم هرچه بیشترمعانی کتاب ، کلمات بیشتری بکارگرفته شود تا نقطه ابهامی باقی نماند ولی درسینما . . .
* کم دیده‌ام کتابهائی راکه مثل ملکوت علاوه برسبك درخشانش ، قابلیت برگردانی به فیلم را داشته باشد . . .
* من سینمای خاص خودم را دارم و . . .

□ برگردانی‌ی ادبیات به سینما، همیشه برای فیلمساز محظوراتی را پیش آورده است . مثلاً اینکه تاچه اندازه می‌باید به اصل‌کتاب وفادار بماند وآیا درصورت وفاداری به متن ، جائی برای حضور سینمای فیلمساز باقی میماند؟ به اعتقاد شما با یك اثر ادبی چگونه بایستی رفتارکرد ؟

خسروهریتاش – بعضی نوشته‌ها هستندکه جنبه‌ی تصویری قوی‌ئی دارند. یعنی با سینما نزدیکی نشان میدهند. اما پاره‌ای دیگرهستندکه بسیار دور ازسینما میباشند. وظیفه‌ی فیلمساز اینستکه ، کتابرا به سینما، یعنی کلام رابه‌تصویر، ترجمه‌کند. این‌تغییروتبدیل خواه‌وناخواه حذف واضافاتی میطلبد کـه فیلمساز باتوجه به روح نوشته ، می‌باید اعمال‌کند. وفاداری به‌کل اثر وحرف‌آن ، موردی‌ست‌که یك فیلمساز حتماً باید رعایت‌کند یعنی حرف فیلم همان حرف نوشته باشد منتها بزبان سینما . فیلمسازی‌که نوشته‌ای را حس‌کرده وبدلش نشسته است مجاز است‌که دخل وتصرفی منطقی درنوشته بدهد تا امکان به تصویرکشیدنش باشد . بشرطی‌که همچنان‌که گفتم به روح نوشته وحرف‌آن خللی وارد نیاید.

□ فیلم ، قتل عام دکترحاتم را توجیه نمیکرد . یعنی آدمی مثل دکترحاتم بنظرمیرسد که نمی‌تواند موجب چنین‌کشت‌وکشتاری شود .

خسروهریتاش – دکترحاتم ، یك دکتر حاتم حقیقی نیست . فکرمیکنم می‌باید درباره شخصیت او ، گسترده‌تر اندیشید ، دکترحاتم را میتوان یك «نماد» به حساب آورد یا هرچه‌که اورا ازآدمی باسم دکترحاتم دورکند. او معنائی وسیعتر ازیك پزشك دارد.

□ درملکوت ، میتوان رد پائی ازسینمای «ویسکونتی» و «جوزف لوزی» یافت – به این تأثیر آگاهید ؟

خسروهریتاش – من سینمای خاص خودم را دارم . ممکنست تأثیری‌ناخودآگاه ازکارهای این دوفیلمسازکه سخت مورد علاقه منند درفیلم دیده شود اما ، هنگام ساختن فیلم بهیچوجه به کارهای این دو نظرنداشتم واصلاً درفکرآنها هم نبودم . همچنانکه گفتم امکان آن هست‌که تأثیری ناخودآگاه ازایندو داشته باشم .

□ درفصلهای آخری فیلم ، چهره‌هـا به سبزی میگراید . توجه به رنگ سبز را چگونه توجیه میکنید ؟

خسروهریتاش – فکرمیکنم این تنها رنگی باشدکه بتوان به مفهوم نوشته ، عینیت بدهد . من بسیار اندیشیدیم وبه این نتیجه رسیدیم‌که برای توصیف‌وتشریح‌آنچه‌که برآدمها میگذرد ، رنگ سبز شایسته‌تر است .

□ باتوجه‌به‌اینکه درصحنه‌ای‌سنگ‌نبشته‌ای وجود داردکه خط دوره‌های مختلف زمانی را دربرمیگیرد، وازاینطریق به بی‌نشانی زمان اشاره وتأکید میکنید. اما ازسوی‌دیگرزمان‌را بالباسها ودکورها به قیدوبند میکشید ، این دوگانگی از چه روست ؟

خسروهریتاش– درکتاب، به زمان‌اشاره‌ای نمیشود . اما وقتی قراراست چنین‌کتابی‌که زمان درآن‌گم است به تصویر درآید ، خواه ناخواه می‌باید برقامت آدمهایش تن‌پوشی پوشاند ، وهر تن‌پوش نشانه‌ی دوره‌ی بخصوصی‌ست . پس عدم تشخیص زمان راکه درکتاب هست نیتوان... فیلم هم پیاده‌کرد . من باآوردن آن سنگ... ازسوئی به هم هنگامی‌که به «زمان» ... اشاره داشتم وازطرف دیگر بخاطرپوشش آ... تن‌پوشی راکه ویژه‌ی زمان خاصی‌ست برگ...

□ فکر نمی‌کنیدکه سبك ویژه‌کتاب... را فریفته است وانگیزه‌ای نشده‌که آنرا ... بی‌آنکه به امکان ساختن‌آن بیندیشید ؟

خسروهریتاش – کم دیده‌ام‌کتابهائی... مثل «ملکوت» علاوه برسبك درخشانش... برگردانی به فیلم را داشته باشد . من ... دراین‌کتاب دیدم . بدیهی‌ست‌که ... آنهم بوده‌ام .

□ فیلم شما، خودرا مشکلتر ازکتاب... میدهد ، چرا ؟

خسروهریتاش – کتاب ... دارد . میتواند برای تفهیم هرچه... کتاب ، کلمات بیشتری بکار... ابهامی نماند. اما درسینما چنین... بودن فیلم به این خاطراست ... ازاینست را می‌باید درمرتبه... نشست . فیلمهائی هستندکه ... یکبار دیدنش درحوصله تماشا... فیلمهائی هستندکه جدی‌اند وگا... دیدن دارند. مثل یك موسیقی... می‌شنوید.

□ درنماهای آغاز فیـلم ، ... وشوهری را درچارچوبی پنجره‌ای ... شما برآن تأکیدکردید زن ، مردش ... ناتوانی جنسی سرکوفت میزند. این ...



... سکسی اکتفا کردم که ...

... هنگام نمایش ان ...

... را درخود غرق ... میزنم؟

... نشان دهند، چنان ... خارج آمده‌اند. تنها ... آمد که اصلا ... آنوقت شروع ... که دیگر ... هست که جلوی ...

☐ میتوان به بازیها اشاره کرد که تماشاگر ...

بهمن فرمان‌آرا - از جمله تفاوتهائی که میان سینما و تآتر هست، اینستکه در تآتر وقتیکه پرده ... کنار میرود، تسلسل ... اما در سینما نقش بازی بازیگران در ... قطع میکنند ودوباره بازی میدهند ... نقش شاهد شود. حالا ممکنست بازیگر ...

... داشت. اما بازیگر ... موجب ... هم ... اگر رهبری «هر نتاش» را نادیده ... بگیریم ... علاوه ... دو بازیگر کارکرده مثل «نوذری» و «انتظامی»، بازیگر تازه‌کاری مثل «حسینی» هم، بازی خوبی ارائه داده است. آیا این نشانه‌ای از رهبری «هرنتاش» است؟

عزت‌الله انتظامی - ...

حرفها و خبرها

«سه جشنواره معتبر ... از ... ... سال»

مجله ۱۹۷۷ ... ... نوامبر ... [illegible]
مثل همیشه دارای فهرست بهترین فیلمهای ... است ، که از ... [illegible]
براساس آرای صاحبنظران از ... کشور جهان، ... می‌شود. ... [illegible]
درفصل سینمائی ۷۵ ــ ۷۶ انتخاب شده‌اند.
جالب است که توجه شود آثار انتخابی ــ برای اولین بار در کدام جشنواره عرضه شده‌اند:

۱ ــ «جسدهای عالی» اثر فرانچسکو روزی (جشنواره لوس‌آنجلس)
۲ ــ «باری لیندون» اثر الکساندر کوبریك (جشنواره تهران)
۳ ــ «راننده تاکسی» اثر مارتین اسکورسیس (جشنواره کان)
۴ ــ «۱۹۰۰» اثر برتولوچی (جشنواره کان)
۵ ــ «دزدان شکار» اثر خوزه بورائو (جشنواره سن‌سباستیان)
۶ ــ «بیگناه» اثر لوکینو ویسکونتی (جشنواره لوس‌آنجلس)
۷ ــ «مردی که میخواست سلطان باشد» اثر جان هوستن (جشنواره تهران)
۸ ــ «گمگشته» اثر لینا ورتمولر (جشنواره تهران).
۹ ــ «دیوانه‌ای از قفس پرید» اثر میلوش فورمان (جشنواره پاریس)
۱۰ ــ «پیك‌نیك درهنگینگ راك» اثر پیتر ویر (جشنواره تائورمینا) و «ایستگاه سوم گرینیچ ویلج» اثر پل مازورسکی (جشنواره کان).

خوانندگانی که درحیرتند که پس جای فیلمهائی چون «بدل» ، «ماکس هاوبلار» «به‌لوس آنجلس خوش آمدی» ، «مشیت الهی» ، «برده عشق» ، «صحرای تاتارها» و ... کجاست ، باید یکسال صبر کنند ، چون رأی گرفتن درباره این فیلمها درشهر بوره ... خواهد گرفت !!

ششمین جشنواره جهانی فیلم هند

ششمین جشنواره جهانی فیلم هند ، ازسوم تاشانزدهم ژانویه‌در «دهلی‌نو» بانمایش ۲۲۴فیلم از پنجاه‌وشش کشور در بخش مسابقه، اطلاعات، مرور آثارها و بازار فیلم برگزار گردید.

نزدیك ۱۵۰ شخصیت خارجی اعم از بازیگر ، کارگردان ، تهیه‌کننده ، نمایندگان سازمانهای سینمائی کشورهای مختلف دراین‌دوره جشنواره شرکت داشتند که برجسته‌ترینشان «میکل‌آنجلو آنتونیونی» ، «آکیراکوروساوا» و «الیاکازان» را می‌توان نام برد.

هیئت داوران ششمین جشنواره جهانی‌فیلم هند به‌ریاست «ساتیا جیت‌رای» جوایز خود را به‌شرح زیر اهداکردند: جایزه بزرگ جشنواره به‌فیلم‌ژاپنی «مون‌وانیو» به‌کارگردانی «تاداشی ایمای» ــ جایزه بهترین کارگردانی به «الف خامرایف» برای فیلم «مردی که پرندگان‌را دوست دارد» از اتحاد جماهیر شوروی.

جایزه بهترین بازیگر مرد به ... فیلم سوئدی «مردی در روی بام» و جایزه بهترین بازیگر زن به «بانابلجیدا» ... فیلم مجارستانی «انعکاس».

سهم «هند» ازششمین جشنواره ، ... برای فیلم کوتاه بود . جوایز این‌دوره جشنواره را رئیس‌جمهور هند اهدا نمود.

سینمای زمان

☐ **پرویز شفا** دوست وهمکار مطبوعاتی ما اخیراً کتابی تحت عنوان «سینمای ...» انتشار داده که حاوی ... [illegible]
این مقالات همانطور ... برمی‌آید ، در برگیرنده ... است از دیدگاهی سیاسی .

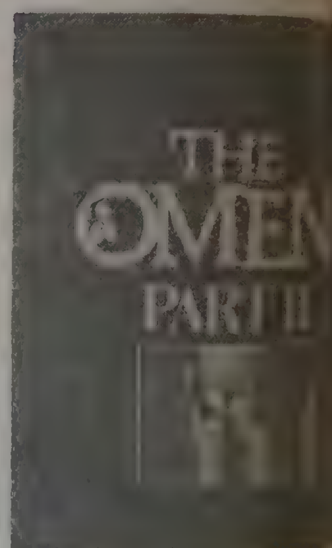
دراین کتاب پرویزشفا در ... آخرین ساخته‌ی «ناگیسا اوشیما» ... ژاپنی و آثار گذشته او ، ... وسینمای شوروی ، درباره ... کارگردان فرانسوی که در ... کرد و فیلم‌هایش وسینمای او ... بحث پرداخته است .

از سایر قسمت‌های دیگر ... از «سینمانوو»ی برزیل ، مصاحبه ... روسلینی فیلمساز ایتالیائی ، ژان ... فیلمساز موج نوی فرانسوی که این ... فعالیت‌هایش را در سینما منحصر ... فیلم‌های سیاسی درباره مسائل روز ... فیلمسازی و تاریخ که حاوی مصاحبه ... «ژان پیر گورن» درباره ژان لوك ... سینمای سیاسی او ومسائلی دراین‌زمینه ... فیلم «نامه‌ای به جین» که ژان لوك گدار ... «گورن» با ... [illegible]

... ستاره مشهور
... رفتن او به‌ویت‌نام.
در سینما : «سینمای زمان»
... به بهای ۲۵۰ ریال
کتاب در نوع خود جالب
...
...

سالهای ۵۲ و ۵۳ دو کتاب
... بود. کتاب «فصلی در
... : سینما درباره سیاه —
...‌های نازی و تبلیغات
...سازی از بولیوی و سینمای
...ماله را خود پرویز شفا نوشته
... بود. این اکتاب از انتشارات
... سال ۵۲ انتشار یافت.
... که در سال ۵۳ از شفا انتشار
... مکریك» بود که درباره این
... کلاسیك «سرگئی آیزنشتاین» و
... بود که انتشارات مرواریدآنرا

... هرچه بیشتر همکارمان «پرویز
... موفقیت‌های سازنده‌اش، می‌خواهیم.



...حس، قسمت دوم

... — فرزند شیطان — در پایان
... میگوید «بامید دیدار» و حالا
... از نمایش «طالع نحس» ...
... درست بهمه است.
... «طالع نحس» را «هاروی برنارد»
... کس قرن بیستم» تهیه می کند،
... بسکامان خود «پدرخوانده»
... بخاطر موفقیت تجاری
... دوم کشانیده شده است.
... قسمت اول درسال گذشته
... و هفت میلیون دلار فروش

بهترین فیلم سال از نظر «هرالد تریبیون»



«تامس کوئین کرتیس»، منتقد پر سابقه و معتبر نشریه «هرالدتریبیون» که به‌زبان انگلی... در پاریس منتشر می‌شود، فیلم «سفر به‌لبه دنیا» اثر کاپیتان «ژاك ایوکوستو» را بهترین فیلم سال مسیحی گذشته معرفی کرده است. وی ا... توصیف این فیلم می‌نویسد : «یك توفیق عظیم سینمائی است با زیبائی حیرت‌انگیز»

نخستین‌نمایش‌جهانی‌فیلم «سفر به‌لبه ...» در چهارچوب پنجمین جشنواره فیلم ته... در قسمت «سینما چشم وگوش دارد» ... گرفت.

فیلم‌های برتر سال ۷۶ «سینمای آمریکا» — از نظر منتقدین امریکا

مجمع منتقدین سینمای آمریکا، بهتر... فیلم‌های آمریکائی سال ۱۹۷۶ را بدون ترتیب... چنین انتخاب کرده‌اند :

۱ — تمام مردان‌رئیس‌جمهور (الن. جی پاکولا).
۲ — شبکه تلویزیونی (سیدنی‌لومت).
۳ — راکی.
٤ — راه حل هفت درصدی.
٥ — بدل (مارتین‌ریت).
٦ — تیرانداز (دان‌سیگل).
۷ — توطئه خانوادگی (آلفرد‌هیچکاك)
۸ — فیلم صامت (مل‌بروکس).

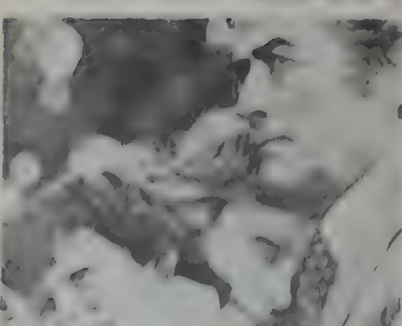
منتقدان آمریکائی این ... اند
نشریه معروف وپرتیراژ «ورایتی» انتشارداده‌اند

... فیلم پرفروش سال ۱۹۷۶ امریکا

۱ — دیوانه‌ای از قفس پرید (میلوش فورمن)
۵٦،۰۰۰،۰۰۰ دلار
۲ — تمام مردان رئیس‌جمهور (آلن‌جی‌پاکولا)
۲۹،۰۰۰،۰۰۰ دلار
۳ — طالع نحس (ریچارد دانر)
[illegible]
٤ — ... (...)
[illegible]
٥ — مبدوی (جك اسمایت)
۲۰،۳۰۰،۰۰۰ دلار
٦ — بعداز ظهر سگی (سیدنی‌لومت)
۱۹،۸۰۰،۰۰۰ دلار
۷ — با مرگ کشتن (رابرت مور)
۱۸،۸۰۰،۰۰۰ دلار
۸ — آروارهها (استیون اسپیلبرگ)
۱٦،۰۷۷،۰۰۰ دلار
۹ — زین‌های براق (مل‌بروکس)
۱۳،۸۵۰،۰۰۰ دلار
۱۰ — بانوی خوشبخت (استانلی دانن)
[illegible]



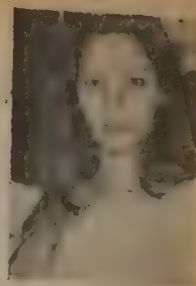
دیوانه‌ای از قفس پرید

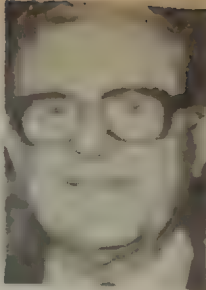


طالع نحس



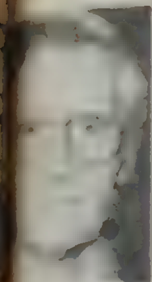
با مرگ ...









از راست :
ازمی ، چکی گوری ، دلوو ، رابسون ، ریوا ، کوواکس ، ناتوموف ، مجیدی ، هانسترا وهیل ، [illegible] جشنواره

جوایز پنجمین جشنواره

هیئت داوران پنجمین جشنواره جهانی فیلم تهران مرکب از:

شابانا ازمی (هندوستان) ماریو چکی گوری (ایتالیا) آندره دلوو (بلژیک) مارک رابسون (ایالات متحده آمریکا) امانوئل ریوا (فرانسه) آندراس کوواکس (مجارستان) ولادیمیر ناتوموف (اتحاد جماهیر شوروی) برت هانسترا (هلند) آرتور هیل (کانادا)

و [illegible] عبدالمجید مجیدی (ایران) مجموعاً ۲۸ فیلم [illegible] ۱۳ [illegible]

[illegible]

فیلمهای کوتاه

[illegible]

دیپلم افتخار با امتیاز مخصوص

[illegible]

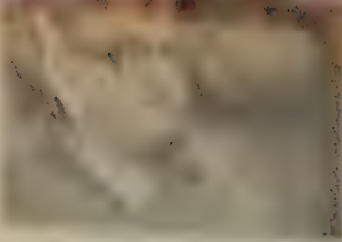
دیپلم افتخار با امتیاز مخصوص

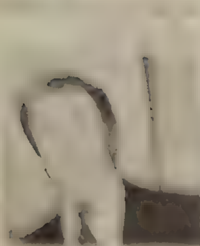
[illegible]

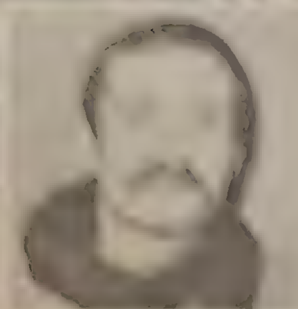
[illegible] با امتیاز مخصوص

[illegible]













از دست رفته‌ها

● استنلی بیکر

هنرپیشه انگلیسی ـ متولد ۱۹۲۸ ـ بازی درتاتر از سال ۱۹٤٤ ـ بازیگر نقشهای دوم دربیش از سی فیلم که تقریباً هیچیک از آنها واجد ارزشی نبودند، مشخصات ظاهری‌اش نقش مردان خشن را بر او برازنده میساخت، برای نخستین‌بار جوزف لوزی متوجه استعداد بازیگری‌اش شد ودر فیلمهای: گزارش‌بازرس مورگان ـ جنایتکاران ـ ایوا وحادثه نقشهای مهمی باو واگذار کرد.

فیلمهای عمده‌وی‌عبارتند از: هلن‌تروآ ـ اسکندرکبیر ـ سودوم وگومورا ـ توپهای ناوارون ـ بسیك فرانسوی ـ زولو ـ شنهای لاهاری ـ زورو.

● جیمز ونگ‌هو

یکی از معتبرترین فیلمبرداران هالیوود متولد ۱۸۹۹ در چین ـ در سال ۱۹۰٤ همراه پدر ومادرش به‌آمریکا مهاجرت کرد. درجوانی بحرفه‌های مختلف ازجمله بوکس‌بازی پرداخت. ازسال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۲ دستیار فیلمبردار شد و بعدازآن در سمت مدیر فیلمبرداری بـرای کارگردانهای سرشناس دوره صامت کار کرد. درسال ۱۹۳۳ کمپانی مترو نام اورا از «جیمز هو» به«جیمز ونگ‌هو» تبدیل کرد تاراحت‌تر در ذهنها بماند. درسال ۱۹۳۷ با فیلم «ماجرای تام سایر» بکارگردانـی «نورمن توروگ» نخستین فیلم رنگی‌اش را فیلمبرداری کرد. با اینحال وی بخاطر تصاویر درخشان‌فیلمهای سیاه وسفیدی که فیلمبرداری کرده بود، شهرت فراوان داشت. در سال ۱۹۵۵ بخاطر فیلمبرداری «خال کل سرخ» نخستین‌اسکارخودرابدست‌آورد. ملاقات با «مارتین ریت» شاید مهمترین حادثه حرفه‌ای «جیمز ونگ‌هو» بشد. بعد ازاین‌ملاقات همکاری مداومی بین آنها بوجود آمد که منجر به بهترین کارهای سیاه وسفید ورنگی «جیمز ونگ‌هو» شد. از جمله: هاد ـ محاکمه در آفتاب و مرد.

«جیمز ونگ هو» طی سالهای ۱۹۵۰ سه فیلم کارگردانی کـرده‌است که: دنیای دان کینگ‌من (۱۹۵۳) برو، مـرد، برو (۱۹٥٤) ... (۱۹۵۷) ...

● ژان گابن

بـازیـگر فـرانسوی متولـد ۱۹۰٤ ـ ازسال ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۰ دراپرت بازی میکرد وآواز میخواند ازسال ۱۹۳۲ به بازیگری درفیلمها پرداخت و بعد ازچند فیلم در ردیف محبوب‌ترین هنرپیشگان فرانسه قرار گرفت و در طول چهل‌وپنج سال بازیگری مداوم نودوسه فیلم بازی‌کرد. عمده فیلمهای وی عبارتند از: توهم بزرگ (۱۹۳۷) ـ ساحل‌مه‌آلود (۱۹۳۸) ـ حیوان انسان‌نما (۱۹۳۸) ـ روز آغـاز میشود (۱۹۳۹) ـ آنسوی نرده‌ها (۱۹٤۸) ـ گریسبی رالمس‌نکنید (۱۹۵۳) ـ فرنچ‌کان‌کان (۱۹۵۵) ـ درطول پاریس (۱۹۵٦) ـ جنایت و مکافات (۱۹۵٦) ـ بینوایان (۱۹۵۷) ـ بهنگام بدبختی (۱۹۵۸) ـ موجی ازسکناس (۱۹٦۳) ـ دسته سیسیلی‌ها (۱۹٦۹) ـ دومرد درشهر (۱۹۷۳).

● هانری لانگلوآ

مؤسس و مدیر سینماتك فرانسه ـ متولد ۱۹۱۵ ـ از جوانی شروع به جمع‌آوری نسخ فیلمهای قدیمی‌کرد واین‌کاررا طوری با پشتکار ادامـه داد تا در سال ۱۹۳۵ سازمانی را بنام سینماتك فرانسه بنیاد نهاد. این سازمان بزودی بصورت معتبرترین آرشیو فیلم دردنیا درآمد.

وی در سالهای اخیر اقدام به‌تأسیس یك موزه سینمائی کرد و درآن هرگونه وسایل و اشیاء مربوط به فیلمهای قدیمی را در آن به‌نمایش‌گذارد. لانگلوآ عقیده‌داشت‌که فیلمهای قدیمی را باید مثل اشیاء هنری در یك موزه نگهداری‌کرد و مانع ازبین رفتنشان شد.

● پیتر فینچ

بازیگـر انگلیسی ـ متولد ۱۹۱٦ در لندن کار بازیگری را نخست در استرالیا وسپس در انگلیس از آغاز جوانی شروع کرد وبزودی در سینمای انگلستان وآمریکا شهرت فراوان بدست آورد.

فیلمهای عمده: موشهای طبرق (۱۹٤٤) ـ رابین هوود (۱۹۵۱) ـ سرگذشت گیلبرت و سولیوان (۱۹۵۳) ـ پدر براون (۱۹۵٤) ـ سیمون ولورا (۱۹۵۵) ـ شهری مثل آلیس (۱۹۵٦) ـ سرگـذشت راهبه (۱۹۵۸) ـ محاکمات اسکاروایلد (۱۹٦۰) ـ معجزه‌گر (۱۹٦٤) ـ دور ازاجتماع خشمگین (۱۹٦۷) ـ یکشنبه،یکشنبه‌لعنتی (۱۹۷۱) ـ شبکه (۱۹۷٦) ـ پیروزی در انتبه (۱۹۷٦) به‌نقش اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل.

● هانری ژرژ کلوزو

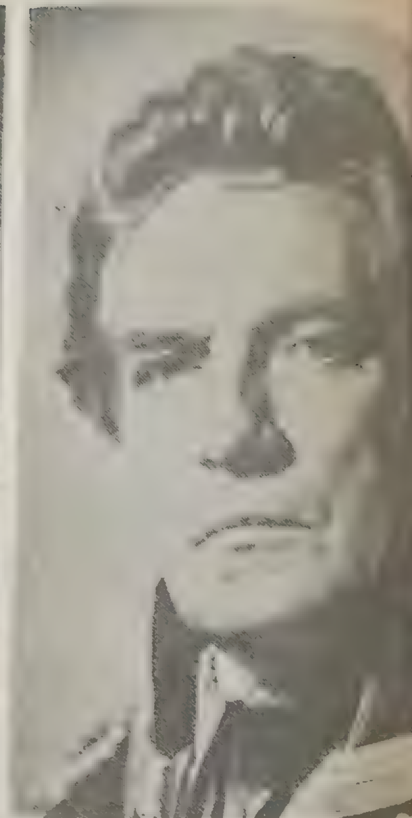
کارگردان فرانسوی ـ متولد ۱۹۰۷ ـ تحصیلاتش را در رشته علوم سیاسی به پایان رساند. مدتی به ترجمه‌ ... فرانسوی پرداخت و از سال ۱۹۳۱ ... نقد فیلم نوشت. کار در سینما را ... با نوشتن سناریو برای کارگردانهای ... کارمین گالونه، ... شروع کرد. نخستین فیلمش را ... کارگردانی کـرد. «کلوزو» ... فیلمهایش را شخصاً می‌نوشت و ... به‌توصیف شخصیتهای‌غیرعادی ... می‌پرداخت.

عمده فیلمها: قاتل در ... زندگی میکند (۱۹٤۲) ـ کلاغ ... ساحل طلاسازان (۱۹٤۷) ـ مانون ... میکت ومادرش (۱۹٤۹) ـ مزدترس ... شیطان صفتان (۱۹۵٤) ـ رازپیکاسو (۱۹۵٦) ... جاسوسان (۱۹۵۷) ـ حقیقت (۱۹٦۰) ... فیلم ... «کلوزو» در زمان ... دریافت کرد. جایزه‌ی بزرگ ... (۱۹٤۹) ـ جایزه ... پیکاسو جایزه بزرگ ... نویسنده‌ ...



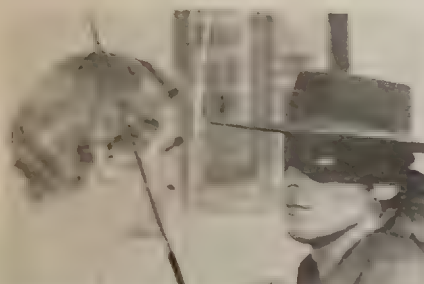
بالا: «هانری ژرژکلوزو» به هنگام کار ازفیلم «شیطان صفتان».
پائین: «هانری‌ژرژکلوزو» به هنگام کار کر ازفیلم «حقیقت».



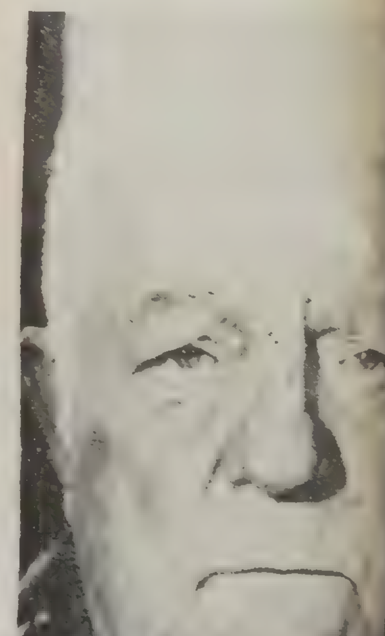


جیمز ونگ‌هو











یادداشت‌های غیرحرفه‌ای

نگاهی به چند فیلم جشنواره پنجم

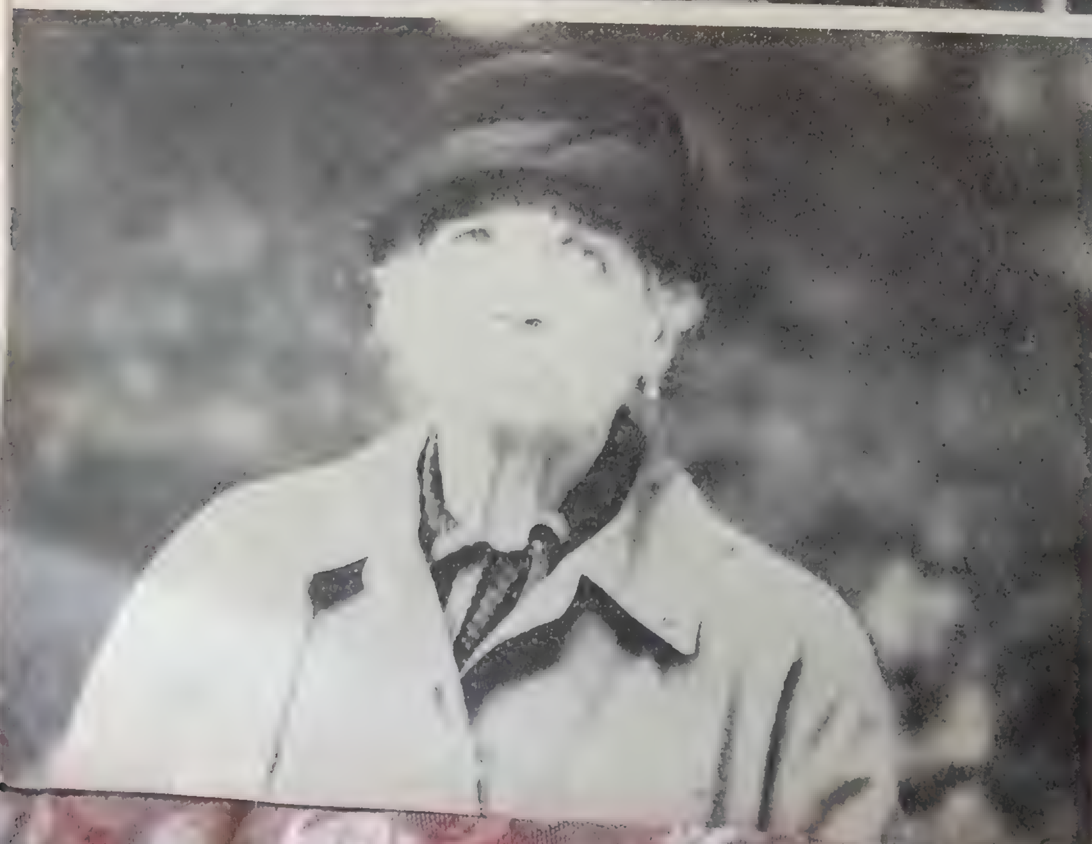
نوشته : حسن زاهدی

دیوانه‌ای از قفس پرید

[illegible]



...نی وفانل



لینا براکه

... حملهٔ صرعی ...

... میکند تا از کار در ازدوگاه اجباری معاف شود. او برای آرامش روانی به بیمارستان ... [illegible]

... مراسمی که ... [illegible] ... و گویا عقده زمانی ... [illegible]

... این که او به تنهائی می‌تواند خودش را اداره کند و به یک مرجع ومقام بالاتر احتیاج ندارد که برلو حکومت کند — واین درست عقیده‌ای ... [illegible]

... حملهٔ صرعی، مشکوک بنظر می‌آید و همچنین ... [illegible]

... [illegible] ... می‌کنند به یاری می‌گیرد. و در واقع رفتار بیمارانی که در فیلم نقش ... [illegible] ... را مختل گردیده در زمینه فیلم ... [illegible]

... [illegible] ... خودش به بیمارستان آمده است — البته ... [illegible]

... [illegible] ... و همدیگر ... [illegible] ... را بکار می‌کند.

... [illegible] ... مظهر ... اجتماعی است که برای حفظ ... [illegible]

... [illegible]

... قرار میدهد. ... [illegible] ... خشنی برخورد با ... [illegible]

... شروع میشود و بشدرح که ... [illegible]

... عنوان ... [illegible]

... ولی ... روح حملهٔ صرعی ... [illegible]

طالع نحس

... [illegible] ... فروش بسیار خوبی داشته ... [illegible]

... یا غیرشیطانی ازطرف ... [illegible]

... عوامل چکار می‌تواند بکند ... [illegible]

... عقل انتقامی و خونگیر را برانگیزاند ... [illegible]

... نحس، عدم رعایت این اصل است ... [illegible]

... آشکار شدن آلت قتل در عکسهائی است که مدتها پیش ازززمان وقوع قتل ازقربانیان گرفته میشود — وجود وحضور عوامل شیطانی را ثابت کند ... [illegible]

... حالت ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

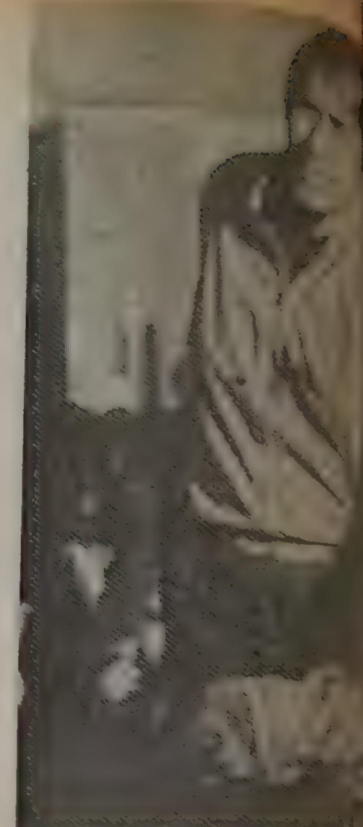
سالگی لینابراکه از خانه‌ای که صاحب قبلی اقامت لینارا تا پایان عمر تضمین کرده بود، حالا توسط یك بانك خریداری شده وباید خراب شود، بیرون رانده می‌شود ومجبور می‌گردد به زندگی در یك خانه سالمندان تن در دهد. ساکنین این خانه آدمهای این خانه‌که گویا در زندگی فقط وظایفی — به عنوان پدر، مادر، دکتر، کارمند و غیره — انجام داده‌اند وحالا که انجام وظایفی ازآنها خواسته نیست، تقریباً هیچ کاری نمی‌کنند. فقط یك بانکدار ورشکسته است که هنوز اززندگی دل نبریده و با استفاده ازامکانات موجود مثلاً منشی‌مؤسسه که‌نامه‌هایش را ماشین می‌کند — هنوزبه‌فعالیت ادامه می‌دهد وهم اوست که «لینا» را از دلمردگی‌درمی‌آورد و با او نقشه‌ای برای گرفتن انتقام از بانك طرح می‌کند. نقشه آنها با موفقیت اجرا می‌شود و«لینا» با پولی که از بانك می‌گیرد خانه‌ای در «ساردینیا» برای یك ایتالیائی جوان‌می‌خرد با این شرط که حق داشته باشد تعطیلاتش را در آن خانه بگذراند. بالاخره «لینابراکه» گیر می‌افتد اما او ودوستش پیرتر از آنند که به زندان فرستاده شوند. «لینا» حسابش را با بانك تصفیه کرده است و البته برای او ودوستش خود پول مطرح نبوده. آندو تنها طالب لذت شکست دادن بانك بوده‌اند. «برنارد سینکل» فیلمش را با دقت کارگردانی کرده و هیجان لحظات را با استفاده از وسایل سینمائی تقریباً نامحسوس آفریده‌است. مثلاً نمائی‌از«لینابراکه» هنگامی که از بانك با پول خارج می‌شود، قطع می‌شود به نمائی ازمدیرخانه سالمندان که‌مستقیماً بطرف دوربین نگاه می‌کند ودرنتیجه این تصور بوجود می‌آید که او «لینا» را دیده است وبعد این نما قطع می‌شود به ماشین پلیس که دارد یکی از ساکنین خانه‌را که دو هفته‌ای فرارکرده بود بازمی‌گرداند. آخرین‌نمای فیلم«لینابراکه» و دوستش را نشان می‌دهد که با ابهت و غرور یك جفت شیرکنار هم نشسته‌اند وهنوز برای آینده نقشه می‌کشند.

پالیتر

بدنبال مرگ یا خودکشی دوست دخترش قهرمان فیلم پس از گذراندن یك‌یأس‌ودلمردگی شدید تولدی دوباره تجربه می‌کند وحتی نامی جدید برخود می‌گذارد — پالیتر. او تصمیم می‌گیرد درطبیعت و با طبیعت زندگی کند. اما طبیعت در معرض هجوم خرابی‌های ناشی از تکنولوژی است. در چنین شرایطی «پالیتر» یك روش زندگی غیر متعارف در پیش‌می‌گیرد وبسنن و آداب پشت‌پا می‌زند — بی‌آنکه حقیقتاً مسئله مهمی بوجود آورد. در فیلم لحظات‌جالبی هست‌که فیلمساز آسان ازآنها می‌گذرد، ازجمله برخورد «پالیتر» با دو مردی که دارند یك گله اسب را به کشتارگاه می‌برند. «پالیتر» همانند یك دون‌کیشوت مدرن برای نجات زبان بسته‌ها به دو مرد حمله می‌کند اما وقتی یکی از آن دو مرد ازاو می‌پرسد «مگر من با تو چکار کردم؟» اشتیاق ایده‌آلیستی او برای انجام یك کار نیك فرو می‌کشد. در حقیقت این سئوال بسیار خوبی‌است ازاین قهرمان‌ظاهراً عصیانگر که نمی‌خواهد دنباله‌رو باشد وازطرفی راه وهدف مشخصی هم ندارد، ومی‌توانست به سئوال‌عمیق‌تر وجدی‌تری منجر گرددوبه‌اصطلاح نقطه عطف تحول روحی اوباشد. اما کارگردان بدون تأکیدخاصی ازاین صحنه می‌گذرد واقدام نهائی پالیتر در پایان فیلم اقدام نامفهومی است. او دست همسرش را می‌گیرد و به جستجوی مکانی که تکنولوژی بدان راه نداشته باشد می‌رود، اما این مکان کجاست و عمل‌قهرمان فیلم نماینده چه اقدام عملی تواند باشد؟ حقیقتاً این است که «پالیتر» حیوانی سالمتر از آنست که گرفتار پوچی یا دردسرهای فلسفی دیگری شود. در پایان به تبعیت از یك غریزه حیوانی از برابر پیشرفت تکنولوژی عقب می‌نشیند.

قاضی وقاتل

درآخرین دهه قرن نوزدهم یك رشته جنایات هولناك درفرانسه رخ می‌دهد. مقتولین دختران جوانی هستند و ما قاتل را از ابتدا می‌شناسیم بنابراین مسئله دلهره و هیجان [illegible]





[illegible] «طالع نحس»
صحنه‌ای ازفیلم تعطیلات درهنینگ راك

صد فیلم پر فروش تاریخ سینما

۱ـ آرواره‌ها (استیون اسپیلبرگ) ـ یونیورسال (۱۹۷۵) ـ ۱۱۸/۲۷۲/۰۰۰ دلار

۲ـ پدرخوانده (فرانسیس فورد کوپولا) ـ پارامونت (۱۹۷۲) ـ ۸۵/۷۴۷/۱۸۴

۳ـ جن‌گیر (ویلیام فریدکین) ـ وارنر (۱۹۷۳) ـ ۸۲/۰۱۵/۰۰۰

۴ـ آهنگ‌ها و نغمه‌ها (رابرت وایز) ـ فوکس (۱۹۶۵) ـ ۷۸/۴۰۰/۰۰۰ "

۵ـ بر باد رفته (ویکتور فلمینگ) ـ مترو (۱۹۳۹) ـ ۷۶/۷۰۰/۰۰۰ "

۶ـ نیش (جورج روی هیل) ـ یونیورسال (۱۹۷۳) ـ ۷۲/۱۶۰/۰۰۰ "

۷ـ پرواز بر فراز آشیانه فاخته (میلوش فورمن) ـ یونایتدارتیست (۱۹۷۵) ـ ۵۶/۵۰۰/۰۰۰

۸ـ برج جهنمی (جان گیلرمن) ـ فوکس (۱۹۷۵) ـ ۵۵/۰۰۰/۰۰۰

۹ـ قصه عشق (آرتور هیلر) ـ پارامونت (۱۹۷۰) ـ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ "

۱۰ـ فارغ‌التحصیل (مایک نیکولز) ـ اوکو ـ اماسی (۱۹۶۸) ـ ۴۹/۹۷۸/۰۰۰

۱۱ـ آمریکن گرافیتی (جورج لوکاس) ـ یونیورسال (۱۹۷۳) ـ ۴۷/۳۰۸/۰۰۰ "

۱۲ـ دکتر ژیواگو (دیوید لین) ـ مترو (۱۹۶۵) ـ ۴۶/۵۵۰/۰۰۰ "

۱۳ـ بوچ کاسیدی و ساندنس کید (جورج روی هیل) ـ فوکس (۱۹۶۹) ـ ۴۵/۸۳۰/۰۰۰ "

۱۴ـ فرودگاه (جورج سیتون) ـ یونیورسال (۱۹۷۰) ـ ۴۵/۳۰۰/۰۰۰

۱۵ـ ده فرمان (سسیل دومیل) ـ پارامونت (۱۹۵۶) ـ ۴۳/۰۰۰/۰۰۰ "

۱۶ـ جهنم زیر و رو (رونالد نیم) ـ فوکس (۱۹۷۲) ـ ۴۲/۵۰۰/۰۰۰ "

۱۷ـ مری پاپینز (رابرت استیونسن) ـ بی‌وی (۱۹۶۴) ـ ۴۲/۲۵۰/۰۰۰ "

۱۸ـ مش (رابرت آلتمن) ـ فوکس (۱۹۷۰) ـ ۴۰/۸۵۰/۰۰۰

۱۹ـ بن هور (ویلیام وایلر) ـ مترو (۱۹۵۹) ـ ۳۶/۶۵۰/۰۰۰

۲۰ـ زلزله (مارک رابسون) ـ یونیورسال (۱۹۷۴) ـ ۳۶/۰۹۲/۰۰۰

۲۱ـ زینهای سوزان (مل بروکس) ـ وارنر (۱۹۷۴) ـ ۳۵/۱۸۳/۰۰۰ "

۲۲ـ ویولون زن روی بام (نورمن جویسون) ـ یونایتدآرتیست (۱۹۷۱) ـ ۳۴/۰۱۰/۰۰۰

۲۳ـ بیلی جک (تام لافلین) ـ وارنر (۱۹۷۱) ـ ۳۲/۵۰۰/۰۰۰ "

۲۴ـ فرانکنشتاین جوان (مل بروکس) ـ فوکس (۱۹۷۵) ـ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ "

۲۵ـ تمام مردان رئیس جمهور (آلن جی پاکولا) ـ وارنر (۱۹۷۶) ـ ۲۹/۰۰۰/۰۰۰ "

۲۶ـ پدرخوانده (۲) (فرانسیس فورد کوپولا) ـ پارامونت (۱۹۷۴) ـ ۲۸/۹۰۰/۰۰۰ "

۲۷ـ سندربال (ترنس یانگ) ـ یونایتدارتیست (۱۹۶۵) ـ ۲۸/۵۳۰/۰۰۰ "

۲۸ـ محاکمه بیلی جک (تام لافلین) ـ وارنر (۱۹۷۴) ـ ۲۸/۵۱۶/۰۰۰ "

۲۹ـ پاتون (فرانکلین شافنر) ـ فوکس (۱۹۷۰) ـ ۲۸/۱۰۰/۰۰۰ "

۳۰ـ بدان چه کسی برای شام می‌آید؟ (پیتر باگدانوویچ) ـ وارنر (۱۹۷۲) ـ ۲۸/۰۰۰/۰۰۰ "

۳۱ـ طالع نحس (ریچارد دانر) ـ فوکس (۱۹۷۵) ـ ۲۷/۸۵۱/۰۰۰ "

۳۲ـ رابطه فرانسوی (ویلیام فریدکین) ـ فوکس (۱۹۷۱) ـ ۲۷/۵۰۰/۰۰۰ "

۳۳ـ سفید برفی (والت دیسنی) ـ ار ـ ک ـ او (۱۹۳۷) ـ ۲۶/۵۰۰/۰۰۰

۳۴ـ دختر مسخره (ویلیام وایلر) ـ کلمبیا (۱۹۶۸) ـ ۲۶/۳۲۵/۰۰۰ "

۳۵ـ کلئوپاترا (جوزف مانکیه‌ویچ) ـ فوکس (۱۹۶۳) ـ ۲۶/۰۰۰/۰۰۰

۳۶ـ فرودگاه ۱۹۷۵ (جک اسمایت) ـ یونیورسال (۱۹۷۴) ـ ۲۵/۷۴۳/۰۰۰

۳۷ـ حدس بزن چه کسی برای شام میاید (استانلی کرامر) ـ کلمبیا (۱۹۶۸)

۳۸ـ آنطور که بودیم (سیدنی پولاک) ـ کلمبیا (۱۹۷۳) ـ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰

۳۹ـ اودیسه فضائی (استانلی کوبریک) ـ مترو گلدوین (۱۹۶۸) ـ ...

۴۰ـ دور دنیا در هشتاد روز (مایکل آندرسون) ـ یونایتدارتیست (۱۹۵۶)

۴۱ـ پنجه طلائی (گای هامیلتون) ـ یونایتدارتیست (۱۹۶۴) ـ ۱۴۰/۰۰۰ ...

۴۲ـ بانی و کلاید (آرتور پن) ـ وارنر (۱۹۶۷) ـ ۲۲/۷۰۰/۰۰۰

۴۳ـ پاپیون (فرانکلین شافنر) ـ آ ـ آ (۱۹۷۳) ـ ۲۲/۵۰۰/۰۰۰

۴۴ـ نجات یافتگان (جان بورمن) ـ وارنر (۱۹۷۲) ـ ۲۲/۴۰۰/۰۰۰

۴۵ـ طولانی‌ترین یارد (رابرت آلدریچ) ـ پارامونت (۱۹۷۴) ـ ۲۲/۳۴۲/۰۷۴

۴۶ـ بعدازظهر سگی (سیدنی لومت) ـ وارنر (۱۹۷۵) ـ ۲۲/۳۰۰/۰۰۰

۴۷ـ تیم "خرسهای بدخبر" (مایکل ریچی) ـ پارامونت (۱۹۷۶) ـ ۲۲/۲۶۶۵۱۲

۴۸ـ شامپو (هال آشبی) ـ کلمبیا (۱۹۷۵) ـ ۲۲/۰۰۰/۰۰۰ "

۴۹ـ جرمیا جانسون (سیدنی پولاک) ـ وارنر (۱۹۷۲) ـ ۲۱/۶۰۰/۰۰۰

۵۰ـ ماشین عشق (رابرت استیونسون) ـ ب ـ و (۱۹۶۹) ـ ۲۱/۰۰۰/۰۰۰

۵۱ـ دنیای دیوانه ـ دیوانه (استانلی کرامر) ـ یونایتدارتیست (۱۹۶۳) ـ ...

۵۲ـ تابستان ۴۲ (رابرت مولیگان) ـ وارنر (۱۹۷۱) ـ ۲۰/۵۰۰/۰۰۰

۵۳ـ کابوی نیمه شب (جان شلزینگر) ـ یونایتدارتیست (۱۹۶۹) ـ ۲۰/۳۲۵/۰۰۰

۵۴ـ فیلم صامت (مل بروکس) ـ فوکس (۱۹۷۶) ـ ۲۰/۳۱۱/۰۰۰

۵۵ـ دوازده مرد خبیث (رابرت آلدریچ) ـ مترو ـ یو. آر. (۱۹۶۷) ـ ۲۰/۲۰۰/۰۰۰

۵۶ـ میدوی (جک اسمایت) ـ یونیورسال (۱۹۷۶) ـ ۲۰/۳۰۰/۰۰۰

۵۷ـ کاباره (باب فاس) ـ آ ـ آ (۱۹۷۲) ـ ۲۰/۲۵۰/۰۰۰ "

۵۸ـ قدرت مگنوم (تد پاست) ـ وارنر (۱۹۷۳) ـ ۲۰/۱۰۰/۰۰۰

۵۹ـ دره عروسکها (مارک رابسون) ـ فوکس (۱۹۶۷) ـ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰

۶۰ـ زوج مضحک (جین ساکس) ـ پارامونت (۱۹۶۸) ـ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰

۶۱ـ الماسها ابدی هستند (گای هامیلتون) ـ یونایتدارتیست (۱۹۷۱)

۶۲ـ داستان وست ساید (رابرت وایز) ـ سون آرتز یونایتد (۱۹۶۱) ـ ۱۹/۴۵۰/۰۰۰

۶۳ـ شما فقط دوبار زندگی میکنید (لوئیس گیلبرت) ـ یو. آر (۱۹۶۷)

۶۴ـ بازگشت پلنگ صورتی (بلیک ادواردز) ـ یونایتدارتیست (۱۹۷۵)

۶۵ـ تعدیم با عشق (جیمز کلاول) ـ کلمبیا (۱۹۶۷) ـ ۱۹/۱۰۰/۰۰۰

۶۶ـ ایزی رایدر (دنیس هوپر) ـ ...(۱۹۶۹) ـ ۱۹/۱۰۰/۰۰۰

۶۷ـ سه روز کندور (سیدنی پولاک) ـ پارامونت (۱۹۷۵) ـ ۱۹/۰۵۱/۵۰۱

۶۸ـ فامیل سوییس رابینسون (کن آناکین) ـ بی ـ ب ـ و (۱۹۶۰) ـ ...۰۰۰/۰۰۰





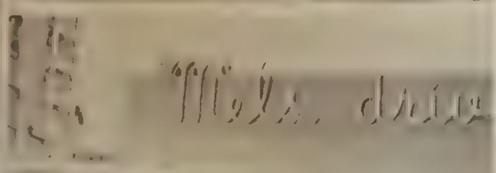
















(بالا بپائین بترتیب :
برباد رفته (رده پنجم)
نیش (رده ششم)
دیوانه‌ای ازقفس پرید (رده هفتم)
آمریکن‌گرافیتی (رده یازدهم)

بالا : آوارهها (نخستین فیلم [illegible]
آمریکا)
وسط : پدرخوانده (رده دوم)
پائین : نوای موزیک ماشکها ولبخندها

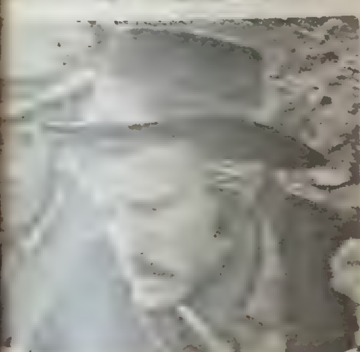




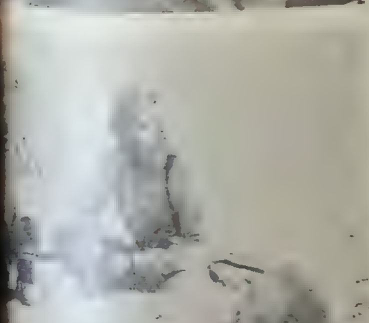


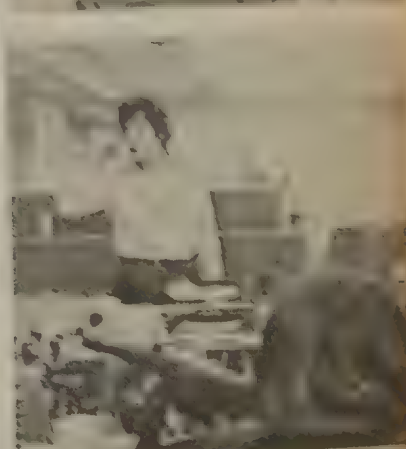






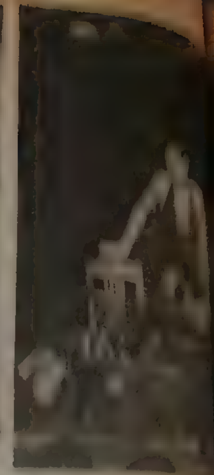
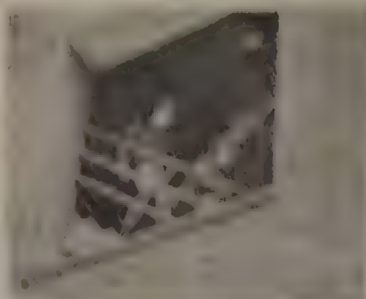
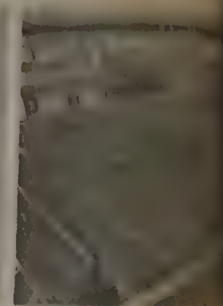


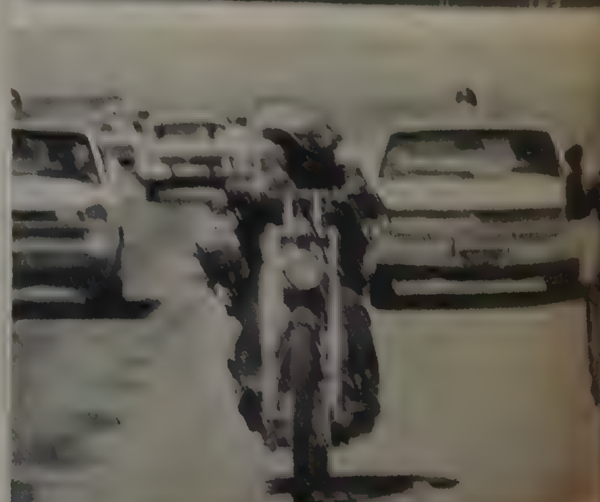




[illegible]
[illegible] ([illegible])
[illegible] ([illegible])
[illegible] کاساتی و [illegible] کند)
[illegible] جاسون ([illegible])

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]



نقطه نظرهای سینمائی
«یوسف شاهین»
سینماگر برجسته مصری



□ «درفیلم بازگشت پسر گمشده» ، رقص و آواز جای ویژه‌ای دارد . این توجه فراوان به رقص وآواز را چگونه توجیه میکنید ؟

یوسف شاهین ــ مصریها به رقص وآواز توجه فراوان دارند . یعنی که موسیقی درخون آنهاست . یقین دارم که تمام کشورهای عربی به رقص وآواز توجهی عمیق مبذول میدارند . چه ایرادی دارد که در فیلم به این خواست همگانی تماشاگر عرب ، توجه ــ بقول شما ــ فراوان شده‌باشد؟ اصولاتماشاگران‌عرب،پیامهائی را که با چاشنی رقص و آواز ارائه شود ، بهتر دریافت میدارند . من برای بیان حرفم واینکه بتوانم با توده تماشاگر رابطه برقرار کنم به این دو جنبه ــ رقص و [illegible]

[illegible]

من ، سینماست . یعنی که بواسطه‌ی این مدیوم میتوانم پیام خودرا ارائه کنم . حالا اگر بدانم با رقص و آواز بهتر میشود پیام را القا کرد و تماشاگـــر ازاینطریق بیشتر مستعد دریافت

... ی ر[illegible] آن چاپ کردم که در
نمایش درآمد و مورد استقبال
فیلم را مجانی به تلویزیون
پخش فیلم در تلویزیون پشتیبانی
... بود حالا جزء یکی از آثار
مصر است .
... دولت مصر ، فیلم ساختم .
... میتوانستم مشاغل دولتی بگیرم
[illegible]
... را زدم و به فیلمسازی ادامه‌دادم.
[illegible]
... شدم . یعنی پس از ۲۵ سال
... هنوز می‌باید در بدر دنبال تهیه کننده
[illegible]
... همین دلیل است . حالا عادلانه‌قضاوت
... یا من می‌توانم بی‌دغدغه ، فیلمی بسازم
... رعایت پسند متفنن تماشاگر نباشد ؟
[illegible]
از عهده من برمی‌آید ؟ بویژه آنکه
... ق سمج سینما هستم . بسیار خوب ، من
... رعایت حـال تماشاگر تفنن طلب ، سعی
... حرفها و پیام را بنحوی ارائه کنم . اگر
... آواز بخوانم ، میخوانم . اگر لازم
[illegible]
[illegible]

□ ... شاهینهای بی‌رنگ ، ... ان وقایع فیلم
... رخدادهای لبنان بچشم می‌آید . این
... است ، یا طرح قبلی داشته است؟

یوسف شاهین ــ گفته‌ی شما را تائید
... در حقیقت من اوضاع لبنان را دراین
... بینی کرده‌ام . من این جنگ خانگی
... ها را ، نزدیك میدیدم . بهمین‌خاطر
... براساس این پیش‌بینی ساخته شد . خود
... با اتفاقات لبنان ، بیراهه هم نرفته‌ام،
... من با آگاهی کامل درباره
... این فیلم را ساخته‌ام و هیچ‌چیز در
... موجود لبنان اتفاقی نیست .

□ ... آنجا که معارفه‌ای با کارهـای
شما نداریم ، این پرسش پیش می‌آید که
... خود دارند ؟ یعنی فیلمهابنان
... که حتی بی‌امضای شما ، مشخص
... شما آنرا ساخته‌اید ؟

یوسف شاهین ــ همیشه سعی کرده‌ام ، سبك آزادی را در فیلمسازی رعایت کنم . من بـا
[illegible]
[illegible]
عقده‌ای درسبك ندارم . هرسبکی که بتواند بهتر
[illegible]
برای من گفتن حرفها وارتباط با تماشاگر است.

□ فکر نمی‌کنید که این‌بکارگیری‌سبکهای مختلف ، نتواند تماشاگرانی علاقمند به‌فیلمهای شما ، دست‌وپا کند ؟ یعنی این پراکندگی سبك میتواند تماشاگر را از اعتقاد به شما باز دارد .

یوسف شاهین ــ من باید جای تماشاگر فیلمهایم باشم تا بتوانم نقص‌کارم را دریابم . بهرحال این سبك آزادی که من ازآن تبعیت میکنم ، تجربه‌ای‌ست . شاید زمانی برسد کـه من ناگزیر شوم قالب مشخصی برای بیان عقایدم برگزینم درآن زمان نیازی به‌این گزینش‌قالب
[illegible]

□ فیلم «بازگشت‌پسر گمشده» درجشنواره شرکت دارد ، مهمان جشنواره هم هستید ، جشنواره را چگونه می‌بینید ؟

یوسف شاهین ــ جشنواره‌ی تهـران بی‌معارف ، رویداد هنری مهمی‌ست . نکته‌ای‌که بر جشنواره وارد است ، تعدد فیلمهاست‌که معلوم نیست چگونه می‌باید باوقت کنار آمد . برنامه سخت فشرده‌ای است . من بعنوان یك تماشاگر علاقمند ، نمیدانم تکلیفم با اینهمه فیلم چیست . گاهی میان دو فیلم خوب‌که در دو سینماهمزمان به نمایش درمی‌آید ، مجبور به‌قرعه‌کشی میشوی. بسیاری از فیلمهای مورد علاقه‌ات را ، هم از دست میدهی که تأسفی بدنبال دارد . معتقدم‌که میتوان برنامه‌هائی از جشنواره را در طی سال اجرا نمود . سینماهائی ویژه نمایش فیلمهای جشنواره ساخت یا خرید واقدام به نمایش مثلاً فیلمهای «فلینی» یا «کیتون» نمود . این‌کـار باعث میشود که هم از فشردگی جشنواره کاسته شود ، هم اینکه تماشاگر علاقمند ، هیچ فیلمی‌را از دست ندهد . در مقابل اینهمه فیلم ، تماشاگر واقعاً کلافه میشود . دیدن چند فیلم در روز فرصت فکر کردن درباره‌ی آنهارا از تماشاگر میگیرد . من بشخصه علاقمند تماشای فیلمهای ایرانی بودم . بیشتر فیلمهائی که دیدم درباره‌ی کودکان ومسائل مربوط به آنها بود . نمیدانم چرا . در جشنواره قاهره ، ۵ فیلم ایرانی‌شرکت داشت که میان انبوه فیلمهای آمریکائی گم‌شد. متأسفانه فکر میکنم میباید با رفتاری اصولی به نمایش فیلمهای ایرانی در مصر ، شناخت بیشتری را درباره سینمای ایران میسر گردانید . مـا می‌باید خودرا بهمدیگر نزدیکتر کنیم . فکر میکنم سینمای شما و همچنین مصر ، لیاقت‌مطرح شدن در جامعه جهانی سینمارا داراست .

□ هرکوششی بـرای این مطرح شدن



تاکنون با شکست مواجه شده است . شما چه راهی را برای‌اینکه سینمای‌ایران و مصرقدم‌در عرصه جهانی بگذارد پیشنهاد میکنید؟

یوسف شاهین ــ هم‌اکنون درکشورهای جهان سوم ، فیلمهای خوبی ساخته میشود که بی‌تردید ، جنبه جهانی دارد . بگذارید بگویم این اتفاقی نیست که فیلمهای جهان سوم، امکان نمایش در جهان را نمی‌یابد . بعنوان مثال من فیلم ایرانی «پستچی» را در حد یك اثرجهانی میدانم . چرا چنین فیلمی درجهان امکان نمایش پیدا نمی‌کند ؟ معتقدم کـه می‌باید کمپانیهای فیلمساز خارجی را در مقابل این مسئله قرارداد که مثلاً در قبال هره فیلم شما که اغلب‌مزخرف هم هستند یك فیلم از کشور مارا پخش کنید وگرنه ازنمایش فیلمهایتان دراینجا خبری‌نیست. این تنها راهست . آنهارا باید مجبور کرد . وگرنه خودشان به ترقی و پیشرفت سینمای‌جهان سوم کمترین علاقه‌ای ندارند . مایل هم‌نیستند که سینمای کشورهای ما در گستره‌ی جهانـی شناخته شود .

□ آنها مدعی‌اند که ما محتاج فیلمهای آنانیم ، نه آنها نیازمند فیلمهای ما ...

یوسف شاهین ــ بگذاریدآنها مدعی‌باشند، واقعیت چیز دیگری‌ست . چـرا ما باید تنها مصرف‌کننده باشیم ؟ ما نمی‌گوئیم بازار خودرا دراختیار ما بگذارید . حرفمان اینستکه [illegible] خوب مارا که قابلیت عرضه جهانی دار[illegible] کنید . فکر نمیکنم این فیلمها تعدادشان‌[illegible] زیاد باشد که بازار آنهارا به تصرف درآورد .

... شده . خوشبختانه تکاپو

... ران چاپ کردم که در
... ش درآمد ومورد استقبال
... فیلم را مجانی به تلویزیون
... ش فیلم در تلویزیون‌پشتیبانی
... بود حالا جز، یکی از آثار
... مصر است .

... دولت مصر ، فیلم ساختم .
... متوانستم مشاغل دولتی بگیرم
... های فیلمسازی ، زندگی آرامی
... ما جدائـی ازیك عشق بزرگ
... است ؟ اینطور شد که قید تمام
... را زدم و به فیلمسازی ادامه‌دادم.
... ستم پولی پیدا کنم . این شد کـه
... شدم . یعنی پس از ۲۵ سال
... هنوز می‌باید دربدر دنبال تهیه‌کننده
خوشبختانـه الجزیره‌ئی‌ها بمن اعتماد
فیلمهای مرا دیده‌اند وبی‌آنکه سناریوی
... گشت پسر گمشده» را بخوانند امکانات
... ختیارم گذاشتند . اگـر شما عنوان
مشترك الجزایر ومصر را در تیتراژفیلم
... به همین‌دلیل است . حالا عادلانه‌قضاوت
... با من می‌توانم‌بی‌دغدغه ، فیلمی بسازم
... رعایت پسند متفنن تماشاگر نباشد ؟
... فیلم بسازم . چکار دیگری ــ پس از
... ــ ازعهده من برمیآید ؟ بویژه آنکه
... عشق سمج سینما هستم . بسیار خوب ، من
رعایت حـال تماشاگر تفنن طلب ، سعی
حرفها و پیام را بنحوی ارائه کنم . اگر
... شد آواز بخوانم ، میخوانم . اگر لازم
رقصهای پیاپی در فیلم بگذارم ، اینکار را
. من به هدف خود احترام میگذارم .
که چه میخواهم بگویم .

□ شباهتهائی پررنگ ، میان وقایع فیلم و رخدادهای لبنان بچشم می‌آید . این ... است، یا طرح قبلی داشته است؟

یوسف شاهین ــ گفته‌ی شما را تائید ... در حقیقت من اوضاع لبنان را دراین ... پیش‌بینی کردمام . من این جنگ خانگی ... کشی‌ها را ، نزدیك میدیدم . بهمین‌خاطر ... براساس این پیش‌بینی ساخته شد . خود ... که با اتفاقات لبنان ، بیراهه هم نرفته‌ام، ... شما اینست : من با آگاهی کامل درباره ... سان این فیلم را ساخته‌ام و هیچ‌چیز در ... جمع موجود لبنان اتفاقی نیست .

... از آنجا که معارفه‌ای با کارهـای ... شما نداریم ، این پرسش پیش می‌آید که ... کی ویژه‌ی خود دارید ؟ یعنی فیلمهایتان ... بستکه حتی بی‌امضای شما ، مشخص ... که شما آنرا ساخته‌اید ؟

یوسف شاهین ــ همیشه سعی کرده‌ام، سبك آزادی را در فیلمسازی رعایت کنم . من بـا چارچوب ومحدودیت مخالفم . هرفیلم من به سبکی ساخته شده . قبلاً هم گفتم کـه هیچ عقده‌ای درسبك ندارم . هرسبکی که بتواند بهتر حرفهایم را ارائه کند آنرا برمی‌گزینم . مهم برای من گفتن حرفها وارتباط با تماشاگرانست.

□ فکر نمی‌کنید که این‌بکارگیری‌سبکهای مختلف ، نتواند تماشاگرانی علاقمند به‌فیلمهای شما ، دست‌وپا کند ؟ یعنی این پراکندگی سبك میتواند تماشاگر را از اعتقاد به شما باز دارد .

یوسف شاهین ــ من باید جای تماشاگر فیلمهایم باشم تا بتوانم نقص‌کارم را دریابم . بهرحال این سبك آزادی که من ازآن تبعیت میکنم ، تجربه‌ای‌ست . شاید زمانی برسد کـه من ناگزیر شوم قالب مشخصی برای بیان عقایدم برگزینم دراین زمان نیازی به‌این گزینش‌قالب مشخص احساس نمی‌کنم.

□ فیلم «بازگشت‌پسر گمشده»درجشنواره شرکت دارد ، میهمان جشنواره هم هستید ، جشنواره را چگونه می‌بینید ؟

یوسف شاهین ــ جشنواره‌ی تهـران بی‌تعارف ، رویداد هنری مهمی‌ست . نکته‌ای‌که بر جشنواره وارد است، تعدد فیلمهاست‌که معلوم نیست چگونه می‌باید باوقت کنار آمد . برنامه سخت فشرده‌ای است . من بعنوان یك تماشاگر علاقمند ، نمیدانم تکلیفم با اینهمه فیلم چیست . گاهی میان دو فیلم خوب‌که در دو سینماهمزمان به نمایش درمی‌آید ، مجبور به‌قرعه‌کشی میشوی. بسیاری از فیلمهای مورد علاقه‌ات را ، هم از دست میدهی که تأسفی بدنبال دارد . معتقدم‌که میتوان برنامه‌هائی از جشنواره را در طی سال اجرا نمود . سینماهائی ویژه نمایش فیلمهای جشنواره ساخت یا خرید واقدام به نمایش مثلاً فیلمهای «فلینی» یا «کیتون» نمود . این‌کـار باعث میشود که هم از فشردگی جشنواره کاسته شود ، هم اینکه تماشاگر علاقمند ، هیچ فیلمی‌را از دست ندهد . در مقابل اینهمه فیلم ، تماشاگر واقعاً کلافه میشود . دیدن چند فیلم در روز فرصت فکر کردن درباره‌ی آنهارا از تماشاگر میگیرد . من بشخصه علاقمند تماشای فیلمهای ایرانی بودم . بیشتر فیلمهائی که دیدم درباره‌ی کودکان ومسائل مربوط به آنها بود . نمیدانم چرا . در جشنواره قاهره ، ۵ فیلم ایرانی‌شرکت داشت که میان انبوه فیلمهای آمریکائی گم‌شد. متاسفانه فکر میکنم میباید با رفتاری اصولی به نمایش فیلمهای ایرانی در مصر ، شناخت بیشتری را درباره سینمای ایران میسر گردانید . مـا می‌باید خودرا بهمدیگر نزدیکتر کنیم . فکر میکنم سینمای شما و همچنین مصر ، لیاقت‌مطرح شدن در جامعه جهانی سینمارا داراست .

□ هرکوششی بـرای این مطرح شدن تاکنون با شکست مواجه شده است . شما چه راهی را برای‌اینکه سینمای‌ایران و مصرقدم‌در عرصه جهانی بگذارد پیشنهاد میکنید؟

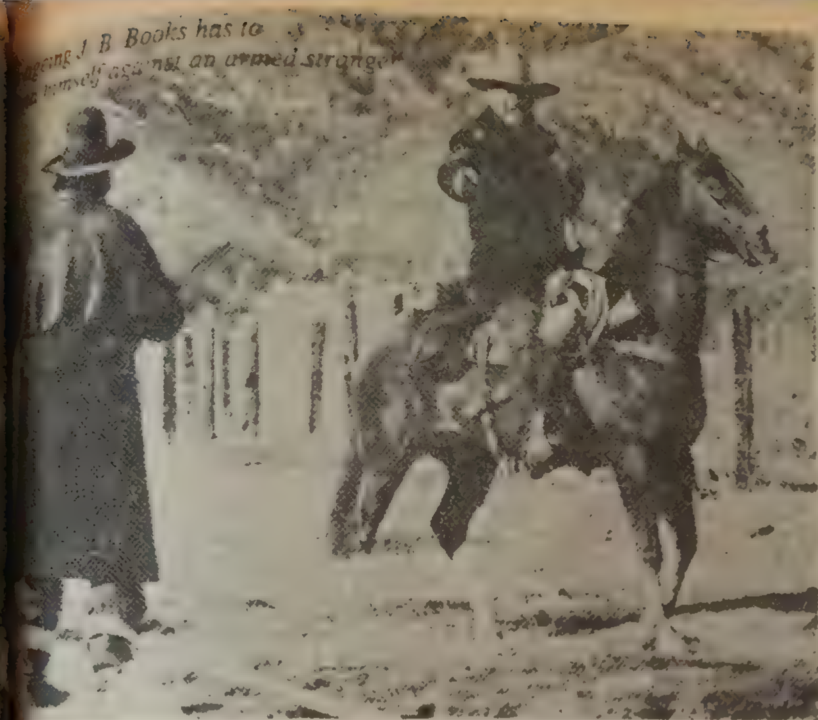
یوسف شاهین ــ هم‌اکنون درکشورهای جهان سوم ، فیلمهای خوبی ساخته میشود که بی‌تردید ، جنبه جهانی دارد . بگذارید بگویم این اتفاقی نیست که فیلمهای جهان سوم، امکان نمایش در جهان را نمی‌یابد . بعنوان مثال من فیلم ایرانی «پستچی» را در حد یك اثرجهانی میدانم . چرا چنین فیلمی درجهان امکان نمایش پیدا نمی‌کند ؟ معتقدم کـه می‌باید کمپانیهای فیلمساز خارجی را در مقابل این مسئله قرارداد که مثلاً در قبال هره فیلم شما که اغلب‌مزخرف هم هستند یك فیلم از کشور مارا بخش کنید، وگرنه ازنمایش فیلمهایتان دراینجا خبری‌نیست این تنها راهست . آنهارا باید مجبور کرد وگرنه خودشان به ترقی و پیشرفت سینمای‌جهان سوم کمترین علاقه‌ای ندارند . مایل هستم که سینمای کشورهای ما در گستره‌ی جهانی شناخته شود .



□ آنها مدعی‌اند که ما محتاج فیلمهای آنانیم ، نه آنها نیازمند فیلمهای ما ...

یوسف شاهین ــ بگذاریدآنها مدعی‌باشند، واقعیت چیز دیگری‌ست . چـرا ما باید ... مصرف‌کننده باشیم ؟ ما نمی‌گوئیم بازار خو... دراختیار ما بگذارید . حرفمان اینست که ... خوب مارا که قابلیت عرضه جهانی ... کنید . فکر نمیکنم این فیلمها نه ... زیاد باشد که بازار آنهارا ...

بهترین‌های ٧٦ از دیدگاه منتقدین مجله فیلمزاند فیلمینگ



تیرانداز : بهترین وسترن سال



پیك‌نیك درهنگینگ راك : بهترین فیلم ترسناك سال

☐ بهترین فیلم سال : سکه [illegible] (سیدنی‌لومت).

☐ بهترین کارگردان : میلوس فورمن بخاطر کارگردانی فیلم «دیوانه‌ای ازقفس‌پرید» (ایالات متحده امریکا) :

☐ بهترین آکتریس : «ادری هیبورن» برای‌بازی درفیلم «رابین‌وماریان» به‌کارگردانی «ریچارد لستر» (انگلستان)

☐ بهترین آکتور : «داستین‌هافمن» برای بازی درفیلم «ماراتون من» (ایالات متحده امریکا) — کارگردان : جان شلزینگر.

☐ بهترین فیلم خارجی : «مردی که بزمین افتاد» ساخته‌ی «نیکلاس روئگ».

☐ بهترین آکتریس نقش‌دوم : «مدهور جفری» برای بازی درفیلم «اتوبیوگرافی یك پرنسس» (انگلستان).

☐ بهترین آکتور نقش‌دوم: «ران‌هوارد» برای بازی درفیلم «تیرانداز» (دان سیگل).

☐ بهترین سناریوی اریژینال : «شبکه تلویزیونی» نوشته «پدی چایفسکی» ساخته‌ی (سیدنی‌لومت — ایالات متحده آمریکا).

☐ بهترین اقتباس برای فیلم : «ویلیام گلدمن» برای فیلم «تمام مردان رئیس‌جمهور» (ایالات متحده آمریکا).

☐ بهترین فیلمبرداری : «جان‌آلکوت» برای فیلمبرداری «باری لیندون» (انگلستان).

☐ بهترین تدوین : «مایکل داتری» و «پیترهنت» برای فیلم «فریاد بر شیطان» (انگلستان).

☐ بهترین کارگردانی هنری: «کن‌آدام» برای فیلم «باری‌لیندون».

☐ بهترین طراح‌لباس: «استانلی کوبریك» برای فیلم «باری‌لیندون».

☐ بهترین فیلم موزیکال : —

☐ بهترین فیلم وسترن : «تیرانداز» ساخته‌ی «دان‌سیگل» (ایالات متحده آمریکا).

☐ بهترین فیلم ترسناك : «پیك‌نیك در هنگینگ‌راك» ساخته‌ی «پیتروير» (استرالیا).

☐ بهترین فیلم دلهره‌آور : «دونده ماراتون» ساخته‌ی «جان شلزینگر» (آمریکا).

☐ بهترین فیلم کمدی : «ون تن‌تن ... سگی که هالیود را نجات داد» ساخته‌ی «مایکل وینر» (ایالات متحده‌آمریکا).

☐ بهترین فیلم مستند ... سرود است» ساخته‌ی «لدزیلیر

☐ بهترین فیلم حادثه‌ای ... میخواست سلطان باشد» ساخته ... (ایالات متحده آمریکا).

☐ بهترین‌فیلم نقاشی متحر... ساخته‌ی «باب گادفری» (انگلستا...

☐ بهترین سازنده موسیقی ... شایر» برای ساختن موزیك متن فی...











پنجاه سال فیلمسازی در ایران در برنامه «فانوس خیال ما»

ایرج صابری

... بجائی شده بود ــ منتها با این تفاوت که ... برای حادثه‌سازی مورد بهره‌برداری ... چون حوادث آن در اطراف خلیج و فصیح ... بوده و قهرمان ماجرا هم یک مأمور دولت ... زد اگرچه در هندوستان تهیه شده اما همیشه ... ایران مورد ... [illegible]

... ایران پس از فعالیت های کوتاه مدت و محدود ... در زمان صامت و کارهای مرحوم سپنتا در هندوستان ... در حال فترت بود ــ تا اینکه دکتر اسماعیل ... تأسیس استودیو میترافیلم کار فیلمسازی را بطور ... در ایران بدست گذاشت . بیشتر فیلم‌های این سالها ... ناموسی و خانوادگی بودند که «افسونگر» ... دکتر کوشان می‌تواند معرف کامل سینمای ایران ... سالهای ۳۰ باشد ــ فیلم‌هائی که از همسر و معشوقه ... وفادار میگویند ــ در بیشتر این فیلمها می‌بینیم که ... زنهای هوسباز چگونه خوشبختی‌های خانواده‌ها ... تهدید قرار می‌دهند ــ اما سرانجام همیشه حق ... و نور بر ظلمت فایق می‌آید و خوشبختی خانواده‌ها ... میگردد. «فانوس خیال ما» پس از «افسونگر» ما را ... (۱۳۳۶) می‌برد و فیلم «شب‌نشینی در جهنم» ساخته ... (مروری) را به‌ما معرفی می‌نماید.

... «شب‌نشینی در جهنم» نخستین فیلم فارسی است که در ... جشنواره جهانی به‌نمایش درآمد (جشنواره برلین) در ... ما با فانتزی بطور کامل مواجه‌می‌شدیم ــ البته قبل از این‌هم در سینمای ایران مورد استفاده قرار ... [illegible] ... شب‌نشینی در جهنم ... کامل‌تری از آن ... هستیم ــ بخصوص اینکه از تروکاژ هم استفاده ... «لات جوانمرد» (۱۳۳۷) مجید محسنی براساس ... قراردادهای سینمای خانوادگی و ناموسی یک‌کار ... ــ و برای نخستین‌بار به‌لوطی‌ها و جاهل‌ها و دنیای ... آنها می‌پردازد ــ در این فیلم بطور کامل دوربین ... [illegible] از فضای بسته داخل دکورها به‌فضاهای باز ... شده ــ داستان فیلم بیشتر در کوچه‌ها و خیابانها ... آشنا می‌گذرد .

... اگر در کتاب سینمای ایران فصلی بنام سینمای جاهلی ... ــ مسلماً «لات جوانمرد» آغازگر این فصل خواهد ... «شب قوزی» فرخ غفاری (۱۳۴۳) که‌براساس قصه‌ای ... از یک کتاب ساخته شده است در واقع نخستین فیلم ... قابل اعتنای سینمای ایران است که میتوان آن‌را ... جهش‌های بزرگ برای رهائی از قیدوبند و قراردادهای ... غلط فیلمسازی در ایران دانست که بعداً می‌بینیم ... حرکت درآوردن موج نوئی در این‌سینماشد.

... از آن ما به «گنج قارون» سیامک یاسمی برمیخوریم ... که حرکت تازه‌ای به سینمای حرفه‌ای ایران داد ... از رکود درآورد. فروش فوق‌العاده این فیلم هنوز ... [illegible] ... اکثریت قابل اعتنای تماشاچیان را باسینمای ... آشتی داد و باعث‌شد تاموجی ازفیلم‌های گنج‌قارونی ... ایران را فراگیرد ــ که در آن‌ها عشق، کاغذ و دختر ... جوان‌عاشق بی‌پول ولی خوش‌صدا مطرح میشد.

... «عروس دریا» آرمان (۱۳۴۴) و «خداحافظ تهران» ... تجیکیان (۱۳۴۵) دوچهره متفاوت دیگر از ... چهره‌ای هستند که در آنها سعی شده بود تا استفاده ... صاحبان سینماها و تماشاچیان کارمتفاوتی ... و این فیلمها را میتوان به عنوان استثناهائی ... ایران مورد مطالعه قرار داد . با این گریزهاست ... همچون «شوهر آهوخانم» داود ملاپور ... «قیصر» مسعود کیمیائی (۱۳۴۸) و «گاو» داریوش مهرجوئی (۱۳۴۸) فرصت خودنمائی می‌یابند و جوانان علاقمند استودیوها را فتح می‌کنند وموج نوئی در سینمای ایران به حرکت درمی‌آید . موجی که به‌تمام مقررات سینمای سنتی پشت می‌کند و نحوه آئین تازه‌ای برای آن میسازدکه ادامه حرکت این موج را درفیلمهای «داش‌آکل» کیمیائی (۱۳۵۰) و «پستچی» مهرجوئی (۱۳۵۱) و «رگبار» بهرام بیضائی (۱۳۵۱) و «بسی‌تا» هژیر داریوش (۱۳۵۱) و «صبح روز چهارم» کامران شیردل (۱۳۵۱) می‌بینیم

برنامه «فانوس خیال ما» در آخرین روزهای‌خود بیشتر به‌استثناءها وکارهای تجربی و بطورکلی سینمای نوی ایرانی توجه داشت‌که درطی آن فیلم «سازدهنی» امیر نادری را برای علاقمندان به‌نمایش گذاشت و پس ازآن به‌دوکار تجربی توجه نمود «مغولها» پرویز کیمیاوی و «آرامش در حضور دیگران» ناصر تقوائی...

فیلمهای «مسافر» و «تجربه» از عباس کیارستمی و «یک‌اتفاق ساده» و «طبیعت بی‌جان» از «سهراب‌شهیدثالث»، می‌توانند نمایندگان سینمای غیر حرفه‌ای ایران‌دراین برنامه باشند ــ این‌فیلمها توسط وزارت فرهنگ و هنر وکانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تهیه شده ــ «فانوس خیال‌ما» کار خود راسرانجام بافیلم «خوابنامه رحمان سرایدار» خسرو هریتاش تنها فیلم قابل اعتنای سال ۵۴ بپایان می‌برد و دفتر نیم‌قرن فعالیت فیلمسازی‌در ایران را می‌بندد

و حالا در اینجانگاهی‌گذرا داریم به‌برخی‌ازفیلم‌های نمایش داده شده در بخش «فانوس خیال‌ما»

دختر لر،

نخستین فیلم گویا بزبان فارسی

وقتی در تاریخ سینمای ایران و شناختن اولین‌فیلم ایرانی کنجکاوی میشود قبل از هرچیز نام‌فیلم «دختر لر» یا «جعفر وگلنار» بیاد می‌آید ــ درحالی‌که سینمای ایران با این فیلم شروع نشده‌است‌وقبل‌ازاینکه «دختر لر» ساخته شود و بروی پرده بیاید ــ سینماوفیلمسازی در ایران بدون سابقه نبود ــ منتها تاقبل از این تاریخ، تمام فیلم‌هائی‌که ساخته شده بودند، صامت بودند و شاید بهمین خاطر مهجور مانده‌اند . «دختر لر» بخاطر اینکه نخستین فیلم ناطق بود و شخصیتهای آن بزبان فارسی حرف میزدند ــ دریادها مانده است.

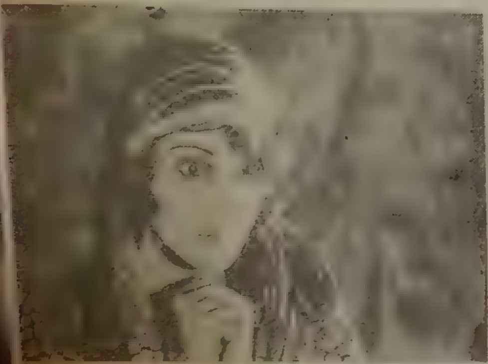
این فیلم حدود چهل سال قبل ساخته شده و بروی پرده آمده است‌که نمایش آن در آن‌زمان هیجان فراوانی بهمراه آورد و مدتها به‌روی پرده‌سینماهای تهران و شهرستانها بود .

«دختر لر» زمانی ساخته شدکه‌هنوز امکانات سینمای ناطق در ایران وجود نداشت، بخاطر همین «عبدالحسین سپنتا» آن را درهندوستان تهیه کرد و خود عهده‌دار نقش ... شد

مرحوم سپنتا در این فیلم رل یک مامور ایرانی را داشت که وظیفه داشت تا راهزنان وعشایر یاغی را تنبیه‌وتنبیه‌که و«گلنار» دختر جوانی راکه قلی‌خان رهبر راهزنان ربوده و اسیر کرده بود نجات دهد. در طی همین‌ماجرا جعفر مامور شجاع و «گلنار» عاشق یکدیگر میشوند و عشق‌های دیگری پیش می‌آید...

یکی دیگر از دلایل موفقیت این فیلم تنوع حوادث در قصه‌ی آن بود ــ که ازیکطرف مرحوده و نزاع آنرا هیجان‌انگیز و ازطرف دیگر وجود عشق، این‌ماجرا را حساس و پرکشش ساخته بود.







[illegible]

...جالب در این ... است که در این برخورد ... [illegible] ... ‌های اغواگرانه زن ... امروزی درست برعکس و برپایه ... [illegible]

«افسونگر» در کنار تمام این مسایل ... [illegible] ... چهره گرفته است ... موقعیت فوق‌العاده‌ای در میان ... سینمای ایران همیشه ... داشته است تماشاگر می‌ ... و با بازیگران محبوب ... به سینما ... اینجا نیز همه‌نوع فرصت برای دلکش فراهم ... ترانه‌های خود را که در میان ... اجرا نماید هرچند که بهانه ... [illegible]

لات جوانمرد،

نخستین نگاه صادقانه . . .

«لات جوانمرد» نخستین نگاه صادقانه سینمای ایران به‌قشر خاصی از جامعه ما ... آدم‌هائی بنام لات یا جاهل ... [illegible] ... محله‌ای برای خود یك جاهل یا به‌اصطلاح لا... ساکنان محله از نظر روانی میخوا... در بالای‌سرشان باشد تا هم خود از او ... حمایت او باشند

لات آدم قلدری بود که‌قلدری و قدر ... حمایت از مردم میشد و او از نظر خلو ... نیمه‌بدوی داشت و صداقت و صمیمیت او ... همه به او اعتماد داشته باشند ... [illegible] ... جوانمرد» بالحنی طنزآمیز به‌زندگی ... می‌کند و می‌بینیم که او چگونه مور ... بطوری‌که وقتی یکی از ساکنان محل ... را دارد تمام زندگی و حتی عنان اخ ... بدست او می‌سپارد و او برای ... می‌کند و حتی متهم به‌قتل‌میشود و ... می‌کشد.

مجید محسنی در این‌فیلم برا ... ایران دوربین فیلمبرداری را از دا ... و به‌فضای آزاد و کوچه و خیابان‌ه ... از این اگر چنین‌کاری در سینمای ... شتابزده و ناشیانه انجام میگرف ... دکور در فیلم‌های‌ایرانی خیلی ... اما مجید محسنی باهمکاری‌خوب ... فیلم بالانگ‌شاتهای طولانی سعی ... دکور باشند و این تمایل ازهمان ... امین‌سلطان گرفته شده کاملا مشهود ا ... که قهرمان در درشکه نشسته و ... دوربین همپای حرکت درشکه پیش ...

«مجید محسنی» در این فیلم ... به‌واقعیت روی می‌کند اما در پیشبرد ... فیلم همچنان به‌گذشته‌ی سینمای ایرا ... می‌دهد و سعی می‌کند همچنان در چه ... بماند ــ که یادگاری است از نفوذ فیلم ... در ایران، و این در واقع نوعی عدم ... است ــ با این توجه که باید هرچه بیشتر ... تاثیر قرار داد و می‌بینیم که گاه‌بازیها ... تئاتری بخود میگیرند و اغلك و آه ...

[illegible] ... سینما و ... ایران ... [illegible]

[illegible]

افسونگر،

نخستین چهره‌های محبوب

«افسونگر» با بیست و چهار سال قدمت متعلق به سالهای ... [illegible] ... سینمائی در ایران است ــ که توسط دکتر ... کوشان ساخته شده . دکتر کوشان ابتدا با تاسیس ... [illegible] ... و سپس با گشودن استودیو پارس‌فیلم ... [illegible] ... را در ایران پایه‌گذاشت و بطور مداوم تا به‌امروز ... [illegible]

«افسونگر» مثل تمامی‌آثار اولیه‌سینمای ایران از نظر ... [illegible] ... و نارساست. البته با برگشت به‌سال ... [illegible] ... این فیلم، می‌بینیم که سینما در امریکا و کشورهای اروپائی بطور کامل بالغ شده و برای خود گرامر و قوانین خاصی را پذیرفته است. مخصوصاً اینکه سینمای امریکا ... [illegible] ... و آثاری که‌در این‌سالها عرضه میدارد ... هم میتواند مورد مطالعه و تعمق قرار گیرد ــ اما بنظر می‌آید که سینماگران ایرانی هیچ‌جدا از این‌تحولات آگاهی ... [illegible] ... و خود میخواهند سینما را کشف و تجربه نمایند ... و احتمالا برای آن دستورالعمل تازه‌ای بنویسند .

فیلم «افسونگر» می‌تواند نمونه جالبی برای این‌ادعا باشد. ... [illegible] ... روایت یك‌قصه‌ی ملودرام است که ... [illegible] ... با کلام و گفتار بیان و به‌جلو کشانده میشود ــ ... [illegible] ... میزانسن و قطع و وصل صحنه‌ها فرمی ابتدائی ... [illegible] ... و بدون هیچ منظور خاصی انجام‌میگیرد.

... [illegible] ... با نارسائی کامل فیلمنامه شده است، یا بهتر ... [illegible] ... اصولا فیلمنامه‌ای در کار نیست ، فقط روایتی از یك ... [illegible] ... فیلمساز بوده ــ و نویسنده برای جلب‌تماشاچی سعی می‌کند تا هرچه بیشتر احساساتی باشد و بنای کار را براساس ... [illegible] ... یك زن ... قرار میدهد. زنی ... برای ارضای تمایلات خود هیچ ابائی ندارد ... حتی‌اگر ... [illegible] ... را در هم بریزد ، یا در جائی ... [illegible] ... که قهرمان‌قصه‌طی حادثه‌ای به‌بیماری فراموشی مبتلا شده است و از زن و فرزندش دور میشود و تمام‌این ... [illegible] ... بمنظور تحریك احساسات و عواطف تماشاگر





[illegible]





[illegible]

...یک قهرمان تنفی را دنبال ... این کارگردان، در میان ... یک فیلم خاص دیرسیم: خداحافظ ... درونمایه اساس این فیلم ... آنچه را که در توانائی داشت و از ... این فیلم گذاشت. «خداحافظ تهران» ... ایران در پشت به فیلمهای «گنج ... وجه داشت، هوای تازه‌ای بود. استقبال گسترش ... این فیلم به عمل آمد، بار دیگر از خاچیکیان کارگردانی ...

[illegible]

...موئل خاچیکیان،

[illegible]

شوهر آهوخانم،

فیلمی ساده و رسا

[illegible]

[illegible]

قیصر ،



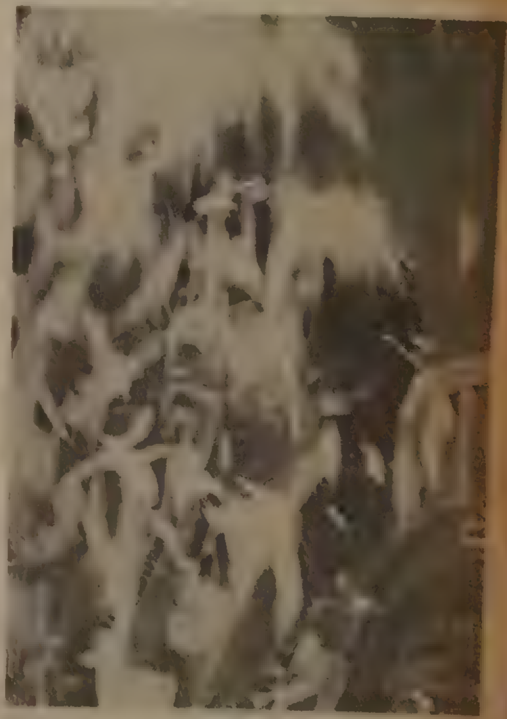


«ایران دفتری ، ناصر ملک مطیعی وبهروز وثوقی» دردو نما ازفیلم «قیصر» ساخته «مسعود کیمیائی» . .









بالا : یك اتفاق ساده (سهراب شهید ثالث)
پائین : بی‌تا (هژیر داریوش)

یك اتفاق ساده،

فیلمسازی کار آسانی است!

«سهراب شهید ثالث» بدون کمترین ادعائی با ساختن یك فیلم بسیار ساده و صمیمی و بدون حادثه سینمائی، فضای تازه‌ای در سینمای ایران گشوده است و خوداو دراین مورد میگوید:

ــ یك اتفاق ساده داستان ندارد. گزارش روزانه زندگی یك پسربچه است که در «بندرشاه» زندگی می‌کند...

واقع‌هم چنین است فیلم «یك اتفاق ساده» که حتی اتفاق ساده‌ای هم در آن به‌وقوع نمی‌پیوندد، گزارش روزانه زندگی پسربچه‌ای است که‌درمدرسه‌سرگرم‌تحصیل است وگاه به‌پدرش که‌ازطریق قاچاق ماهی صید می‌کند، کمك می‌کند.

«شهید ثالث» سعی می‌نماید تصاویری واقعی وتقریباً منطبق با لحظات زندگی از نظر زمانی ارائه‌نمایدوبمنظور حفظ رئالیسم از افراد عادی کوچه و خیابان بـرای ایفای رلهای فیلم بهره‌گرفته است. فیلم بحدی ساده و بی‌آلایش است‌که گاه این توهم برای تماشاگر پیش می‌آید که فیلمسازی کار آسانی است و همین خصیصه فیلـم، سینمای نئورئالیستی ایتالیا را تداعـی می‌نمایدـبی‌آنکه «شهید ثالث» تحت تاثیر آن سینما باشد.

آنچه‌که در این‌کار «شهید ثالث» اهمیت‌فوق‌العاده‌ای دارد، وفاداری و صداقتی است‌که فیلمساز نسبت به‌خـود و خواسته‌هایش ابراز میدارد.

«شهید ثالث» بالحنی طنزآمیـز درباره‌این‌کارش میگوید

ــ وقتی سناریو این فیلم تمام‌شد، امیدی به‌ساختنش نبودـاینطور فیلمها نه‌نفعی به‌حال جامعه دارند، نه‌نفعی بحال تهیه‌کننده! خصوصاً اینکه فیلم «پیام» هم ندارد و این‌کار را خراب می‌کند ولی بهرحال‌با ساختن‌این‌فیلم موافقت‌شد ...» و در جائی دیگراز‌او‌می‌شنویم‌که‌میگوید

ــ سینما در حال حاضر نمی‌تواند همیشه قصه‌ساز باشد. مسئله‌ی من دراین فیلم نشان دادن واقعیت است ونشان‌دادن زندگی آدمهائی که قهرمان نیستـند نه‌فقط قهرمان نیستند بلکه خیلی هم‌عادی و ساده‌اند. و خـود از زندگی وگذران آن تلقی خاصی ندارند و طی‌سلك عادت آن را هر روز تکرار می‌کنند.

بهر حال‌این‌فیلم‌بخاطر تمامیت‌درخشان‌وتصویرپردازی سینمائیش در بیان قصه‌ی ساده و شاعرانه برنده لوح‌زرین برمالدار برای بهترین‌کارگردانی میشود و این جـایزه در دومین جشنواره جهانی فیلم تهران به «سهراب‌شهید ثالث» اهدا شد.

***

«سهراب‌شهید ثالث» از جمله فیلمسازان نسل نوی سینمای‌ایران است‌که سینما را درخارج‌از کشورآموخته و در ایران‌کار خود را باساختن فیلم‌کوتاه «آیا؟» و «سیاه و سفید» شروع کرد.

تلاش‌های صمیمانه او برای پیوستن به سینمـای حرفه‌ای در همان مراحل نخستین با شکست مواجه‌میشود، چون‌نه‌صاحبان سینمای حرفه‌ای زبان او را می‌فهمیدند و نه او می‌توانست خواسته‌های آنها را به‌پذیرد. باینحال او از وفاداریش به‌سینما عدول نمی‌کند. «یك اتفاق‌ساده» نخستین فیلم بلند اوست‌که با برداشتی مستندگونه به‌ضبط لحظات بسیار ساده زندگی و آدمهایش می‌پردازد.

با تائیدی‌که مجامع هنری و جشنواره‌های جهانی نسبت به‌این فیلم نشان میدهند، خلاصه «شهید ثالث» به‌لیرت میرسد و او این مسیر خود را باساختن فیلم‌های «طبیعت بیجان» و «در غربت» ادامه میدهد.

در [illegible] بیجان او [illegible]

راهبان پیری توجه می‌کند [illegible] بنظر می‌آید [illegible]

این دنیا و هماهوش [illegible]

سرانجام رسیدن حکم بازنشستگی [illegible]

بحرن می‌آورد

در فیلم «در غربت» اونگاهی به [illegible] ترك در آلمان داردکه باز نشانی ازتنهائی و دورافتادن آنها از زندگی. این فیلم مثل [illegible] در مجامع هنری مورد تائید قرار گرفت [illegible] جایزه منتقدین بین‌المللی فستیوال برلین [illegible] فیلم به مفهوم مطلق از طرف مجمع [illegible] ومسئول برلین شناخته شد.

بی‌تا،

سینمائی کمیاب درایران

«بی‌تا» نخستین فیلم بلند و داستانی [illegible] است‌ـفیلمسازی‌که با نقد فیلم‌کار خود را شروع‌کرد و سپس برای آموختن سینما [illegible]

داریوش با سلیقه و توقع خاصی‌که [illegible] نمی‌توانست با خواسته‌های متداول تهیه‌کنندگان [illegible] بیایدـروی این نظر او چند سال‌پس [illegible] از مدرسه سینمائی در فرانسه عملاکار [illegible] جز اینکه به‌مناسبت‌هائی [illegible] و در واقع او تجربه‌های عملی خود را [illegible] کوتاه بدست آورد. تا اینکه در سال [illegible] وکمك‌های مالی سازمان رادیو تلویزیون [illegible] میشودکه براساس فیلمنامه‌ای از نوشته [illegible]

[illegible]

او درحالی که دختری عاد [illegible] طالب عشق و اردو [illegible] خود را می‌بارد، حتی [illegible]

داریوش خیلی دقیق و با ظ[illegible] حساس و عاطفی او را [illegible] روحیه‌های خاص و متفاوت [illegible]

«بی‌تا» متعلق به یك خانو[illegible] پدر به علت نوعی بیماری رو[illegible] است و ظاهراً او از آینده [illegible] است

مادر «بی‌تا» از آن نوع زن [illegible] که همیشه سعی می‌کند زندگی هم [illegible] نگهدارد. خواهرش نمونه و الگو [illegible] ازتنها خواهر و می‌بیند که «بی‌تا» [illegible] متمایل و متکی به پدر بیمارش [illegible] و سفر جوان محبوبش «بی‌تا» کاملاً تنـ[illegible] چنان سرپیچ برای او پیش می‌آید که [illegible] باقی نمی‌ماند تا او بطور طبیعی [illegible] و شیرین دخترانه خود سفر کند





وضع بهتری نسبت به آنها ندارد. آبروفته تمام عشق و آرزوی بچه‌ها متوجه بازیچه‌ی میشود. برای اینکه لحظاتی آنرا در اختیار بگیرند و بابهن در آن بنشند.

بچه‌ای که مالک بازیچه است سعی می‌کند از این عشق و علاقه بچه‌ها سوءاستفاده کند و آنها را بنحوی مورد بهره‌کشی قرار دهد.

با این اشاره می‌بینیم که فیلم علاوه بر اینکه حاوی قصه‌ای است از کودکان و برای کودکان — اما در ورای تصاویر، پیامی نیز همراه دارد.

«نادری» در ارائه تصاویر و آدمهای قابل باور، تمام موفق بنظر می‌آید — با توجه به اینکه بسیاری از صحنه‌ها را مجدداً ساخته و از بازیگران غیر حرفه‌ای بهره گرفته است. قهرمانان نخست فیلم را کودکان تشکیل میدهند و نادری در هدایت بچه‌ها نیز موفق بوده است.

تنگسیر،

نگاهی دور از تجربیات شخصی . . .

فیلم «تنگسیر» از روی رومانی بهمین نام نوشته صادق چوبک اقتباس شده است.

امیر نادری سازنده آن این بار نگاه خود را از گذشته و تجربیات شخصی خود برمیدارد و به وقایعی میپردازد که لااقل دور از دسترس او بوده‌اند و [illegible] از سر خود او پیش آمده بودند. و این اشاره بخاطر آنستکه «نادری» فیلمسازی است که دائم در خود و زندگی خود کنجکاوی می‌نماید و همیشه [illegible] دیدگاه کار او در خود توجه بوده است.

«صادق چوبک» در این نوشته خود [illegible] و زندگی در لایه‌های درون اجتماع نظر دارد و قهرمان قصه‌اش آدمی است خیلی معمولی بدون کمترین [illegible] چرا که او در شرایطی قرار میگیرد که تحمل [illegible] برای وی دشوار میگردد [illegible] نمی‌گیرد.

«امیر نادری» درمورد گزینش این قصه میگوید: «دلبستگی من به «تنگسیر» فقط از نوشته «صادق چوبک» ریشه نمی‌گیرد، من از کودکی ماجرای زندگی زارمحمد قهرمان این قصه را شنیده بودم و از همان زمان حس کردم که او را دوست میداشتم و به او علاقمند شده بودم. آنچه که بر او گذشته بود برای من آشنا بود و اگر غیر از این بود [illegible] را فیلم نمی‌کردم.»

جدا از این مسئله که مورد نظر امیر نادری بوده است، کتاب تنگسیر محتوائی کاملاً [illegible] دارد. [illegible] خوانده‌اند در آن [illegible] مطالب را برخلاف آدمهای [illegible] بخاطر [illegible] قرار دارد [illegible] تماشاچیان فیلم بسا خوانندگان کتاب نیز [illegible] قرار میگیرد و این فقط بخاطر آنستکه [illegible] برای همچنان او عنوان میشوند همه قوی و غیر [illegible] هستند. «زارمحمد» که نه فقط همه [illegible] تجاوز و سوءاستفاده عده‌ای متقلب قرار گرفته، بلکه او هم تحقیر و رانده میشود — چون آنهائی که در مقابل «زارمحمد» قرار دارند از جمله آدمهائی [illegible] هستند که [illegible] موقعیت اجتماعی خود و با بهره‌گرفتن از این موقعیت و نفوذ خود به چپاول آدمهائی نظیر «زارمحمد» میپردازند. عده‌ای از اهالی شهر که از این چپاولگرها آگاهی دارند جرات ابراز و مقاومت در برابر آنها را ندارند و دیگران نیز چشم بسته به آنها اعتماد دارند. اما زارمحمد در مقابل آنها می‌ایستد و او دیگر فقط در فکر بازپس گرفتن پول خود نیست بلکه میخواهد نسبت به خود اعاده حیثیت هم بنماید و در کتاب میخوانیم که «زارمحمد» میگوید:

— مالو برای پولش نیست، پول مال چرک کف دسته [illegible] به ما [illegible] اما آبرو [illegible] دیگه نمی‌تونم [illegible] و [illegible] هم [illegible]...

و بخاطر همین «زارمحمد» تصمیم میگیرد [illegible] انتقام بگیرد و انتقام او انتقامی خونین است [illegible] ایجاب میکند که ماجرا به اوج هیجان خود برسد. چون «زارمحمد» برای کامل کردن انتقامش باید خود را [illegible] کند و از تفنگچی‌ها که مسئولیت اداره و حفاظت شهر را بعهده دارند دوری گزیند [illegible] و این عوامل [illegible] مناسب بدست فیلمساز میدهند.

«امیر نادری» نیز در این فیلم خود را [illegible] ماجرا میسازد با آنها ... [illegible] این کار [illegible] بعضی از صحنه‌های فیلم قرار گرفته و [illegible] که نمایش فیلمساز برای [illegible] و [illegible] توجه و [illegible] و [illegible] فیلم او [illegible] بهر حال «امیر نادری» در [illegible] استفاده میکند و «تنگسیر» را یکی از [illegible] کارهای خود میداند.

***

«امیر نادری» نیز همراه با [illegible] آمده است. او قبلاً کارش را با عکاسی شروع کرد [illegible] با مطبوعات، با سینما و بازیگران [illegible] آشنا شده و بعدها کار خود را در [illegible] فیلمسازان از در صحنه [illegible] بعنوان [illegible] کرد و با علاقه [illegible] میشود و [illegible] بود موفق و [illegible]

او برای شروع [illegible] بود به سینما [illegible] حرفه‌ای او را [illegible] فیلمنامه‌ای را که آماده کرده بود برای [illegible] میخواست، اما موفق نشد. او این فیلمنامه [illegible] یک حادثه واقعی نوشته بود: «خداحافظ رفیق» [illegible] از یک حادثه جواهرفروشی است [illegible] چگونه بین سارقین که با یکدیگر [illegible] اختلاف بروز میکند و مسئله همان [illegible] که تمام خصائص انسانی را از آنها میگیرد.

سرانجام «نادری» تصمیم میگیرد خود [illegible] تهیه نماید و چون برای اینکار سرمایه‌ای [illegible] لذا او از تمام دوستانش پول قرض میکند [illegible] وضعیت بسیار بدی از نظر مالی آن را [illegible]

«خداحافظ رفیق» نخستین فیلم او [illegible] است و بیشتر حالتی رپورتاژ‌گونه دارد [illegible] است که از دیدگاه یک عکاس [illegible] میکنیم...

و بدین‌ترتیب «امیر نادری» نیز [illegible] و فیلمساز میشود و در دومین فیلم [illegible] میباشیم که موفق شده [illegible] عاطفی [illegible] میدهد. او [illegible] از آدمهائی میگوید که [illegible] میتوانند و حتی عشق هم نمیتواند آنها را [illegible] و آنها تحت شرایط خاصی [illegible] میروند.

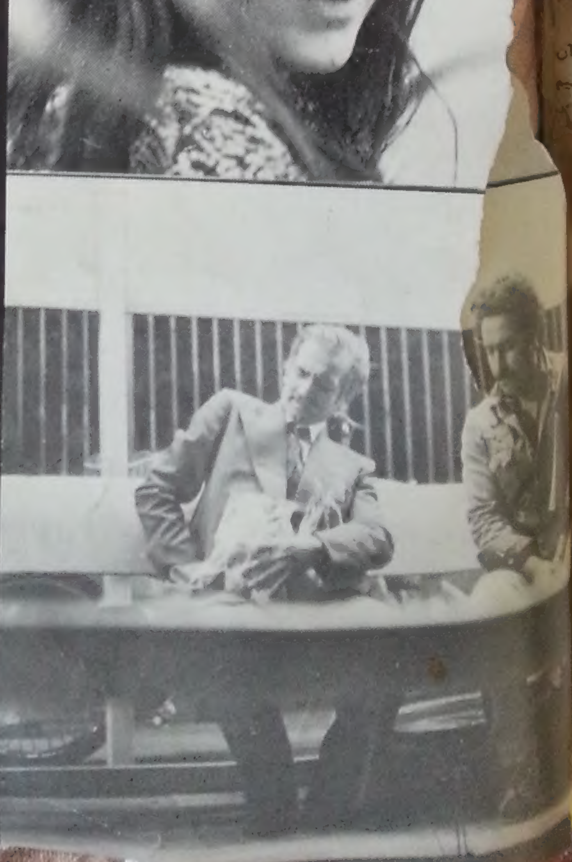
«امیر نادری» از [illegible] و [illegible] ساختن فیلم [illegible] میسازد.


«امیر نادری» فیلمسازی است [illegible] و در کار خود وسواس خاصی دارد و همین [illegible] فیلمسازان جدا و مشخص میسازد. [illegible] که بطور غیر حرفه‌ای کار کند [illegible] برای بازیگرهای [illegible] و [illegible] فیلم [illegible] برای فروش فیلم [illegible] باشد و [illegible] اتفاق نماید.











سرچارلز چاپلین: سینمای انساندوست
SIR CHARLES CHAPLIN:
THE HUMANISTIC CINEMA
IVth TEHRAN INTERNATIONAL FILM FESTIVAL
November 26_December 7, 1975
چهارمین جشنواره جهانی فیلم تهران
۵_۱۴ آذر ۱۳۵۴